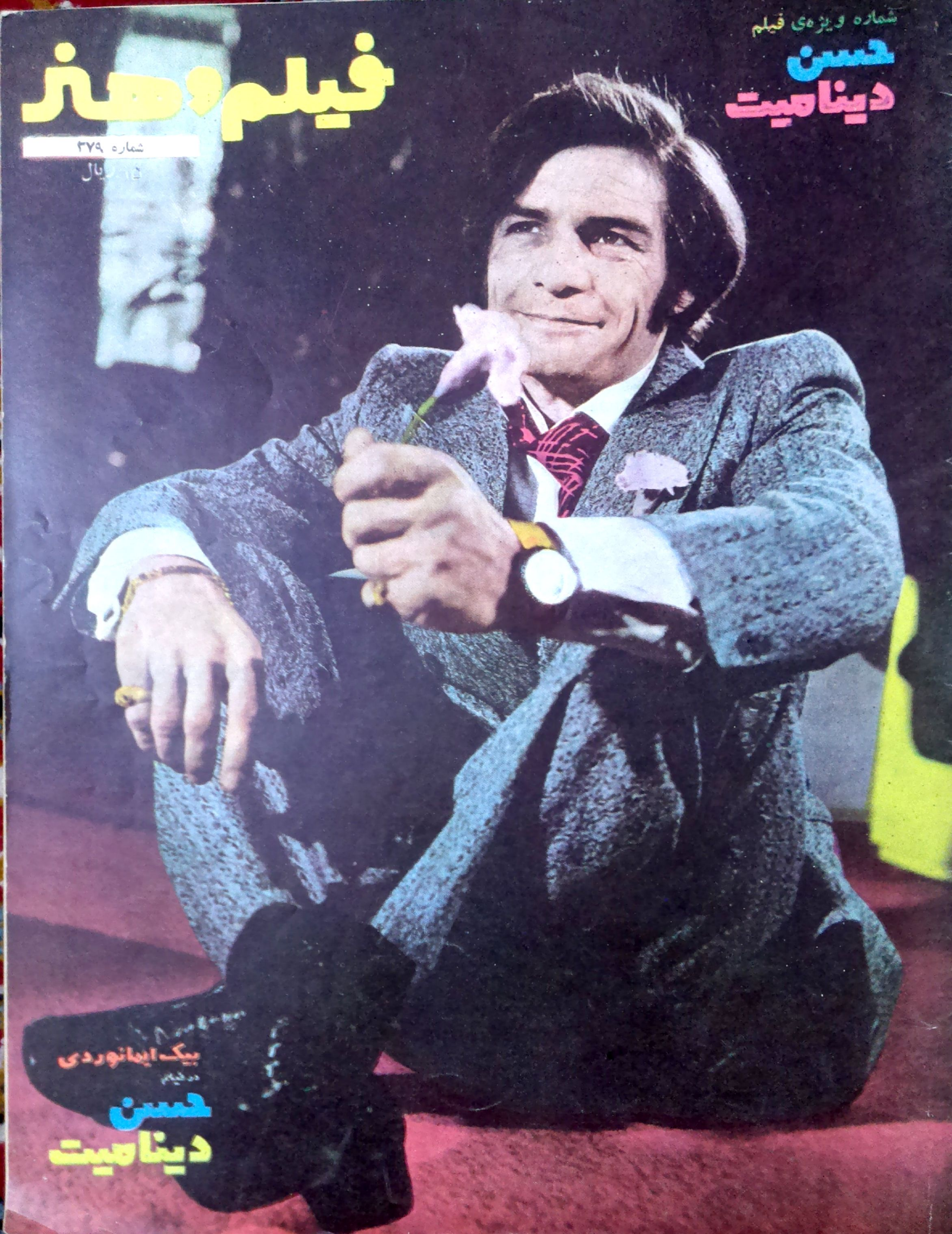
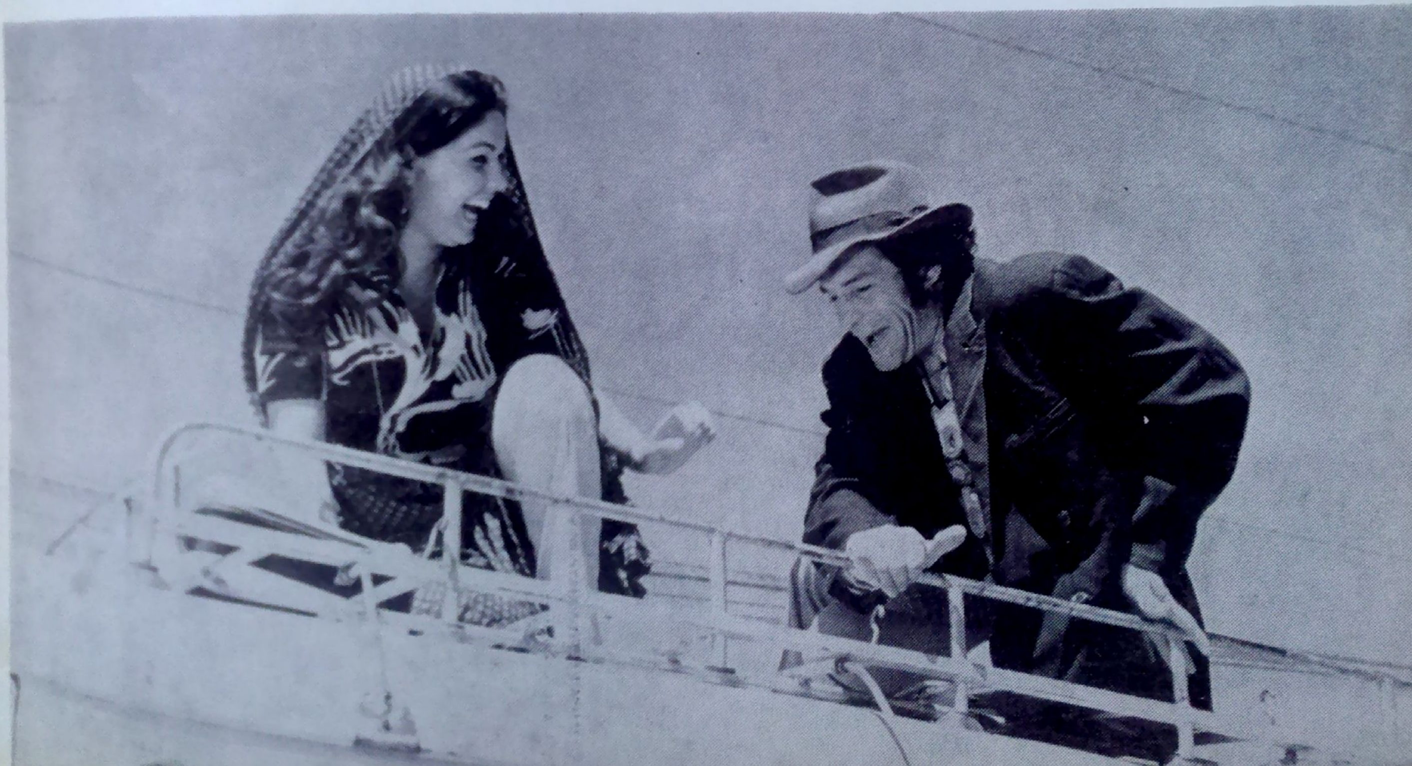

فیلم و هنر
شماره ۳۷۹
۵۰ ریال
شماره ویژه‌ی فیلم
حسن دینامیت
بیک ایمانوردی
در فیلم
حسن دینامیت


Coca-Cola



حسن دینامیت

دنیای تازه هیجان و خنده است

● ره‌آورد تازه سینمای ایران فیلمی است گرم و گیرا ساخته مهندس میرصمدزاده با عنوان حسن دینامیت. حسن دینامیت چهره‌ای است در میان قهرمانان فیلمهای ایرانی استثنائی و جالب که حرکاتش و حرفهایش آنچنان هیجان و احساسی بجان تماشاگر می‌افشاند که گوئی خود بخشی از حوادث را در کار خویش می‌یابد.

«رضا بیك‌ایمانوردی» چهره سرشناس و پرتوان سینمای ایران پس از توفیق کاملی که در تیپ استثنائی خویش پدید آورده است، اینك بار دیگر با همان‌تیپ دلخواه تماشاگران بازیگر نقشی شده است که چون سایر کارهایش از درخششخاصی، برخوردار است و در آن دلپذیرترین‌بازی وی را در قیافه سمپاتك و خنده‌آورش ملاحظه می‌کنید.

داستان حسن دینامیت، یك داستان پرکش وقوس قهرمانی است و رضا بیك‌ایمانوردی در دو تیپ کاملا محبوب در فیلم ظاهر میگردد، مردی که برای دست یافتن بحقیقت و کشف ماجراها بهره‌کاری حاضر است دست بزند.

استودیو عصر طلائی که با رفرم تازه‌اش در کار فیلمسازی از کمیت آثار خود کاسته و بکیفیت آن افزوده است بعد از توفیق فیلمهای خود در سال قبل، در آغاز سال تازه بار دیگر بتجربه‌ای دست زده و بعد از صرف مدتها وقت فیلمی بوجود آورده است که میتوان آن را یکی از آثار خوب و پرفروش سال تازه دانست.

در یك دیدار کوتاه با امین امینی در مورد این فیلم گفتگوئی داشتیم وی اظهار داشت «استودیو عصر طلائی یکی دو سالی است که مصمم است بتهیه فیلم های خوب دست بزند، خوشبختانه نتیجه این تصمیم قرین موفقیت بوده است، کوچه مردها سرآغاز این کار بود و نقره داغ در سال قبل و همچنین این‌فیلم حسن دینامیت که آنهم در سال قبل ساخته شد، ثمره این کار است، خوشبختانه کار ما قرین توفیق بوده است زیرا ضمن ساختن یك کارخوب و با ارزش که بتواند توجه تماشاگران سینمای ایران را بخود جلب کند، فیلمی ساخته می‌شود که یك قدم در آن نشانه توفیق و پیشرفت است.

حسن دینامیت معجون تازه‌ای است‌از سکس و حادثه، خنده و هیجان که درآن هرکس بسهم خودچیزی در خور توجه خواهد یافت.

رضا بیك‌ایمانوردی، چهره خوب و بازیگر مستعد سینمای ایران که اینك در قالب کاراکتری که از چند سال قبل خود ارائه داده است جا افتاده، در این فیلم بار دیگر خود را بنقش دلخواه میلیونها تماشاگر ایرانی درآورده است تا بتواند ساعاتی از اوقات آنان را در سالن تاریك سینما بهیجان و خنده سپری کند.

بیك‌ایمانوردی درباره نقش حسن دینامیت خود میگوید:

من تلاش نمی‌کنم که واقعا در یك کاراکتر و یك تیپ مشخص در سینماظاهر شوم و بهمین جهت هم هست که شما مرا بصورت قهرمانان مختلفی ملاحظه کرده‌اید. اما من باین تیپ خود علاقه‌ای عجیب‌دارم. تصور میکنم وقتی بازیگر این نقش هستم، خود را بیش از هرزمان بتماشاگر ومردم نزدیك می‌بینم و بهمین علت دلم میخواهد سالی یکی دو فیلم تماشاگران مرادر این لباس ملاحظه کنند، چه با آنها بودن و چون آنها در سینما زندگی کردن لذتی عجیب برای من دارد و حسن دینامیت نیز از آن نقشهای خوبی است‌که من در سینما بازیگر آن بوده‌ام و توانسته بنحو احسن آن را بانجام رسانم».

حسن دینامیت از سوژه خوب وقابل بحثی برخوردار است و داستان آن حاوی زمینه‌های مختلفی است که در آن همه عوامل عامه‌پسند گنجانده شده است و برخورد قهرمانان داستان فیلم با ماجراها و حوادثی که در طول فیلم رخ میدهدسبب گردیده که فیلم از حالت یك‌نواختی خارج شده و بصورت یك کار خوب و قابل‌تمجید درآید بخصوص آنکه کارگردانی میرصمدزاده که با این نوع فیلمها آشنائی داشته و کارش از زمینه‌های بکری برخوردار است بارزش آن افزوده است.

تماشاگر در حسن‌دینامیت بیك‌ایمانوردی را با تیپ دلخواهش می‌یابد و او را چون همیشه قهرمان، حادثه‌جو و مرد ماجراها می‌یابد و با او در طول‌نمایش فیلم زندگی میکند. بخصوص آنکه بیك‌ایمانوردی با ایفای دو نقش کاملا متضاد با یکدیگر در طول فیلم با دوعشق نیز سروکار دارد و شرح ماجرا های‌عشقی او را فقط باید روی پرده سینما دید.

اگر معتقد باشیم که فیلم خوب باید از عوامل خوبی از جهت تهیه، کارگردانی و بازی برخوردار باشد، حسن دینامیت یکی از آنهاست. این فیلم دنیای تازه‌ای از هیجان و خنده است که با سادگی و صداقت خود میتواند مورد قبول همه‌واقع شود و در ردیف فیلمهای موفق امسال در آید.

رویدادها

طغرل

● اوایل اردیبهشت ماه از طرف سازمان سینمائی چهلستون اکیپی بمنظور شروع فیلمبرداری محصول تازه آن موسوم به «طغرل» به‌اصفهان سفر خواهند کرد دراین فیلم که سناریست و کارگردان آن سیامك یاسمی وفیلمبردارش «حمید مجتهدی» است سعیدراد ، دلارام، سرکوب ، حسن رضائی و عده‌ای دیگر شرکت دارند . قرار بود نخست فیلم «پریزاد» با شرکت ارحام صدر ، فروزان ، میری ، حسن رضائی بکارگردانی سیامك یاسمی در اصفهان جلوی دوربین رود ولی بخاطر گرفتاری ارحام صدر جهت شرکت در فیلمهای یك کلاغ چهل کلاغ و لج و لجبازی قرار شد فیلم فوق‌الذکر بلافاصله بعد از اتمام فیلمبرداری طغرل اوایل خردادماه‌شروع بفیلمبرداری گردد .

بلیغ ، یك قربانی

● دکتر شاهرخ رفیع تهیه کننده قدیمی فیلمهای‌ایرانی بعداز چندسال مجددا فعالیتش‌را درزمینه تهیه فیلم آغازنموده است . «آمنه» اولین فیلمی است که‌دکترشاهرخ در دوره تازه فعالیتهایش آغاز نموده و قرار است با تشریك مساعی ساموئل خاچیکیان وآرمان در سازمان سینمائی مشعل تهیه فیلمی را که ممکن است «بوسه برلبهای خونین» باشد آغاز نماید. دکتر شاهرخ اخیرا قراردادی هم با بیك ایمانوردی منعقد نموده تا بموجب آن باهمکاری وی ازروی زندگی «مهدی‌بلیغ» مردیکه‌اخیرا بعداز بیست سال از زندان آزاد شد فیلمی موسوم به «بلیغ ، یك قربانی» تهیه نماید قرار است در این فیلم بیك‌ایمانوردی ، فروزان، آرمان و خود مهدی بلیغ شرکت نمایند . بلیغ نقش خود و بیك ـ ایمانوردی در نقش یك دزد باسابقه رادراین فیلم بازی خواهند کرد .

کادر «حسن سیاه» تکمیل شد

● تمام هنرپیشگان فیلم «حسن سیاه» محصول تازه سازمان سینمائی پیام انتخاب شدند و با تکمیل کادر سازنده‌ی ابن فیلم ، از اواسط اردیبهشت ماه‌فیلمبرداری از صحنه‌های آن آغاز خواهد شد در حسن‌سیاه که بکارگردانی پرویز اصانلو توسط علیرضا زرین دست فیلمبرداری میشود نصرت کریمی، فخری خوروش ، مه‌ناز ، اردوان مفید ، رمضانی‌فر ، کرم رضائی، روشن ضمیر ، نادیا شرکت دارند.

مرد دو زنه

● وحدت که اینروزها کارو بارش حسابی سکه شده و علاوه برشرکت در فیلمهای سینمائی در «سازمان رخ» با همکاری مقبلی سرگرم اجرای یك پیس موسوم به «بیا پائین کارت دارم» برای تلویزیون ملی‌ایران‌است مصمم است شخصا در استودیو نقش‌جهان تهیه وکارگردانی فیلمی را موسوم به «مرد دو زنه» آغاز نماید . دراین فیلم که توسط عزیز رفیعی فیلم‌ـ برداری خواهدشد باردیگر ارحام صدر ووحدت در برابر یکدیگر قرار خواهند گرفت .

خونخواهی جلوی دوربین

● هفته آینده اکیپ‌سازنده‌ی فیلم «خونخواهی» محصول تازه سازمان سینمائی کوروش جهت شروع فیلمبرداری آن به نواحی اراك «تفرش» سفر خواهند کرد دراین فیلم که قرار بود نام آن‌به «مجاهدین» تغییر نماید ولی همان خونخواهی خواهد بودرضا فاضلی، بهمن مفید ، جمشید مشایخی ، ذکریا هاشمی ، مرتضی عقیلی ، یدالله شیراندامی ، بهرام وطن پرست ، بهزاد فراهانی ، بهمن زرین‌پور و هنرمند تئاتر ولی شیراندامی و همچنین چهره جدید پریوش امیری شرکت دارند . سناریست و کارگردان خونخواهی داود اسماعیلی است .

بوسه برلبهای خونین درمشهد

● این هفته‌ساموئل خاچیکیان از سفر چندروزه خود به مشهد که جهت‌انتخاب‌محلهای فیلمبرداری کار تازه خود «بوسه برلبهای خونین» به این شهر رفته بود به تهران مراجعت نمود . ساموئل مصمم است از اواخر اردیبهشت ماه‌اکیپ سازنده‌ی این فیلم را که اولین فیلم رنگی او میباشد به مشهد ببرد . جهت‌ایفای



● فریبا خاتمی و شهروز رامتین در نمائی از «آمنه»

نقش اصلی این فیلم ساموئل سه‌نفر راکاندید کرده‌است «بهروزوثوقی، سعید راد و ایرج قادری» تا هر-کدام آنها فرصت داشته باشند برای بازی درآن به مشهد بروندهمایون اشکان و دو چهره جدید « ایرج مختباز» قهرمـان فوتبال شهرستان مشهد و «منیژه» سایر نقشهای مهم این فیلم را بازی خواهند کرد .

مونتاژ من باضافه جهنم

● از این هفته مونتاژ فیلم «من+جهنم» محصول فرودین فیلم آغاز شده است دراین فیلم کـه سناریوی آنرا سیکتکین سالورنوشته است و بکارگردانی سیاوش یاسمی توسط مصطفی عالمیان بطور رنگی فیلمبرداری شده فردین ، پـوری بنائی ، فرزانه تائیدی ، یدالله شیراندامی، نازنین، کاظم‌تهرانچی، رضا عبدی ، خواجوی ، کهنموئی، منصور جهـانشاه و داود رشیدی شرکت دارند .

آبنبات چوبی

● امان منطقی سازنـده‌ی فیلمـهای «پهلوان مفـرد و غلام زاندارم ، که هم‌اکنون فیلم «بابا نان‌داد» راباشرکت بیك‌ایمانوردی، سپیده ، جمشید مهرداد و ساسان آماده نمـایش دارد بـزودی در استودیو پارسفیلم کارگردانی فیلم تازه‌ای راآغاز خواهد کردموسوم به«آبنبات چوبی»که هنوز هیچیك از هنرپیشگان آن بدرستی انتخاب شده‌اند قرار است این فیلـم را نصرت‌الله کنی فیلمبرداری نماید.

مقدم وصیاد

● قراردادی فیمابین جلال مقدم و پرویز صیاد منعقد گردیده است تابموجب آن مقدم‌کارگردانی فیلمی را برای گروه آزاد فیلـم که اخیرا توسط صیـاد ، حاتمی‌و موریس افتتاح شده و چندی پیش نخستین محصول آن تحت عنوان «صمد و سامی ، لیلا و لی‌لی»بروی اکران آمد وهم اکنون نیزسرگرم آماده نمـودن فیلم «خـواستگار» میباشند آغاز نماید . این فیلم که دارای یك سوژه کمدی است ونقش اصلی آنرا پرویز صیاد بازی‌خواهد کرد توسط نصرت‌الله کنی فیلم-برداری خواهد شد .



● پرویز کاردان در نمائی از فیلم «شیر توشیر»

استوار و پاسبان

● در صورتیکه ناصر ملك مطیعی فرصت‌بازی‌در فیلم«قربانی» راتاآخر اردیبهشت ماه نداشته‌باشد نظـام فاطمی کارگردانی فیلـم «استوار و پاسبان» را با شرکت عبدالعلی همایون و حسین حسینی در استودیو عصرطلائی آغاز خواهد کرد و سپس قربانی را بهنـگام فراغت ملك‌مطیعی خواهد ساخت . ملك‌مطیعی قرار است بعد از اتمام فیلمبرداری گروهبان حجت همراه سازندگان فیلم «مـرد» محصـول سازمان سینمائی ژورك برای‌شرکت درآن به‌یزد سفر نماید .

بیا پائین کارت دارم

● وحدت ، تابش ، شهین، مقبلی ، اسدزاده و ... هنرپیشگان یك پیس تلویزیونی هستند موسوم بـه «بیاپائین کارت دارم» کـه هم‌اکنون در «سازمان رخ» سرگرم تمرین آن هستند . این پیس سالها قبل با شرکت وحدت در تـئاتـر دهقان به‌روی صحنه آمده است . درصورتیکه این پیس مورد توجه بینندگان تلویزیون قرار گیـرد پیسهای دیگری نیز با شرکت این هنرپیشگان برای پخش‌ازتلویزیون اجرا خواهد شد .

یك کلاغ ، چهل کلاغ در اصفهان

● هفته آینده اکیپ‌سازنده‌ی فیلم «یك کـلاغ، چـهل کلاغ» محصول تازه فردوسی فیلم جهـت شروع فیلمبرداری آن به اصفهان سفر خواهند کرد .

در این فیلم که بکارگردانی امیرشروان توسط قدرت‌الله‌احسانی فیلمبرداری میشود ارحام صدر ، جمیله ، میـری ، جمشید آریا و عده‌ای دیگرشرکت‌دارند . سناریوی این فیلم را احمد نجیب‌زاده نوشته است . ارحام‌صدر بعد از پـایـان بازیش در یك کلاغ، چهل کلاغ بازی در فیلم پـریزاد را آغاز خواهد کرد .

صیغه روبه‌اتمام

● با مراجعت پوری بنائی از سفر دوماهه‌اش به بم که جهت شرکت در فیلم من+ جهنم‌به‌بم رفته بود صحنه‌های باقیمانده فیلـم «نانجیب» یـا صیغه با سرعـت فیلمبرداری میشود . در این فیلم که محصولی است از سیبرا فیلم وبکارگردانی عباس کسائی توسط علـی صادقی فیلمبرداری میشود منوچهر وثوق ، پوری بـنائی ، ایران دفتری ، جنتی شیرازی،یدی و ... سرکوب شرکت دارند .

قیمت یك‌بار گوجه‌فرنگی در شهرکرد

● این‌هفته «جودوالریاسنین» جهت انتخاب محلهای فیلم «قیمت یك‌بار گوجه فرنگی» به شهرکرد سفر نمود وهفته آینده همراه اکیپ بازیگر و سازنده‌بار‌دیگر بدانصوب خواهد رفت تا کارگردانی آنـرا آغاز نماید .

ارغوان ، حسن خیاط‌باشی ، امرالله صابری ، کریمی ، ژکان و رمضانی‌فر در این فیلم شرکـت دارند. فیلم مزبوررا جمشیدالوندی فیلمبرداری خواهد کرد .

آمنه روبه‌اتمام

● آخرین مراحل‌فیلمبرداری «آمنه» که تهیه کننده‌وکارگردان آن دکتر شاهرخ رفیع میبـاشد توسط قاسمی‌وند طی میشود دراین فیلم فریباخاتمی ، شهروز رامیتن، آنوش و دو کودك خردسال‌شرکت دارند . قرار است آغاسی ورامش در صحنه‌هائی ازاین فیلم ظاهـر شده وترانه‌هائی اجرا نمایند .

شیر توشیر آماده میشود

● هم‌اکنون مراحل فنی فیلم «شیرتوشیر» محصول سازمان سینمائی کاسپین طی میشود . در این فیلم که سناریوی آنرا پرویز کاردان نوشته است و بکارگردانی منصور پورمندتوسط هوشنك بهارلو فیلمبرداری شده پرویز کاردان ، فخری خوروش ، فرشته جنابی ، نادره ، مفیدی و عده‌ای دیگر شرکت دارند . امور پخش شیرتو شیر بعهده سازمان سینمائی پیام میباشد .

مستاجرها بازگشتند

● اکیپ سازنده‌ی فیلم «مستاجر» محصول سازمان سینمائی مشعل که مدتی بود جهت تهیه آن در اصفهان بسرمیبردند هفته‌گذشته بعد از اتمام کار بتهران مراجعت نمودند . دراین‌فیلم که‌بکارگردانی آرمان توسط قاسمی‌وند فیلمبرداری شده‌آرمان ، سیمین،پروین‌ملکوتی ، آقاجانی ، چهره جدید پژوهان وارحام صدر شرکت دارند . آرمان بعداز اتمام‌کارش دراصفهان چندروزی جهت استراحت‌ازاصفهان به‌شیراز سفر نمود و این هفته بتهران مراجعت کرد .

نمایش کافر

● بعد از قلندر گروه‌کاپری قرار است فیلم «کافر» محصول سازمان سینمائی چهلستون رانمایش دهد . در این فیلم که سناریست و کارگردان آن فریدون گله وفیلم‌بردارش حمید مجتهدی است سعید راد ، خیاط‌باشی ، حسن رضیانی ، حسن رضائی ، ابراهیم نادری ، نادره ، جنتی شیرازی ، مهری ، چهره جدید پونه ، مجید فریدفر، سلیمه ، نریمان ، حسین اشراق ، حسین شهاب ، رضاحاجیان ، ایران قادری ، فرخ ساجدی و سرکوب شرکت دارند . موزیك متن کافر را حسین واثقی ساخته است و گوگوش در صحنه‌ای ازآن ظاهر شده و ترانه‌ای اجرا نموده است . قرار است این فیلم طی یك جلسه خصوصی برای‌منتقدین ونویسندگان سینمائی نمایش داده شود .

تنگنا ادامه دارد

● فیلمبرداری محصول تازه سازمان سینمائی پیام موسوم به «تنگنا» کماکان ادامه دارد . در این فیلم که بکارگردانی امیر نادری توسط جمشید الوندی فیلمبرداری میشود سعیدراد ، عنایت بخشی ، پرویز بهرام ، اسکندری ، تجدد ، دهقان ونوری کرائی شرکت دارند .

گدای میلیونر

● محمود کوشان کار تازه خود را موسوم به «گدای ملیونر» در استودیو پارسفیلم جلوی‌دوربین میبرد . دراین فیلم که سناریوی آنرا رضا میرلوحی نوشته است کودك خردسال «کامبیز کوشان» مرتضی عقیلی ، فرشته جنابی،یدی، حسن رضائی و عده‌ای دیگرشرکت دارند



● گریگوری مارك و لی‌لی درنمائی از بالاتر از خطر

مراجعت گروهبان حجت

● هفته آینده اکیپ‌سازنده‌ی فیلم «گروهبان حجت» محصول تازه تینا فیلم بعد از اتمام کار از آبادان بتهران باز خواهندگشت . دراین فیلم که سناریوی آنراایرج جنتی عطائی نوشته وتوسط ایرج صادقپور فیلمبرداری می‌شود ناصر ملك‌مطیعی ، منوچهر وثوق ، امین امینی ، شهرزاد و چهره جدید لیدا دانشور شرکت دارند .

عطش

● هفته گذشته ایرج قادری جهت تعیین محل‌های فیلمبرداری کار تازه خود موسوم به «عطش» همراه جمشید شیبانی تهیه کننده این فیلم به شیراز سفر نمود این فیلم‌همزمان باتهیه‌فیلم «شیرمحمد» که آنرا جمشید شیبانی خواهد ساخت تهیه خواهدشد وایفاگرنقش اصلی هردوی آنها «ایرج قادری» میباشد . شیبانی این دو فیلم را که‌توسط شکراالله‌رفیعی فیلمبرداری میشود با همکاری شرکت سهامی سینما تئاتر رکس تهیه مینماید .

لج و لجبازی در شمال

● هفته گذشته اکیبی بسرپرستی مهدی رئیس فیروز بشمال عزیمت نمودند تا صحنه‌هائی از فیلم «لج و لجبازی» را در آنجا تهیه نمایند . در این فیلم که سناریوی آنرا حسین مدنی نوشته است وتوسط‌عزیز رفیعی‌فیلمبرداری میشود وحدت ، پوری‌بنائی ، توران مهرزاد و ارحام صدر رلهای اصلی را بعهده دارند . اکیپ‌مزبور این هفته برای تهیه صحنه های باقیمانده آن به اصفهان عزیمت مینمایند .

نایب خان

● بدنبال خبر هفته گذشته در مورد فیلم «کفترباز» این هفته فریدون گیلانی باخبرنگارما تماس گرفت و توضیح داد که نام این فیلم «نایب‌خان» میباشد و آنرا برای موسسه‌ی دیگری خواهد ساخت و وی قراردادی باکوروش فیلم برای ساختن این فیلم ندارد. همانطور که هفته گذشته‌نوشته بودیم سناریوی نایب‌خان‌را «محمدبلوری» دبیر صفحه حوادث روزنامه‌کیهان نوشته است .

بالاتر از خطر

● فیلمبرداری محصول جدید موسسه ایران اکران رو باتمام است . در این فیلم که قدرت‌اله بزرگی کارگردان آن میباشد گریگوری مارك ـ لی‌لی ـ اسداله یکتا ـ ابراهیم فخار ـ صابر آتشین و فیروز شرکت‌دارند. اولین محصول‌ایران اکران «فتانه» میباشد که بزودی آماده نمایش خواهد شد .

نشریه هفتگی

فیلم وهنر

دارنده امتیاز و مدیر :
عبدالمجید رمضانی

محل اداره: چهار راه‌دروازه دولت ـ ابتدای روزولت ـ شماره ۲ـ آپارتمان ۱۰

تلفن امور اداری :
۸۳۹۹۷۱

تلفن هیئت تحریریه :
۸۳۳۶۳۵

چاپ از سکه
تلفن : ۳۱۳۹۳۴

گراور از : جواهری
تلفن : ۳۱۴۲۱۱

روی‌جلد : رضابیك‌ایمانوردی

پشت جلد : بیك ایمانوردی ونیلوفر «هنرپیشگان فیلم حسن دینامیت»

تابلو وسط : صحنه‌هائی از فیلم حسن دینامیت



آخرین خبرها از چهارمین جشنواره سپاس

● بدوا توضیحی برای آن دسته از خوانندگان و برخی از هنرمندان داریم.

جهت گروهی در یکی دوهفته اخیر این تصور پیش آمده است که نتایج رفراندومی که در حال‌حاضر درمجله جریان‌دارد (کسانیکه‌حائز اکثریت آرابشوند) تکلیف‌برندگان قطعی را مشخص خواهد کرد.

جهت این دسته از دوستان توضیحا عرض می‌کنیم که به هیچ وجه حائزین اکثریت دررفراندوم مجله در سرنوشت برندگان سپاس تاثیری نخواهد داشت والزاما توضیح مکررمیدهیم که «داوران» بعد از مشاهده فیلم های کاندید، برندگان جوایز سپاس را تعیین خواهند کرد.

● عده‌ای‌ازجوانان‌شهرستانی تلفنا و کتبا با ما تماس گرفته‌اند و خواسته‌اند در مورد ارسال فیلم هایشان، آنها را راهنمائی کنیم:

برای این گروه از علاقمندان شهرستانی، در شماره آینده «برك مخصوص تقاضای شرکت فیلم‌های ایرانی کوتاه مدت» چاپ‌خواهدشد که دوستان ما میتوانند با قید مشخصات لازمه در برك مزبور، آن را از مجله جدا کرده و با فیلمهایشان وسیله پست سفارشی به دفتر مرکزی جشنواره (اول روزولت – شماره ۲ – آپارتمان ۱۰) ارسال دارند.

● عده‌ای تلفنی ازما توضیح خواسته‌اند که فیلم هایشان چه مراحلی را در جریان مسابقه طی خواهد کرد؟

– فیلم هائی که تا پایان‌مهلت مقرره به دفتر جشنواره برسد، وسیله کمیته انتخاب مشاهده وفیلم هائی که واجد شرایط باشند، جهت ملاحظه هیئت داوران انتخاب خواهند شد و فیلم ها (اعم از منتخبین و فیلم هائی که جهت مسابقه پذیرفته نشده‌اند) یك روز بعد از اتمام فستیوال در اختیار صاحبان فیلم ها گذارده خواهد شد.

● در پایان این هفته دعوتنامه های داوران چهارمین جشنواره سپاس، فرستاده خواهدشد، در این دعوتنامه اولین جلسه دهم اردیبهشت تعیین شده، در این‌جلسه ضمن آشنائی داوران با یکدیگر، آئین‌نامه جشنواره قرائت خواهد شد و سپس برنامه‌ای که وسیله کمیته اجرائی جهت مشاهده آثار کاندید تنظیم شده است در اختیار اعضای داوری قرار خواهد گرفت.

اسامی داوران چهارمین جشنواره سپاس بعد ازتشکیل اولین جلسه در مجله اعلام خواهد شد.

● در این هفته کارنامه فعالیت های جشنواره سپاس درسه سال گذشته بصورت موجز وکوتاه بعلاوه آئین‌نامه جشنواره سپاس تکثیر گردید که جهت جراید، استودیوها وسازمانهای هنری‌ارسال خواهد شد.

● کمیته اجرائی سپاس، طرحهائی را بررسی می‌کند تا شاید بتواند خوانندگان مجله‌را درمراسم اهدای جوایز شرکت دهد.

● مجسمه های سپاس وسیله هنرمند مجسمه‌ساز «آطوم» بپایان رسیده است، این هنرمند باذوق که از سال گذشته، کار ساختن جایزه سپاس بعهده‌اش گذاشته شده، در قالب ریزی، تراشکاری و جلاء مجسمه‌ها نهایت ظرافت و دقت را بکار برده است که در فرصتی ایشان را به هنرمندان و خوانندگان‌مجله، معرفی خواهیم کرد.

دعوت

از فیلمسازان فیلمهای کوتاه

چهارمین جشنواره سینمائی سپاس از پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ در تهران آغاز خواهد شد.

بدینوسیله از کلیه تهیه‌کنندگان و سازندگان فیلم های کوتاه مدت (۸ میلیمتری – ۱۶ میلمتری – ۳۵میلیمتری) که علاقمند بشرکت در چهارمین جشنواره‌سپاس هستند، دعوت میشود که با حضور دردفتر جشنواره «خیابان روزولت –شماره ۲ – آپارتمان ۱۰» وپر کردن‌برك مخصوص تقاضای شرکت یك‌کپی از فیلم‌های خود را تحویل نموده و رسید دریافت دارند. علاقمندان شهرستانی نیز می‌توانند فرم‌تقاضا را که در این صفحه هفته آینده چاپ خواهد شد، پرکرده و با فیلم خود وسیله پست سفارشی ارسال دارند.

فیلم های کوتاه تا پانزدهم اردیبهشت بایستی به دفترجشنواره تسلیم شود و تا آغاز برگزاری جشنواره، کمیته انتخاب، فیلم هائی را جهت ملاحظه داوران‌تعیین می‌کند و داوران جوایز زیر را به سه فیلم اصلی اهدا خواهد کرد.

۱– جایزه سپاس طلابعنوان بهترین فیلم‌کوتاه مدت۸میلیمتری.

۲– جایزه سپاس طلابعنوان بهترین فیلم کوتاه مدت ۱۶ و ۳۵ میلیمتری

۳– جایزه سپاس نقره برای دومین فیلم کوتاه مدت ۱۶ و ۳۵ میلیمتری.

کمیته اجرائی‌جشنواره سپاس

نخستین گزارش از :

نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران

First tehran international Film Festival

حسن مرتضوی

● نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران روز یکشنبه بیست‌وهفتم فروردین طی مراسمی خاص در پیشگاه علیاحضرت فرح شهبانوی ایران بافیلم رابط فرانسوی درتالار رودکی آغاز گردید .

آنچه در مورد این فستیوال باید گفته شود کم وبیش همه با اطلاع هستند. باید متذکر شد که این اولین فستیوال جهانی فیلم در تهران میباشد که‌بعلت اهمیت‌خاصی که دارد از طرف فدراسیون بین‌المللی صنایع فیلم به‌عنوان یکی از معتبرترین فستیوال‌های جهانی شناخته شده است ، و آنرا همپایه فستیوالهای معتبر دیگری چون کان ــ برلین ــ سن‌سباستین و مسکو میتوان دانست.

فیلمهائی که دراین جشنواره شرکت کرده‌اند تاکنون در هیچ فستیوال دیگری شرکت داده نشده است و آثاری که جزو مسابقه میباشند کلا فیلمهائی هستند که‌برای نخستین بار در جشنواره جهانی فیلم تهران شرکت میکنند.

فیلمهای طویل و کوتاهی که تاآخرین وقت اعلام شده بدفتر فستیوال رسیده است زیر نظر یك شورای انتخاب مرکب از آذر احمدیه ــ ایرج پزشکزاد ــ هژیر داریوش ــ خسرو سینائی ــ هوشنك شریفی ــ فرخ غفاری ونصرت کریمی بدو دسته تقسیم شده‌اند ۱ــ فیلمهای انتخابی جهت مسابقه که همه روز در ساعت ۱٦ و ۱۹ در تالار رودکی برای هیئت ژوری بین‌المللی نمایش داده خواهد شد ۲ــ فیلمهای خارج از برنامه که همه روزه در سینما دیاموندبنمایش درمیآید. آثاری که جزومسابقه‌میباشد برای‌آندسته ازعلاقمندانی که مایل بدیدن آن میباشند همه روزه در سینمای شهر فرنك بمعرض نمایش درمیآید.

نخستین برنامه رتروسپکتیو (مرور در آثار) اختصاص به‌آثار کارگردان برجسته سینمای ایتالیا (پی‌یر پائولو پازولینی) دارد که در سینمای شهر قصه نمایش داده میشود.

فیلمهای ایرانی

● در نخستین جشنواره‌جهانی فیلم تهران آثاری نیز ازسینمای ایران که در واقع گلچینی است‌از کلیه فیلمهای شرکت کننده ایرانی شرکت داده شده است این فیلمها عبارتند از فیلم طویل (چشمه) بکارگردانی آربی آوانسیان با شرکت آرمان، مهتاج نجومی ، جمشید مشایخی . فیلم طویل (رگبار) بکارگردانی بهرام بیضائی باشرکت محمدعلی کشاورز، فنی‌زاده، منوچهر فرید، لایق، معصومی کسبیان، چهره‌آزاد ، عصمت‌صفوی. فیلم کوتاه (ایران سرزمین ادیان) بکارگردانی منوچهر طیاب .

ودر ضمن فیلم طویل (تجاوز) بکارگردانی حمید مصداقی و فیلم های کوتاه (جن) بکارگردانی بهرام ری‌پور و (سراب) بکارگردانی شاکری‌جزو فیلمهای‌خارج از مسابقه در سینما دیاموند نمایش داده خواهد شد.

میهمانان

● در جشنواره جهانی فیلم تهران عده‌ای از سرشناس‌ترین کارگردانان وهنرپیشگان سینما و چندتن از خبرنگاران و عکاسان جراید بزرك شرکت خواهندداشت که برای اطلاعات بیشتر روزشنبه باآقای دکتر عایلی سرپرست‌روابط عمومی وزارت فرهنك و هنر تماس گرفتیم. آقای عایلی دراین مورد اظهار داشتند که (گریگوری چوخرای) کارگردان برجسته‌روسی



● صحنه‌ای از فیلم طویل «بی‌سروپا» ساخته «کلودللوش»

که جزو یکی از اعضای هیئت داوران بین‌المللی میباشند اولین کسی بودند که به تهران وارد شدند وبدنبال آن از (ساتیاجیت‌رای) کارگردان مشهور بنگالی باید نام برد که جزو اولیـن میهمانان جشنواره به تهران وارد شدند. این عده و سایر میهمانان جشنواره در هتل آریا شراتون اقامت میکنند وبرای خبرنگاران و عکاسانی که مایل بملاقات باهنرمندان هستنـد ترتیبی داده شده تا براحتی بتوانند مطالب مورد نظرشان راتهیه نمایند.

فیلمهای شرکت کننده

● روز شنبه بیست و ششم فروردین پس از چندین هفته باز بینی شورای انتخاب جشنـواره بالاخره لیست کلیه فیلمهای جزو مسابقه و خارج از مسابقه را رسما اعلام کردند .

آثاری که جزو مسابقه می‌باشند :

● **چکسلواکی**: آقایان‌خوش میگذرانند ـ بکارگردانی لاسکو (طویل).

● **ایران** : ۱ـ ایران سرزمین ادیان ـ بکارگردانی منوچهر طیاب (کوتاه) ۲ـ چشمه ـ بکارگردانی آربی آوانسیان (طویل) ۳ـ رگبار ـ بکارگردانی بهرام بیضائی (طویل).

● **کویت** : دریای بی‌رحم ـ بکارگردانی خالدالصدیق (طویل).

● **ژاپن** : شمشیرهای مرگ بکارگردانی اوچی‌دا (طویل)

● **رومانی** : ۱ـ گذر بزرگ ـ بکارگردانی ایله‌اسو (کوتاه) ۲ـ جنگل از دست رفته ـ بکارگردانی بلایر (طویل).

● **آمریکا** : ۱ـ کلوت ـ بکارگردانی پاکولا (طویل) ۲ـ شادی را دریابید ـ بکارگردانی فری‌من (کوتاه).

● **لهستان** : رمانتیکها ـ بکارگردانی رزویچ (طویل).

● **هندوستان** : ویلاپ ـ بکارگردانی چائودری (کوتاه).

● **فرانسه** : ۱ـ بی‌بندوبار ـ بکارگردانی کلودللوش (طویل) ۲ـ سفر در کاماردی ـ بکارگردانی کلارك (کوتاه) ۳ـ فوستین وتابستان زیبا ـ بکارگردانی کامپانیز (طویل) .

● **بلغارستان** : ۱ـ پایان آواز ـ بکارگردانی نیکولف (طویل) ۲ـ بازی باآتم بکارگردانی ابرشکف (کوتاه).

● **آلمان** : سفر زمستانـی بکارگردانی کایزر (کوتاه)

● **جمهوری متحد عرب** : عشق ومقام بکارگردانی برکات (طویل).

● **شوروی** : شاه لیر بکارگردانی کوزنیتسف (طویل)

● **مجارستان** : سکـوت و فریاد بکارگردانی یانچو (طویل)

● **سوئیس** : ایران بکارگردانی پی‌نوتو (کوتاه)

. ● **ایتالیا** : ۱ـ بازپرسـی بپایان رسید بکارگردانی دامیانو دامیانی (طویل) ۲ـ دختری در استرالیا بکارگردانی لوئیجی‌زامپا.

● **انگلستان** : ۱ـ بوی‌فرند بکارگردانی کن‌راسل (طویل) ۲ـ دوستان بکارگـردانی گیلـبرت (طویل)

● **آرژانتین** : پرو بگارگردانی کورال (کوتاه)

● **برزیل** : اتلوی بـزرك بکارگردانی بورگس (طویل) .

فیلمهای خارج از مسابقه که در سینما دیاموند نمایش داده‌خواهد شد.

● فردا. (طویل از تونس) بکارگردانی . ابراهیم بابائی ● استاد الاراخا (کوتاه‌ازهندوستان) بکارگردانی : نائیر ● معرفت جسم (طویل از امریکا) ، بکارگردانی : نیکولز ● مرداب‌سپید (کوتاه از آرژانتین) بکارگردانی ملیان ● تجاوز (طویل ازایران) بکارگردانی حمید مصداقی . ● دهکده‌ای میخنـدد (کـوتاه از هندوستان بکارگردانی: سـوکدو ● عمو انتوان (طویل‌از کانادا) بکارگردانی ژوترا ● جن (کوتاه ازایران) بکارگردانی بهرام‌ری‌پور ● نبرد رودخانه نرتوا (طویل از یوگسلاوی) بکارگردانی بولائیـج ● بلانش (طـویل از فـرانسه) بکارگردانی بوروچیك ● قرمز ، قرمز و قرمز (کوتاه از بلژیك) بکارگردانی آندرین ● بـانـوی ماههای سیاه (طـویل از لبنان) بکارگردانی : خوری ● پرنده‌ها وماهیهـای دانـوب (کـوتاه از مجارستان) بکارگردانی ژاپو ● پرنده سفید با خال سیاه (طویل از شوروی) بکارگردانی: ایلین‌کو ● بخاطر عشق یك عقاب (کوتاه از افریقای جنوبی) بکارگردانی بولاند ● خلیفه (طویل ایتالیا) بکارگردانی بوی‌لاکوا ● چتـر (کوتاه از هندوستان) بکارگردانی شندگه ● یکشنبه لعنتی (طویل از انگلستان) بکارگـردانی شلزینگر ● گالری (کوتاه از استرالیا) بکارگردانی ف ـ لا ● دائی وانیـا (طـویـل از شـوروی) بکارگردانی : میخالکوف ـ کن چالفسکی ● سراب (کـوتاه از ایران) بکارگردانی شاکـری ● دنباله‌رو (طویل از ایتالیا) بکارگردانی‌برتولوچی ● بازار (کوتاه از پرتقال) بکارگردانی ف.دآلمدا ● این‌دوستان خوب (طـویل از امریکا) بکارگردانی پرمینگر ● انقلاب خاموش (کوتاه از آلمان) بکارگردانی مونك ● شیاطیـن (طویل از انگلستان) بکارگردانی راسل ● یادبود(کوتاه‌ازانگلستان) بکارگردانی آلن ● زمین (طویل از جمهوری متحد عرب) بکارگردانی شاهین ● آغاز (طویل از شوروی) بکارگـردانی پان فیلف ● غریق (کوتاه از فرانسه) بکارگردانی دوپره ● خـون دشمن (طویل از مکزیك) بکارگردانی گن‌زالس ● وقفه (طویل‌ازآلمان)

بقیه درصفحه ۳۸



● صحنه‌ای از فیلم «پرنده سفید با خال سیاه (طویل) بـه کارگردانی ایلین‌کو

هنرمندان فیلم «حکیم باشی» را بشناسیم



«۲» ایرن

● ایرن ، قبل از آنکه فعالیتهای سینمایی خود را آغاز کند ، از هنرپیشگان تاتر بود ، و کارتاتری او ا زدوران تحصیل و بازی در پیس‌های مدرسه‌یی آغاز شد ... وی در مورد کار تاتری خودش ، چنین نظری دارد : «اکثر هنرمندان ، کارشان را با رلهای کوچك شروع کردند ولی من کارم از ستارگی شروع شد.»

در طی شش سال فعالیت تاتری ، ایرن در این پیس‌ها شرکت جست : بادبزن خانم ویندرمیر ـ شنل قرمز ـ از طبع خارج‌شد ـ اوژنی‌گرانده ـ شوهر ایده‌آل ـ پیچ خطرناك و شب بحرانی ، و در هر یك از این پیس‌ها ، نقشی سنگین و مشکل ایفا کرد . تا آنکه از سال ۱۳۳۶ با فیلم «مردی که رنج می‌برد» به جمع‌ستارگان سینمای‌ایران پیوست. فیلم‌های بعدی ایرن ، چشم برام ـ قاصد بهشت ـ سایه سرنوشت ـ ساحل‌دورنیست‌ ـ چشمه آب‌حیات‌ ـ مروارید سیاه ـ دلهره ـ پسر زاینده‌رود ـ کشتی نوح و جاده زرین سمرقند ... بود تا آنکه چند سالی در کار او وقفه افتاد . این وقفه تا سال گذشته ادامه یافت . ولی شرکت او در چند فیلم‌تازه مثل همای سعادت ، خدا حافظ رفیق ـ عمویادگار و موفقیت‌فیلم آخرش ، محلل باعث شد که این ستاره ، موقعیت گذشته‌ی خود را کسب کند و جزو هنرمندان موفق سینمای ایران در آید . جدیدترین فیلم ایرن ، بعد از محلل ، «حکیم باشی» است که وی در آن نقشی حساس و جالب ایفا می‌کند .

گفت‌وگو

● در این فیلم چه نقشی ایفا می‌کنید ؟

ایرن : نقش من دارای ژانر بخصوصی نیست . ولی‌چون داستان فیلم ، موضوع محکمی دارد و برپایه‌ی طنز استوار است و تمام نقش‌های فیلم جالب هستند ، این کار برای من جالب بود . بنظرمن پرسوناژهای این فیلم پیچ و مهره‌هایی هستند برای استحکام بخشیدن به این اثر و چون‌منهم یکی از این پرسوناژهاهستم ، نقش من در فیلم موثر است ولی‌نمی‌شود صفت بخصوصی به‌این پرسوناژداد و گفت که مثلا خوش جنس است ، بدجنس است ، فرشته صفت است یا نیست ... در مورد نقش‌خودم همینقدر می‌توانم بگویم که یك زن روستایی است که مثل تمام زنان روستایی چندان به مسایل دوروبرخودش آشنا نیست .

● دروهله‌ی‌اول‌چه موضوعی از این فیلم برای شما جالب بود ؟

ایرن : ما در یك محیط پراز تفاهم کار می‌کنیم . محیط کارما بقدری دوستانه ، گرم و مملو از محبت و صمیمیت است که باعث آرامش همه‌ی مامی‌شود . ومی‌دانید که وقتی این آرامش موجودباشد، رضایت همه حاصل و برای ایجاد یك‌کار خوب، مقدمه چینی‌می‌شود.

● شما نقش مقابل «نصرت کریمی» را ایفا می‌کنید ، درمورد این ترکیب تازه در فیلم چه‌نظری دارید ؟ و بطور کلی در مورد این فیلم چطور فکر می‌کنید ؟

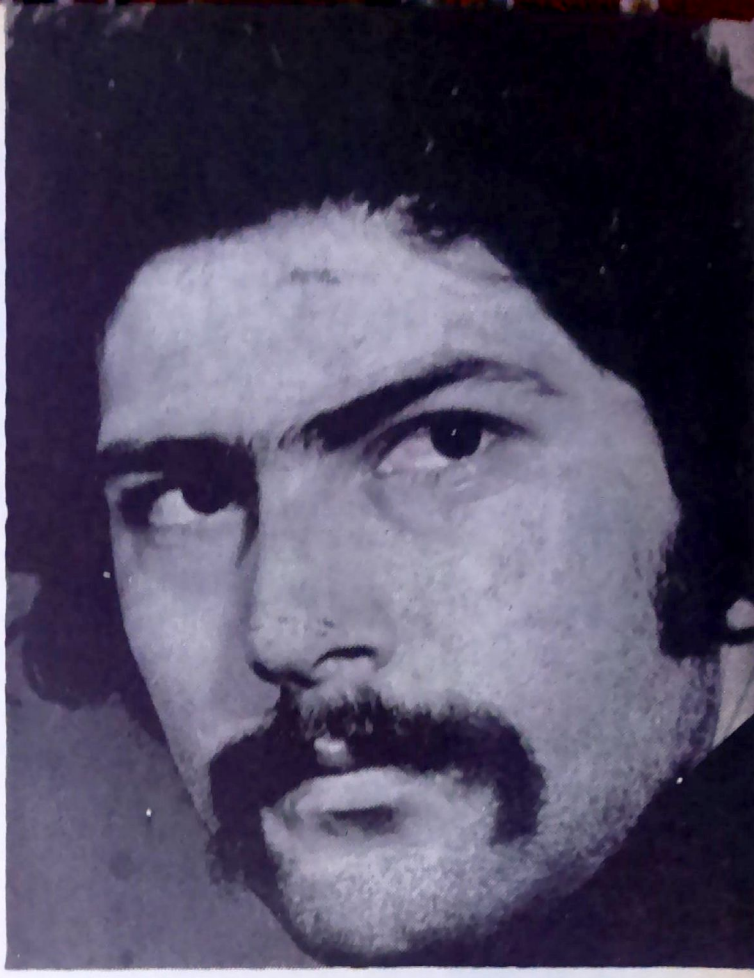
ایرن : این دومین باری‌است که من رل مقابل آقای کریمی را بازی می‌کنم و این کار برای من باز یك توفیق محسوب‌می‌شود. هیچکدام از آدم‌های فیلم قبلی ما «محلل» آدم‌هایی‌نبودندکه کارهای خنده‌دار بکنند . تمام برخوردها و اتفاقات جدی بودولی ازبرخورد اتفاقاتی که بوجود می‌آمد ، یك نوع طنز بوجود می‌آمد . این‌فیلم هم از همان حالت برخورداراست. مثلا زنی گریه می‌کند ، ساده است و خودش فکر می‌کند که کارهای درستی انجام می‌دهد ، ولی این کارها در برخورد با مسائل دیگر ایجاد طنز می‌کند ... یا مثلا این موضوع که اهالی یك ده ، دکتر تحصیلکرده را نمی‌پذیرند و در عوض به یك حکیم‌باشی رمال‌اعتقاد دارند ، از این نوع است .

● فکر می‌کنید که «حکیم باشی» موفقیت فیلم گذشته‌ی شما و آقای کریمی «محلل» را تجدید کند ؟

ایرن : بله ، «حکیم باشی» بنظر من فیلمی است تجارتی که می‌تواند مورد توجه وپسند تمام طبقات باشد . چون از طنز وانتقاد برخوردار است و به ذهن افراد مختلفی نزدیك است . مثلا سادگی وعوامی مردم یك ده و مسائل مبتلا به آنان ، مساله‌یی است برای همه قابل هضم . من فکر می‌کنم که «حکیم‌باشی» فیلم جالب و سرگرم کننده‌یی باشد و مورد استقبال اکثر سینماروها واقع‌شود.

● ایرن باتفاق نصرت‌کریمی در صحنه‌ای از : حکیم‌باشی





مختار

امیدموفق سال ۵۱

● سال گذشته در شش هفت فیلم شرکت کردی و اخیرا هم بطور همزمان درسه چهارتا فیلم بازی کردی . یعنی آنکه حالادیگر در ردیف بازیگران پرکار سینمای ایران قرار گرفته‌ای . خودت‌از این وضع راضی هستی ؟

مختار : می‌دانی که‌من درواقع به کار بازی در سینما کشیده‌شدم و هیچوقت خودم این هدف را نداشتم که یك بازیگرسینمابشوم. یکی از علل مهم رو آوردن من به این کار ، این بود که جبران زیان هائی را که از انتشار «مجله «فیلم» نصیبم شده بود بنمایم. پس من باید به پیشنهادات فیلم‌سازها جواب مساعد می‌دادم تا با پولی که از اینطریق نصیبم می‌شد ، جبران آن ضرر های هنگفت را بکنم . ولی طبیعی است که من پس از سبك شدن بار تعهداتم باید کم کم به دنیای صمیمی و مورد احترام خودم برمی‌گشتم . به‌این ترتیب من خودم کار بازیم را در همین مدت کوتاه به دو قسمت تقسیم می‌کنم .

۱ ــ فیلمهائیکه علاقه زیادی به آنها نداشتم و صرفا بخاطر پول در آنها بازی میکردم

۲ ــ فیلمهائیکه بخاطر علاقه شدیدم به کار سینما در آنهابازی کردم .

اما با وجود این دو گانگی، نکته مهم اینست که من تا این لحظه هیچ نقطه سیاهی در کار سینمائی خودم نداشته‌ام و باید بگویم که هیچگاه خودم رامطلقادر اختیار آن سینمای فرسوده گذشته نگذاشتم . مثلا من شدیداازاینکه در فیلمها برقصم یا آواز بخوانم پرهیز کردم و شاید همین پافشاری تا حدودی باعث نمود کار من و جلب توجه تهیه کننده‌ها و حتی تماشاچی‌ها بوده . برای خودمن اصلا تعجب آور است که می‌بینم با اینکه هنوز بیشتر از چهارتا فیلم از من نشان نداده‌اند ، مردم در سراسر ایران مرا می‌شناسند و به من لطف می‌کنند و به‌ادامه کار تشویقم می‌کنند .

من بطور قطع از این پس فقط در فیلمهائی بازی خواهم کرد که آنها را دوست داشته باشم و با معیار های خودم ، فیلمهای قابل پذیرشی باشند .

● و حالا چطور است کمی راجع به فیلمهای تازه‌ات صحبت کنی .

مختار : قبلا اینرا بگویم که من بعنوان یك بازیگر همیشه سعی کرده‌ام از تیپ گرفتن پرهیز کنم و گرفتار قالب و کاراکتر مشخصی نشوم . اصولا فکر می‌کنم یك هنرپیشه موفق کسی است‌که از عهده ایفای هرنقشی برآید .

بعد از «قدیر» من مجددا تحت کارگردانی آقای علامه‌زاده در فیلم فدائی بازی کردم که در آن به اتفاق هنرپیشه قابل احترام من ، آقای داود رشیدی دیده می‌شوم . در این فیلم هم مثل قدیر ، من کاراکتری را بازی کرده‌ام که خودم سخت به آن‌علاقه دارم .

در اسفند ماه گذشته ،فیلم «مبخك سفید» را هم به‌کارگردانی آقای رضا صفائی بازی کردم .در این فیلم من مجددا با «فروزان» همبازی هستم که لابد میدانی اصلا فروزان بود که باعث راه یافتن من به سینما شد . من در این فیلم که فکر می‌کنم با اقبال جمعی مردم روبرو گردم ، یکی از نقشهای ایده‌آلم رابازی‌کرده‌ام. در حال حاضر هم مشغول بازی در فیلمی به اسم فتانه هستم که در روال فیلمهای باب‌پسندامروزی است و فکر می‌کنم مثل فیلم «زن یکشبه» و شاید هم بیش از آن مورد استقبال مردم واقع شود.

همچنین یکی دو سکانس هم از فیلم «خانوم خانوما»ی آقای منوچهری‌باقی مانده است که‌باید در آنها بازی کنم . در ضمن من‌دو سال پیش در فیلمی به اسم «قمار زندگی» بازی کردم که فکر می‌کنم همین روزها آنرا نمایش‌دهند.

در حال حاضر ، من مشغول مذاکره با آقای «مصطفی‌اسکوئی» کارگردان و هنرپیشه معروف تئاتر هستم و قرار است به پیشنهاد ایشان در یك فیلم رنگی به‌اسم «گودال» که‌براساس‌داستانی‌بهمین نام از آقای «قاسم‌لارین» ساخته می‌شود ، بازی کنم . این فیلم‌را خود آقای اسکوئی کارگردانی خواهد کرد و یك ستاره معروف سینمای چکسلواکی نیز درآن‌بازی خواهد داشت و فیلمبردارش هم «عالمیان» خواهد بود .

همچنین آقای «علامه‌زاده» هم در حال حاضر مشغول تنظیم سومین سناریوی خودش است که روال تازه‌ای دارد و فکر می‌کنم این فیلم باز فرصتی خواهد بود برای من‌که یك نقش کاملا تازه را بازی‌کنم . این فیلم به‌احتمال قوی در آریانا فیلم به‌وسیله آقای‌شباویز تهیه خواهد شد .

● در این دوسه سالی که در کار سینما بوده‌ای ، آیا هدف مشخصی داشته‌ای ؟ آیا هیچوقت فکر کرده‌ای که راهی متفاوت را طی کنی ؟

مختار : بله . طبعا اینطور هست و حتی سابقه کار مطبوعاتی من نشان داد که من آدم مبارز و آشتی ناپذیری هستم .من‌هیچوقت در این دو سال فعالیت سینمائیم به این فکر نکردم که مثل کس دیگری باشم و یا جای کس‌دیگری را بگیرم . من همیشه سعی‌کرده‌ام آدمی برای خودم باشم و سینمای محبوب خودم را تحمیل کنم .ولی همانطوریکه اشاره کردم در آغاز کار بخاطر آن مسائل مالی ،یك مقدار مجبور به مدارا و سازش بودم که خوشبختانه حالا دیگر چنین اجباری ندارم و می‌کوشم که روی پای خودم بایستم‌وایده‌آلهای خودم را در سینما پیاده بکنم .

الان دیگر برای من این‌مسائل اهمیت یافته‌اند که مثلا چه‌کسانی در فیلمی بامن همبازی هستند ، سناریوی فیلم در چه مایه هائی است ، کارگردانش کیست یاحتی فیلمبردارش چه کسی است وفیلم تحت چه شرایطی ساخته می‌شود.

مهمتر از همه اینکه من حالا دیگر به هیچوجه به پول اهمیت نمی‌دهم . یعنی میزان دستمزد ، میزان اعتبار و حیثیت را برای من تعیین نمی‌کند .

«تمام»

رفراندوم فیلم و هنر واقعه مهم سال

شنل افتخار برای «ملکه

● ملکه زیبائی فیلم ایرانی جوایز برندگان را اهداء خواهد کرد.

● چه‌کسی ملکه زیبائی فیلم ایرانی خواهد شد.

● «شنل‌افتخار» نصیب‌کدام یك از زیبارویان فیلم فارسی‌خواهد شد؟ چه کسی بعنوان «ملکه زیبائی» فیلم ایرانی انتخاب میگردد ؟ این سئوالی است که همه علاقمندان به هنر هفتم از خود میکنند . همه منتظرند تا ببینند از میان اینهمه ستاره فیلمهای فارسی، بالاخره چه کسی بر رقبای خود پیروز خواهد شد وشنل افتخار را بدوش خواهد کشید. برای اینکه فیلم و هنر در راهی که قدم گذاشته است، زودتر بمقصد برسد . لازم است که خوانندگان صمیمی و وفادار فیلم وهنر، علاوه براینکه خودشان در این رفراندوم شرکت میکنندوبرای مانامه مینویسند، بدوستان خود هم توصیه بکنند تادرانتخاب ملکه زیبائی فیلم ایرانی سهیم باشند ، مسلما هرچه تعداد آراء بیشترباشد، آن ستاره‌ای که بعنوان ملکه زیبائی انتخاب میشود حتما زیباترین‌ستاره فیلم ایرانی خواهد بود و کمتر شك و شبهه‌ای درانتخاب او پدید خواهد آمد.

* جوایز و شنل افتخار

● شورای انتخاب ملکه‌زیبائی فیلم ایرانی تادو هفته دیگر ، مرکب از یك نقاش ، پیکرتراش ، نویسنده، خیاط، طراح، یك‌هنرپیشه زن ویك هنرپیشه مرد تشکیل خواهد شد. این شورا تمام نامه‌های رسیده را هرهفته مورد بررسی‌قرار خواهند داد تا بالاخره در پایان فینال بارای خوانندگان ورای نهائی خود زیباترین ملکه زیبائی فیلم ایرانی را انتخاب کنند.

● همانطور که هفته گذشته اشاره کردیم، بیك طراح وخیاط مشهور پیشنهاد داده‌ایم تا شنل

ژاله سام :

ستارگان فیلم فارسی نه‌خوشگل هستند و هنرمند!

● من شهرت را دوست‌دارم، اما جلوی دوربین لخت نمیشوم

● اگر من در رفراندوم‌ملکه زیبائی رای بیاورم ، واقعا شانس آورده‌ام .

● همیشه دراینگونه بحث‌ها، ستاره‌های تازه نفس حرفهای‌تازه‌تری برای زدن دارند ، و شاید بهمین جهت بود که ما بدیدار «ژاله سام» بازیگر لاغر اندامی‌که با فیلم دیوارشیشه‌ای رقیب تازه‌ای برای ستارگان وطنی شد ، رفتیم .

بهتر است بجای هرگونه توضیحی ، حرفهای او را از زبان خودش بشنویم .

●●●

● دو هفته پیش وقتی روزنامه فروش محله‌مان ، فیلم و هنر را بدستم داد و من آنرا ورق زدم ، از دیدن تیتر درشت «ملکه زیبائی فیلم ایرانی‌را انتخاب‌کنید» کاملا جاخوردم وباخودم اندیشیدم اینبار چه سوژه‌ای بدست مجله فیلم و هنر افتاده است . ابتدا فکر کردم که قصد از انتخاب ملکه زیبائی یك‌جنجال بیش نیست، اما وقتی مطلب را تا بآخرخواندم حس‌کردم که اقدام شایسته وبی‌نظیری‌طرح‌ریزی شده‌است. بی‌گمان چنین رفراندومهائی میتوانند در سرنوشت فیلم ایرانی و چهره‌های تازه نفس نقش موثری را بازی کند .

● من تاکنون در فیلمهای دیوار شیشه‌ای ، راز درخت سنجد ، پنتچی ، و هشتمین روز هفته بازی کرده‌ام که تاکنون دو فیلم اولی از من بنمایش درآمده است . من واقعا هدفم در سینما اینست که کار خوب ارائه بدهم ، وشاید بهمین خاطر هم هست که درانتخاب فیلمها سخت‌گیری بخرج میدهم و در هر فیلمی بازی نمیکنم .

● من بعنوان خوشگلترین و زیباترین هنرپیشه حرف نمیزنم . نخیر ، خیال نکنید که من‌ادعائی دارم . من در اینجا میگویم که بهیچوجه زیبا نیستم ، و میدانم‌که دیگران بیشتر از من رای خواهند آورد ، ولی گفتن این نکته‌ضروری است که هیچیك از ستارگان فیلم فارسی خوشگل نیستند واندام‌خوبی ندارند . آنها که میگویند من خوشگل و هنرمند هستم‌لاف بیهوده میزنند . زیرا تا آنجا که من ستارگان فیلم فارسی را دیده‌ام و می‌شناسم از زیبائی کوچکترین بهره‌ای نبرده‌اند . دو سه نفر هستند که هنری درچنته دارند اما زیبا نیستند ، و بقیه که ممکن است زیبا هم توشان پیدا بشود هنری ندارند . البته من این حرفها را نمیزنم که بگویم از دیگران‌زیباتر هستم ، بخدا هیچ اینطور نیست . اما باور کنید که سینمای فارسی ستاره خوشگل ندارد .

● من فکر میکنم گروه زیادی از ستارگان فیلم فارسی که



زیبائی» فیلم ایرانی

افتخار» ملکه زیبائی فیلم ایرانی را تاپایان این رفراندوم آماده سازد، تا طی مراسمی باحضور خوانندگان فیلم‌وهنر و جمعی از دست اندرکاران امور هنری این شنل بملکه زیبائی فیلم ایرانی اهداء گردد. شایدلازم بتذکرنباشد که این اقدام فیلم وهنر برای اولین‌بار درایران بمرحله اجرا در میآید وتاکنون هیچیك ازموسسات و مجلات اقدام باینکار سخت و دشوار ننموده‌اند. بدون شك ما اطمینان داریم که انتخاب ملکه زیبائی فیلم ایرانی‌راه‌گشای کسانی خواهد شد که‌از برگزاری اینگونه مراسم در تردید بسر میبرند.

● همچنین بخوانندگان‌عزیزی که دراین رفراندوم شرکت میکنند نوید میدهیم که جوایز بیشمار و ارزنده‌ای برایشان در نظرگرفته‌ایم که در حضور همه قرعه‌کشی‌خواهد شد و ده نفر برنده جوایز خودرا توسط ملکه زیبائی فیلم ایرانی دریافت خواهند نمود.

* جواب سهیلا به فریبا

همانطور که بارها گفتیم ، فیلم وهنر بهیچوجه قصد جنجال و طرفداری از هنرپیشه بخصوصی را ندارد. بهمین جهت هفته گذشته وقتی حرفهای خانم فریبا را چاپ کردیم، صبح روز سه‌شنبه پس از انتشار مجله، «سهیلا» در یك تماس تلفنی به نویسنده فیلم وهنر گفت:

ــ خواهش میکنم از قول من بنویسید خانم فریبا ! اینهمه منم‌منم نزنید. بهتر است دیگران درباره زیبائی شما و من قضاوت کنند. بقول معروف هیچ بقالی نمیگوید ماست من ترش است. در ضمن مثل اینکه این خانم تازگیها بفراموشی هم دچار شده‌اند، زیرا که در فیلم های «جهنم زیر پای من» و «دزد بانك» همین خانم نقش دوم را ایفا میکرد و من نقش نخست را. قضاوت را بخوانندگان فیلم وهنر واگذار میکنم.



حالا شهرتی هم برای خود دست و پا کرده‌اند فقط دارند از اندام برهنه خود جلوی دوربین سود میبرند ، و آنهائی هم که هوای بازی در فیلم فارسی بسردارندبرای راه یافتن باین هنر شرط اول را برهنه شدن میدانند . زیرادیده‌اند که دیگران از این راه بنوائی رسیده‌اند .

● من هیچوقت باین قصد بطرف سینما نیامدم که بانشان‌دادن اندام خود شهرتی بهم بزنم . البته من هم شهرت را دوست دارم و هم پول را ، اما بآن چیزی که بیشتر اهمیت میدهم خانواده‌ام‌است که واقعا برای من بیشتر ازسینما و اینجور چیزها اهمیت دارد . از اینرو سعی دارم در هیچ فیلمی سکسی بازی نکنم ، و اگر هم دیده‌اید که در فیلم راز درخت سنجد تا حدی سکسی ظاهرشده‌ام ، آنهم بخاطر این بوده است که‌اولا با کارگردانی کار میکردم که بدون جهت برای تضمین فروش فیلمش نمیخواست سکس را بمردم قالب کند ودرثانی‌سوژه فیلم ایجاب میکرد که در کنار دریا با مایو ظاهر شوم .

● من ۲۴ سال از سنم میگذرد . مدتی باروپا سفر کردم و در آنجا ماندگار شدم ، بعد که بایران بازگشتم تا مدتی مانکن بودم ، و عکسهایم مرتب روی‌جلد و داخل اطلاعات بانوان چاپ میشد .

● عده‌ای از ستارگان فیلم فارسی از خودشان متشکر هستند و از اندام برهنه خودشان خوششان میآید . وگرنه‌هیچوقت حاضر نمیشدند که با داشتن اندام‌گوشتالو خودشان را ملکه زیبائی معرفی کنند .

● واقعا اگر بناباشد ملکه زیبائی انتخاب شود بنظر من باید راکوئل‌ولش را انتخاب کرد . تا موقعیکه ستارگان سینمای خارج‌با آن اندامهای متناسب‌وجود دارند ، ما نباید بخودمان این جرات را بدهیم که با داشتن قدکوتاه و گوشتالو خودمان را زیباترین معرفی کنیم .

● بنظر من ستارگان سینمای فارسی باید برای مردم سمبل‌باشند، زیرا حرکات ، رفتار و گفتارآنها سرمشق دیگران میشود . چرا که تمام مردم توجه‌شان باینست که ببینید هنر پیشه دلخواهشان‌چگونه لباس می‌پوشد و سطح فکرش تا چه حدی است !؟

برای انتخاب «ملکه زیبائی» به اینها رای بدهید :

● زری خوشکام ● پوری
بنائی ● مهناز ● فرشته جنابی ●
سهیلا ● فریبا خانمی ● سارا ●
سیمین علیزاده ● ثریا بهشتی ●
آذرشیوا ● ارغوان ● نازنین
● مرجان ● فروزان ● نیلوفر
فریده نصیری ● سیمین غفاری
● سپیده ● ایرن ● دلارام ●
● شهین ● گوگوش ● جمیله
● شهرزاد ● لی‌لی ● ژاله‌سام
● هما روستا ● آفرین ● شهناز
تهرانی ● مری آپیك ● فرانك
● وجستا .

سرگذش



ساعت چهار باهم قرارداشتیم قبلا تلفن زده بودم :ـ آقای آرمان میخواهم نیم‌ساعت پای صحبت شما بنشینم .

دو سه دقیقه از ساعت چهار گذشته بود که باهم روبرو شدیم باهم دست دادیم خوش و بش کردیم و آنوقت صحبت ما شروع شد ـ چی میل دارید ـ متشکرم تعارف نکنید مثل اینکه قهوه بد نیست من اغلب شبهائی که در استودیوکار میکنم‌و یا فیلمبرداری دارم قهوه میخورم ... خستگی و خواب را تاحدی ازبین میبرد بعد افزود :

خوب بفرمائید هرسئوالی دارید من حاضرم جواب بدهم ... فکر میکنم سئوال و جواب مثل معمول خسته کننده باشد ... بهتر نیست همینطوری حرف بزنیم برای ما قهوه آوردند و آرمان دنباله حرف راگرفت :

مثلا چه جوری ؟

ای شما شروع کنید بحرف زدن ... معذرت خواست و حرفم را قطع کرد :

آخه چی بگویم ؟

اجازه بدهید حالا عرض میکنم ببینید آقای آرمان مردم‌بکار هنری شما علاقمندندشما راازمردان موفق سینمای فارسی میدانند و دلشان میخواهد درباره همه چیز شما اطلاع و خبرداشته باشند ...

از گذشته‌ها ، از زندگی خانوادگی ، از تلاش‌ها و فعالیت‌هائی که در عالم سینما انجام میدهید. فکری‌کرد پایش‌را روی پا انداخت و گفت بسیار خوب ...

شروع به گفتگو کردیم واین چکیده و عصاره گفت وشنودآنروز من و آرمان است ...

● نام اصلی‌اش آرمائیس هوسپیان است در یک خانواده کارگر ارمنی بسال ۱۳۰۰ در شهر تبریز بدنیا آمده پدرش مسروپ هوسپیان در آنزمان از کفاش‌های معروف تبریز بود کارگری بود چیره‌دست که‌کفش‌های بسیارخوبی میدوخت و ازهمین راه معاش زندگی خانواده‌اش را تامین میکرد .

مسروپ اصولا پدر در پدر اهل رضائیه بود سالهای کودکی برای آرمائیس مثل سایر کودکان سپری شد هفت ساله بود که بمدرسه مخصوص ارامنه گذاشته‌شداز همین زمان روی صحنه تئاتر رفت . کلاس اول بود که در جشن پایان سال تحصیلی همراه با چند بچه همقد خودش روی سن ظاهر شد . میل به هنرپیشه شدن از همین‌جا درآرمائیس کوچک ریشه دواند . وقتی نمایش که از همین نمایش‌هائی بود که کودکان دبستانی‌بروی صحنه میآورند بپایان رسید، مدیر مدرسه دستی بشانه وی زد وگفت‌ آفرین آرمائیس خیلی خوب‌بازی کردی ...

در حقیقت‌درآنزمان آرمائیس کوچك نمیدانست بازی چیست‌فقط باو گفته شده بود که این حرفها را بزن و این قیافه‌ها را بگیر و او نیز چنان کرده بود .

اما هرچه بود آرمائیس هوسپیان اولین‌گام را برای‌هنرپیشه شدن برداشته بود بی‌آنکه شایدخود متوجه باشدرفته‌رفته هرچه‌آرمائیس بزرگتر میشد علاقه‌اش به تماشای فیلم و سینما رفتن نیز فزونی می‌گرفت . دوازده ساله بودکه یك شب پنهانی تمایل شدید خود را به هنرپیشگی با مادرش در میان گذاشت : **مادر دلم میخواهدروزی آرتیست بزرگی شوم** . لیکن مادر باخشونتی محبت‌آمیز سرش داد کشید آه آرمائیس ... **تو بهتراست درس بخوانی این فکرها راازسرت بیرون کن** . وقتی این خبر بگوش مسیو مسروپ رسید گوش کوچك آرمائیس را آهسته فشرد و به وی نصیحت کرد :

سعی کن راهی را انتخاب کنی‌که بتوانی ازآن راه‌زندگی‌ات را بگذرانی واقعیت زندگی باخیال ورویا خیلی فرق دارد فهمیدی پسرم ؟

آرمائیس در سکوت سرتکان داد :

بله پدر فهمیدم !

زمانی رسید که آرمائیس دارای سه خواهر کوچکتر ازخود شد . از همین زمان روزگارسختی برای خانواده هوسپیان فرا رسید. کوچولوها کم‌کم بزرگ می‌شدند و بهمین نسبت برتلاش مسیو مسروپ افزوده میشد .

آرمائیس اکنون شانزده ساله بود و همچنان بمدرسه میرفت ودر نمایشات مدرسه و کلوپ ارامنه شرکت میکرد شبها برای خواهران کوچولویش از نمایشات و نقش‌هائی که ایفا کرده بود صحبت میکرد . او روزبروز فکورترمیشد وباطراف زندگی خویش بیش از پیش متوجه میشد بااینکه خانواده درخوشی میزیستند لیك هرشب‌که مسیو مسروپ از کار بازمیگشت آرمائیس جوان خستگی وفرسودگی بیشتری در چهره پدر میدید .

همین بفکرش وامیداشت تا کاری بدست گیرد و کمکی به معاش خانواده بدهد حتی این‌فکر را باپدر درمیان گذاشت اما پدر براو فریاد زد هنوز بازوان من توانااست وهنوز قدرت کار دارم توباید تحصیل‌خودرا ادامه‌بدهی... دراینجا تقدیر یکی از نقشهای عجیب خود را بازی کرد مدرسه ارامنه تعطیل شدو آرمائیس جوان بالاخره پدر را راضی کرد که روزها کار کند و شبها تحصیلش را ادامه بدهد .

مسیو مسروپ وی رابه‌همان کاری که خود داشت گمارد به کار پس‌تائی سازی .

آرمائیس به یک کارگاه کفاشی رفت تا دوختن و تهیه طرح ومدل رویه کفش را فرا گیرد . زندگی کارگری‌اش ازهمین زمان شروع شد ...

روزها کار در کارگاه‌کفاشی

ت یک مرد

نوشته : محمدرضا پیوندی

● وقتی بمادرم گفتم دلم میخواهد آرتیست شوم بـا خشونتی محبت‌آمیز سرم داد کشید ● پدرم گفت راهی را انتخاب کن که بتوانی از آن راه زندگی‌ات را بگذرانـی ● هروقت کلوپ ارامنه تبریز نمایشی بروی صحنه میآورد فورا بدنبال آرمائیس میفرستاد ● در ۲۱ سالگی جرقه‌ای در قلب آرمائیس جوان درخشید .

وشبها ادامه تحصیل ... این‌زندگی آرمائیس جوان را که هفده ساله بود تشکیل میداد .

با اینکه دیگر بمدرسه نمی‌رفت ولی همچنان کار هنری خود را ادامه‌میداداحساس میکردچیزی اورا بصحنه پیوسته کـه هرگـز گسستنی و پاره شدنی نیست .

هروقت کلوپ ارامنه تبریـز نمایشی میخواست‌بروی صحنه‌بیاورد فورا بدنبال آرمائیس میفرستاد او نیز غروب همینکه دست از کـار میکشید و ابزار کار را برزمیـن میگذاشت به کلوپ میرفت و به تمرین میپرداخت تاهرچه بهتر پیس بروی صحنه آورده شود .

از دوران کارگری اوخاطرات بسیار دارد اولین هفته‌ای‌که بکار پرداخت استادش سه قران مزد باو داد که دربیست و پنج سال قبـل برای جوانی هفده ساله این پـول دستمزد خوبی بود ...

خودش میگوید مزدیك هفته کارم را که سه‌قران بود و استادم بمن داده بود بخانه آوردم و شب بمقابـل پدرم گذاشتم اما پـدرم خشمگین شد و مجبورم کرد صبح روز بعد سه‌قران را به استادم پس بدهم . پدرم بمن گفت تو حـالا باید کار یادبگیـری . من تو را سر کار گذاشته‌ام که صنعتی بیاموزی نه‌اینکه از حالا فکر این باشی که چقدر پول نصیبت خواهدشد .

پدرم همچنین بمن گفـت : سعی کن هرچه بهتر کار یادبگیری بـرای پول در آوردن در زندگی همیشه فرصت داری ..

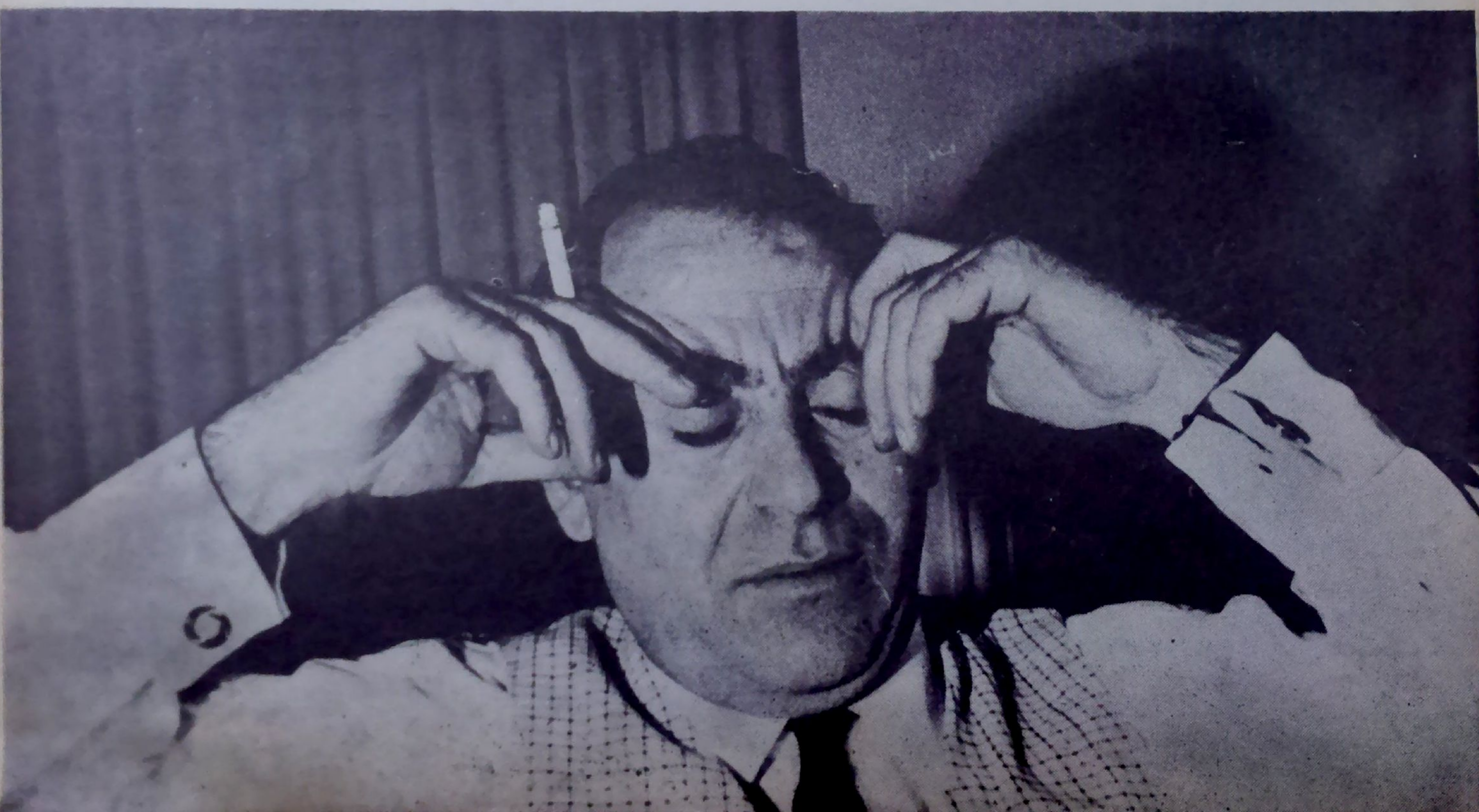
روز بعد سه قران رابه‌استادم پس‌دادم و گفتم که فقط میخواهم کار یاد بگیرم اما استادم بااصرار یك قران از پـول را بمن داد و گفت چون میدانم به سینما علاقه داری بااین پول بسینما برو ...

منهم قبول کردم وبرای اولین‌بار باپولی که خودم از راه زحمت وکار بدست آورده بودم به سینما رفتم . هیچوقت خاطره این سینما رفتن را فراموش نمی‌کنم !

با اینکه خانواده‌اش با ادامه کار هنری وی مخالف بودند باز او دست نمیکشید و بسیاری ازشبها از کارگاه کفاشی یکسر بروی‌صحنه تئاتر میرفت .

ادامه دارد

● در سن ۲۱ سالگی جرقه‌ای در قلب آرمائیس جوان درخشید . این جرقه از نگاه دختری بنام «ژیلا» شعله زد .



مجله دوم

فیلم و هنر

سینمای ۷۲

تنظیم مطالب از: جمشید اکرمی

سال اول - شماره هشتم



آخرین فیلم لوکینو ویسکونتی

● لوکینو ویسکونتی پس از «مرگ در ونیز» فیلم تازه‌ای جلو دوربین برده است تحت عنوان «لودویک» که داستانی است واقعی از لوئیجی دوم سلطان باواریا.

در این فیلم که اغلب صحنه‌های آن در محل‌های واقعی فیلمبرداری میشود «هلموت برگر» بنقش «لودویک» و رومی اشنایدر بنقش «الیزابت» ظاهر میشوند وسلیوانا منگانو چهره سرشناس سینمای ایتالیا نیز همبازی آندو میباشد.

در صفحات بعد مصاحبه مجله بولز وفیلم را با لوکینو ـ ویسکونتی در هنگام فیلمبرداری ترجمه و چاپ شده است. در تصویر این صفحه، ویسکونتی در کنار رومی اشنایدر و هلموت برگر دیده می‌شود.

عمو «اسکار» روی



● ایفای نقش یك فاحشه‌در فیلم «کلوت»، جین‌فاندا را برنده اسکار بهترین آکتریس سال‌ساخت.

* روز دوشنبه گذشته ـ دهم آوریل ـ برای چهل و چهارمین بار، اعضای آکادمی‌علوم وهنرهای سینمائی آمریکا، جوائز سالیانه خود را که به‌عنوان اسکار شناخته شده‌اند بین فیلم‌ها و سینماگران برتر سال ۱۹۷۱ توزیع کرد. البته به‌رسم همیشگی، قبلا در هررشته‌ای، پنج کاندیدا برای ربودن جوائز اسکار تعیین شده بودند و داوران آکادمی درشب توزیع جوائز، از میان کاندیداهای هررشته، یك برنده نهائی معرفی کردند. نکته جالب دربررسی عناوین و اسامی برندگان امسال آنکه، عمو اسکار این‌بار کمتر به‌سینماگران سرشناس روی‌خوش‌نشان دادوبرندگان اسکار های امسال اکثرا از چهره‌های‌کمتر شناخته شده ونسبتا مهجورو «کنار خط» سینمای آمریکا هستند ـ که البته ازاین پس دیگر به لطف اسکارهائی که به چنك کشیده‌اند، چشم‌انداز شهرت و محبوبیت هرچه بیشتر را در برابر خود خواهند داشت. معروفترین چهره درمیان برندگان اسکار امسال شاید جین فاندا باشد که تازه او هم شهرتش را نه‌مدیون فعالیتهای سینمائیش، بلکه بیشتر مدیون فعالیتهای سیاسی واعتراضهای مکررش‌به جنك‌ویتنام است و نیز البته تاحدودی مدیون آنکه دختر هنری فاندا، آکتور باسابقه آمریکائی است.

نکته جالب دیگر آنکه سه اسکار از چهار اسکار مهم آکادمی آواردزرا فیلم «رابط فرانسوی» نصیب خود ساخت. چهار اسکاری که اهمیتی بیش از بقیه اسکارها دارند، عبارتند از: بهترین فیلم، بهترین آکتور، بهترین آکتریس‌و بهترین‌کارگردان. «رابط‌فرانسوی» توانست سه اسکار بهترین فیلم‌سال وبهترین آکتور سال و بهترین کارگردان سال را ازآن خود سازد وتنها اسکار بهترین آکتریس سال را «جین‌فاندا» بخاطر بازی در فیلم «کلوت» گرفت و آنهم شاید به‌این خاطر بوده باشد که در «رابط فرانسوی» اصولا هیچ بازیگر زنی نقش عمده‌ای برعهده ندارد و فیلم، یك اثر پلیسی‌کاملا مردانه است!.

* **اسکار افتخاری** امسال را آکادمی علوم و هنرها به **چارلی چاپلین** اهدا کرد و این تجلیلی بود که آکادمی بخاطر «خلاقیت‌های درخشان» چاپلین در حیطه سینمای کمدی‌از وی به عمل‌آورد.



● «بن جانسون» برنده اسکار درجه دوم بهترین آکتور سال.



● «رابط فرانسوی» نه‌تنها اسکار بهترین فیلم سال را گرفت، بلکه کارگردان (ویلیام فریدکین) وبازیگرش (جن‌هاکمن) را نیز صاحب دو اسکار کرد.

خوش نشان نداد!

«رابط فرانسوی» مهمترین اسکارها را از آن خود ساخت

چارلی پیر که اینک نخستین‌روز‌های هشتاد وسه‌سالگی خود رامی‌گذراند ، به‌هنگام گرفتن این‌جایزه درحالیکه از فرط شوق و هیجان اشك به‌چشم آورده بود ، باصدائی لرزان خطاب به کسانیکه چنددقیقه متوالی برای او دست می‌زدند ، گفت : **«کلمات برای بیان‌احساس من‌دراین لحظه،بسیارنارساهستند.من فقط می‌توانم از شما مردم خوب و مهربان صمیمانه تشکر کنم».**

* **اسکار بهترین فیلم سال ۱۹۷۱** را فیلم **«رابط فرانسوی»** ساخته «ویلیام فریدکین» گرفت . این فیلم جایزه مزبور را از کف چهار کاندیدای دیگر یعنی‌فیلمهای **«پرتقال‌کوکی»** (استنلی کوبریك) ، **«ویولون زنی برروی بام»** (نورمن جوئیسن) ، **آخرین نمایش فیلم** (پیتر باگدانوویچ) و **«نیکلاو آلکساندرا»** (فرانکلین جی‌شافنر) ربود . راستش را بخواهید مابراساس مطالبی که در مطبوعات خارجی درباره این هرپنج فیلم خوانده بودیم ، انتظار داشتیم که **«پرتقال کوکی»** جایزه بهترین فیلم سال را بگیرد . همچنانکه مجمع منتقدین فیلم نیویورك نیز جایزه اول خود را به «پرتقال کوکی» داده بودند و جایزه دوم رابه «رابط فرانسوی» .

بهرحال **«رابط فرانسوی»** که کاندید دریافت هشت اسکار بود و ازاین میان موفق به‌گرفتن سه‌اسکار شد، فیلمی است درباره مبارزات پلیس نیویورك با قاچاقچیان مواد مخدر .

* جایزه **اسکار بهترین کارگردان سال** ، نصیب **«ویلیام فریدکین»** شد بخاطر کارگردانی فیلم «رابط فرانسوی» فریدکین کارگردان چندان شناخته شده و با سابقه‌ای نیست . از وی در تهران هنوز فیلمی ندیده‌ایم و از فیلم‌هائیکه ظرف یکی دو سال اخیر قبل از «رابط فرانسوی» ساخته است ، می‌توان نام برد از **«بچه‌ها درباند»** (فیلمی جنائی با مضمون هموسکسوالیته) و**مونت‌والش** (یك



● **چارلی چاپلین یك‌اسکار افتخاری گرفت . این جایزه برای پیرمرد نابغه حکم دسته گلی رادارد که‌دراینجا به‌دست گرفته‌است .**

وسترن جسورانه و «پرده‌در» با شرکت : لی‌ماروین و ژان مورو).

* **جن‌هاکمن** ، اسکار بهترین بازیگر مرد سال راگرفت و این عنوانی است که پیش از این نیز منتقدین فیلم نیویورك ، وی را بدان مفتخر ساخته بودند . هاکمن که در «رابط فرانسوی» نقش یك کارآگاه خشن به‌اسم «جیمی‌دوئل» معروف به «پاپای دوئل» رابازی می‌کند ، علیرغم سالها سابقه‌اش درکار بازیگری ، تاپیش از این هنوز به شهرت و اعتباریکه شایسته‌اش بود ، دست نیافته بود . درتهران ، اولین باریکه او توجه ما را جلب کرد ، در فیلم «بانی و کلاید» بود که درآن نقش برادر «کلایدبارو» (وارن بیتی) را بازی می‌کرد ، در «چتربازان می‌آیند» (جان فرانکن هایمر) وی را بازیگرل یکی از سه‌چترباز حرفه‌ای بداقبال دیدیم و اخیرا نیز فیلم «هرگز برای پدرم آواز نخواهم خواند» (در تهران : برای دوست داشتن هیچوقت دیرنیست) را ازوی دیدیم که درآن رل اول رابازی می‌کرد .

* جالب آنکه هم فیلم **«رابط فرانسوی»** و هم **«ویلیام‌فریدکین»** وهم **«جن‌هاکمن»** دوماه قبل نیز هریك برنده یك‌جایزه «کره‌طلائی» — جایزه اتحادیه روزنامه‌نگاران خارجی هالیوود — شده بودند ! واسکار گرفتن آنها ، در واقع‌حکم یکجور تجدید موفقیت را داشت.



● **«گلوریس لیچمن» برنده اسکار درجه دوم بهترین آکتریس سال**

* **جین‌فاندا** نیز با گرفتن اسکار **بهترین آکتریس سال** در واقع موفقیتی را که قبلا در اخذ جایزه «کره طلائی» و نیز کسب عنوان بهترین آکتریس سال از جانب منتقدین فیلم نیویورك به دست آورده بود ، تجدید کرد ، او تمام این جوائز و عناوین را مدیون پرفورمانسی است که‌درفیلم پلیسی **«کلوت»** (آلن‌جی‌پاکولا) درقالب فاحشه‌ای به‌اسم «بری‌دانی‌—

بقیه در صفحه ۳۸



● **صحنه‌ای از «باغ فینزی کونتینی» ساخته «ویتوریو دسیکا» —برنده اسکار بهترین فیلم‌خارجی سال .**

جهان سینما

کاندیدا

«مایکل ریچی» که پارسال «رابرت ردفورد» را در فیلمی به اسم «اسکی‌باز» کارگردانی کرد ، اخیرا یکبار دیگر با شرکت وی دست به ساختن فیلمی به اسم «کاندیدا» زده است . در این فیلم ، ملوین داگلاس، دان پورتر ـ ویتربویل نیز شرکت دارند .

فیلم تازه «جی لی تامپسون»

* تازه‌ترین فیلم از سری فیلمهای «سیاره میمونها» را «جی ـ لی تامپسون» فیلمساز انگلیسی ـ الاصل کارگردانی خواهد کرد .

این‌فیلم «تسخیرسیاره میمونها» نام دارد و «آرتور پی‌جاکوبز» آنرا برای کمپانی فوکس قرن بیستم تهیه می‌کند .

بازیگران فیلم ، رادی مك دوال ، دان موری و ناتالی ـ تروندی هستند .

نخستین ساخته «جورج سی ـ اسکات»

* جورج سی‌اسکات آکتور سرشناس آمریکائی برای نخستین بار دست به کارگردانی یك فیلم زده است .

این فیلم «خشم» نام دارد و خودِ وی نیز نقش اول آنرا بازی می‌کند . در این فیلم که محصولی از کمپانی برادران وارنر خواهد بود ، ریچارد بیسهارت ، نیکلاس بوویو«تریش وان‌دیور» نیز بازی دارند .

همه‌چیز درباره سکس !

* «هر آنچه که دربارهٔ‌سکس میخواهی بدانی» عنوان فیلم تازه‌ایست که «وودی آلن» کمدین آمریکائی خود شخصا می‌سازد . در این فیلم تونی راندال ، جن ـ وایلدر ، لین ردگریو و آنتونی ـ کوایل با «وودی آلن» همبازی هستند و فیلم برای کمپانی یونایتد آرتیستز ساخته خواهد شد .

روباهها

* استوارت ویتمن ، روری ـ کالهون و جانت‌لی بازیگران فیلمی هستند به اسم «روباهها» که اینك در «آریزونا» تحت کارگردانی «ویلیام کلاکستون» در دست تهیه است . فیلم ، محصولی از کمپانی مترو‌گلدوین مایر است .

فیلم تازه «سیدنی فیوری»

* «سیدنی جی‌فیوری» برای کمپانی پارامونت فیلمی تحت‌عنوان (خانم «بلوز» می‌خواند) کارگر ـ دانی می‌کند . در این فیلم ، دایا ـ ناراس ، بیلی‌دی ویلیامز ، لین ـ هامیلتون ، سیدمیلتون و ویرجینیا کاپرز شرکت دارند .

انتظار بیجهت

* «دنیس هاپر» از واکنش سینماروها و طرز برخورد آنها با فیلم دومش «آخرین فیلم» اظهار نارضائی و تاسف می‌کند . اما این نارضائی بخاطر عدم استقبال مردم‌از فیلم او نیست .

ـ «من بیشتر از خودم ناراضی هستم ـ چون بیجهت‌انتظار داشتم که مردم از این فیلم حتما خوششان بیاید و حتما از آن استقبال کنند» !.

«آنجلا دیویس» برپرده سینما

* بر اساس محاکمات «آنجلا دیویس» قرار است فیلمی به اسم «آنجلا دارد اتفاق می‌افتد» ساخته شود. نقش اول این فیلم را«آلکس نیکول» بازی می‌کند که پیش از این وی را در فیلم «دسته گریسام» (در ایران در اوج بیرحمی) دیده‌ایم .

از زمزمه‌ها چنین برمی‌آید که احتمالا خود آنجلا دیویس در این فیلم بازی خواهد کرد (البته در صورت تبرئه شدن از اتهاماتی که حالا بخاطرشان تحت محاکمه است)

● لرد بایرون ، مرد مبارز



«ریچارد چمبرلین» (آکتور جوانی که با سری فیلمهای «دکتر کیلدر» به شهرت رسیدو این اواخر وی را در قالب «چایکوفسکی» در فیلمی به اسم «در تلاطم زندگی» دیدیم)، در تازه‌ترین فیلمش «لیدی کارولین‌لمب» نقش «لردبایرون» را بازی می‌کند . در این فیلم که توسط «رابرت‌بولت» (سناریست فیلمهای دیویدلین) ساخته می‌ـ شود (و این اولین فیلم او و در مقام یك کارگردان‌است) ، ریچارد چمبرلین برخلاف تصور به عوض آنکه به کار شعر و نویسندگی بپردازد ، بیشتر درگیر مخاصمه‌ های فیزیکی می‌شود !.

(نظیر این صحنه که او را در یك مسابقه بوکس با یك سیاهپوست نشان می‌دهد) دیك ـ چمبرلین در این مورد می‌گوید : «بایرون درواقع از نظر فیزیکی آدم فوق‌العاده‌ای بود . او می‌ـ توانست تمام روز را بجنگد ، تمام شب را عشق بورزد و بقیه وقتش را به‌نوشتن شعر وداستان بپردازد».

نقش «لیدی کارولین‌لمب» را در این فیلم «سارامایلز» بازی می‌کند که در فیلم یك ماجرای جنجالی عشقی با «لرد بایرون» برایش پیش می‌آید .

چمبرلین برای بازی‌در صحنه «مسابقه بوکس» ده روز تمام زیر نظر یك مربی بوکس ، تکنیکهای بازی بوکس‌را به خوبی فراگرفت.



وقتی که یك جنتلمن «سکسی» میشود!

«دیوید نیون» در فیلم جدید «یرژی اسکولیموسکی»

● بله، چشمتان عوضی نمی بیند ، این جناب را که کنار دو علیامخدره سیمین‌تن مشغول سیر آفاق وانفس می‌بینید کسی جز «دیوید نیون» نیست که مجبور شده در آخرین فیلمش «شاه، بی‌بی و سرباز» بااین دوستاره سکسی «لیستاس پیترز» و «کریستین نوبرت» حمام کند!

این صحنه بدون شك برای علاقمندان «دیویدنیون» بمثابه یك حمله قلبی خواهد بود، چون آنها هرگز انتظار ندارند که نیون را باین شکل و صورت ببینند. این بار بتصویر کامل‌انگلیسی «نیون» بعنوان یك‌جنتلمن خدشه وارد میآید . اما چرا؟ چون این‌دوتا عروسك که کنار او می‌بینید ، آنقدر جوان هستند که میشود آنها را بجای دخترهای خود نیون فرض کرد !

در بلاتو فیلمبرداری این‌فیلم در مونیخ، دربازدیدی که یك خبرنگار از استودیو بعمل می‌آورد دیوید نیون درمورد این صحنه‌سعی کرد توضیحاتی باو بدهد: «من از شما یا هرکس دیگر انتظار این را ندارم که دراین مورد تصور نادرستی بمغزخودراه بدهید» او بوضوح متذکر شد که اگر این فیلم ، فقط یك فیلم سکسی مطلق بود هرگز در آن بازی نمیکرد.

دیوید نیون در حالیکه از تصمیم خود دفاع میکرد ادامه‌داد: «داستان این فیلم از یکی از بزرگ ترین نویسندگان‌دنیاست: ولادیمیر نابوکوف، نویسنده‌ای که «لولیتا» را خلق کرد و مافیلم‌آنرا دیدیم. امادرباره این صحنه حمام، باید بگویم که این صحنه در فیلم فقط یك‌دقیقه یا این حدودها طول می‌کشد ...»

دراین فیلم دیوید نیون با جینالولو بریجیدا و جان مولدر براون همبازی است. دیوید نقش یك کاپیتان سابق انگلیسی را بازی میکند که اسمش «چارلز دریر» است وبعداز جنك در آلمان میماند ویك عترتکده دایر میکند ومشغول کار میشود! چارلز با زنی‌باسم «مارتا» (جینالولو بریجیدا) ازدواج کرده که ابتدا زنی بی‌پول بوده ولی حالا هرچیز که مارتا بخواهد چارلزمی‌تواند دراختیارش بگذارد.

نوه یتیم چارلز «فرانك» (جان مولدر براون) به مونیخ میآید تا با عمه و عمویش زندگی کند. مارتا بایك جور سردی بانوه چارلز روبرو میشود، اما باوجود عمه‌ای چون جینالولو بریجیدا معلوم است که طبیعتا پسر جوان مفتون جاذبه سکسی این زن بشود!

بتدریج کار بجاهای حساس کشیده میشود، یعنی آن که عمه خانم که جینالولوبریجیدا باشد عاشق فرانك میشود و روابط مخفیانه‌ای باأو برقرار میسازد . چارلز ابتدا از این جریان آگاه نیست اما بعدا جریاناتی اتفاق می افتد که موجب میشود راز آنها بر ملا شود و باین ترتیب مارتا و فرانك تصمیم میگیرند چارلز را از سر راه خود بردارند واینجاست که پای یك آدمکش حرفه‌ای‌بمیان میآید واین قتل هرسه‌نفر آنهارا به ساحل«کوت دازور» میکشاند و...

دیوید نیون که اینك ۶۲ساله شده، یکی از بزرگترین کمدین‌های جهان سینمابشمار میرود. وی‌اخیرا اتوبیوگرافی خود را منتشرساخت که جزو کتابهای پرفروش بشمار آمده است.

وقتی قرار شد در صحنه سکسی حمام ظاهربشود نمی‌توانست‌بپذیرد که چرا اینقدر در مورد این صحنه زمزمه و کنجکاوی در موردشخص او وجود دارد : «**من چیزبدی در لخت شدن نمی‌بینم. چرا نباید یك زن عریان بشود، دراین کار چه چیز اشتباهی وجود دارد؟ ما زنها را دوست داریم ، مگر نه ؟**»

دیوید نیون برای بازی دراین فیلم دو دلیل اقامه میکند، اولین دلیلش این است که داستان فیلم از روی نوول کوتاهی که نوسنده

بقه در صفحه ۳۸



● دیوید نیون و جینالولو بریجیدا در صحنه‌ای از : «شاه ،بی‌بی و سرباز»

ادعانامه‌ای علی

جیمز باندیسم و کسالت آن در مروری دیگر

در کتاب «زندگی کن و بگذار بمیرند» باند برای یافتن گنجینه مدفون دردریای کارائیب — که بهرحال پس از انفجار قایق به ته دریامیرود — در واقع از جهنمی که دختر رویاهایش برپا نموده عبور می‌کند «سولی‌تیر» مسئول شکست نقشه‌های اصلی باند در این ماجراست.

«سولی‌تیر» برای اینکه «زنده بماند» ناچار است همیشه در تعقیب باند باشد و اجازه‌میدهد که دیگران «بمیرند»

بدین ترتیب عشق صمیمانه‌باند به «سولی‌تیر» همچنان به ناکامی می‌انجامد و تمام تصورات او در مورد دختر ایده‌آلش برباد میرود — وقتی او را در کتاب «مون‌ریکر» Moonraker ملاقات می‌کنیم هنوز او در اندوه عشق برباد رفته‌اش بسر می‌برد و سعی می‌کند با غرق شدن دربازی بریج تمام خاطرات«سولی‌تیر»را از افکار خود بزداید.

«گالابراند» عشق‌باطعمه جدید باند تاثیرنیکوئی در این تصمیم او دارد — حال باند تمام‌رویاهایش را در وجود «گالا» تحقیق یافته می‌بیند و باو دل می‌بندد.

این دختر که مثل «وسپر» (معشوقه بانددرکازینو رویال)یکی از مامورین سرویس سری است باندرا در مقابله با «داسك» حرامزاده تنها نمی‌گذارد.

«داسك» شخصیت مخرب دیگری است که بایك موشك لندن را مورد تهدید قرار داده و این شهر را در اضطراب هولناکی فرو برده است.

طبعا همکاری باند باگالا موجب میشود که این نقشه شیطانی در آخرین لحظات خود عقیم‌شود و دیوارهای این دلهره زمان ما فروریزد.

پس از این آزمایش سخت‌که قدرت عمل او را مورد سنجش قرار میداد، باندبرای تمدداعصاب تصمیم میگیرد باتفاق گالا به جنوب فرانسه مسافرت نماید — قرار است آنها در یك پارك‌لندن با همدیگر ملاقات نمایند.

گالا بالاخره پس از مدتی انتظار به محل ملاقات می‌آیدمنتها نه تنها بلکه با یك کارمند دولت و خیلی ساده به باند می‌گوید که آندوخیال دارند برای مدتی‌باتفاق هم به جنوب فرانسه بروند و باند یکبار دیگر در سرانجام ماجرائی دیگرباواقعیت تلخی‌مواجه میشود و تنها میماند.

این شکستهای پی در پی باند را بخود می‌آورد و نسبت بشناخت زنها آگاهی‌های لازمی باومیدهد. روی همین نظر ما باند را از «الماسها ابدی‌اند» ببعد آگاه‌تر و محافظه‌کارتر می‌بینیم.

بطور کلی میتوان گفت شخصیت‌باند بطور کاملا محسوسی دگرگون شده است.

او در این ماجرا و در طی ملاقات و برخورد با «تیفانی‌کیس» هر آن آماده است که از جانب این زن رودست بخورد بنا بر این دلبستگی‌های وی نمیتواند چندان ریشه‌دار و عمیق باشد و بیشتر جنبه تظاهر دارد.

بهرحال ممکن است «الماسها ابدی باشند» ولی عشق «تیفانی‌کیس» دختری که در آغوش باند خوابیده بهیچ‌وجه قابل حدس‌زدن نیست — آیا آنهم ابدی خواهد بود؟ و این سئوالی است که در کتاب مزبور جوابی بآن داده، نمیشود.

با اینحال باید معترف بود که باند تجربه دیده شده است واحساسات وعواطف‌پایدار وصمیمی او به اعماق وجودش گریخته‌اند و حال آنچه که او دارد تمایلات ناپایداری است که در زیر بند شلوارش او را قلقلك میدهد و این دگرگونی روحی او در صحنه



جیمزباند

«۳»

نقل از : آدام فیلم‌کوارترلی

ترجمه : ایرج صابری

نهائی «الماسها ابدی‌اند» کاملا آشکار است .

باند با ارضای تمایلات جسمی احساسات واقعی خود را مخفی می‌نماید و این بزرگترین تراژدی قهرمان زمان ماست ــ قهرمانی با احساسات سرکوفته شده که مجبور است همیشه آنرا دراعماق وجودش مدفون نماید .

در سینما ، باند را هنگامی ملاقات می‌کنیم که او باین واقعیت رسیده است ــ بنابراین سینما تاکنون تصویر کاملی از باند را باتمام احساسات و عواطف واقعیش عرضه ننموده است .

باند در سینما فقط در فکر احتیاجات جسمی است نه روحی ــ و فقط برای اجرای منظور خاص خود از زنان دلبری می‌نماید و تماشاگر هیچوقت نمیتواند متوجه احساسات رقیق او در مورد زنان شود . باند در سینما بهمان‌آسانی که زنان را به بستر خود میکشاند میتواند آنها را قربانی نقشه‌های اصلی خود بنماید .

زنان در فیلمهای جیمزباند فقط طعمه‌هائی هستند برای اجرای منظور که خیلی راحت میتوان آنها را بمیدان آورد یا ازآنجا خارج نمود .

● «دکترنو» و «از روسیه با عشق» (دامی برای جیمزباند) نخستین کتاب‌هائی است که به‌فیلم برگردانده میشود .

فیلم «از روسیه با عشق» از طرح‌های اصلی کتاب کمتر منحرف شده است .

باند در این ماجرابایك دختر روسی بنام «تاتیانا» رابطه پیدا می‌کند و در کوچه پس کوچه‌ها و هتلهای مرموز استانبول او را تعقیب می‌کند .

«لوت‌لنیا» در فیلم بنقش یك فرمانده روسی ظاهر میشودکه تمایلات شهوت‌آلودی نسبت به «تاتیانا» دارد ــ اونقش‌خودراخیلی عالی در محیط قلابی فیلم پیاده می‌کند (دانیلابیانکی عهده‌دارنقش تاتیانا است)

در پایان این ماجرا باند بوسیله کفش تیغه‌دار روسی مجروح میشود ــ البته درکتاب نه‌درفیلم ــ و در حالیکه او را بابرانکارد به بیمارستان انتقال میدهند ــ ماموریت وی نیز خاتمه می‌یابد و «دکترنو» بهنگامی شروع میشود که او پس از مدتی بستری بودن در حال ترك نمودن بیمارستان است . در «دکتر نو» باند در سواحل زیبای دریای کارائیب با «هانی‌کیل» که برهنه است آشنا میشود .

«هانی‌کیل» دختری استزیبا بابدنی شکیل و جادوئی (انتخاب «اورسلاآندرس برای ایفای این نقش خیلی بجا بود) منتهـا بابینی شکسته ــ البته در کتاب ــ واین نقص عضو مربوط میشد به زمان نوجوانی این دختر که‌مورد تجاوز کارفرمایش قرار میگیرد .

باند پس از آشنا شدن باو بطور موقت از درگیری بادکترنو کنار میکشد و بهزینه خود به نیویورك سفر می‌کند تا ترتیب‌عمل جراحی بینی شکسته «هانی‌کیل»را بدهد .

در «گلدفینگر» باند بازنان متفاوتی آشنا میشودکه «گلدفینگر» شخصیت مخرب ماجرا صمیمی‌ترین آنها را با آغشته نمودن بدنش بارنك طلائی بقتل میرساند و باین وسیله او را مجازات می‌کند .

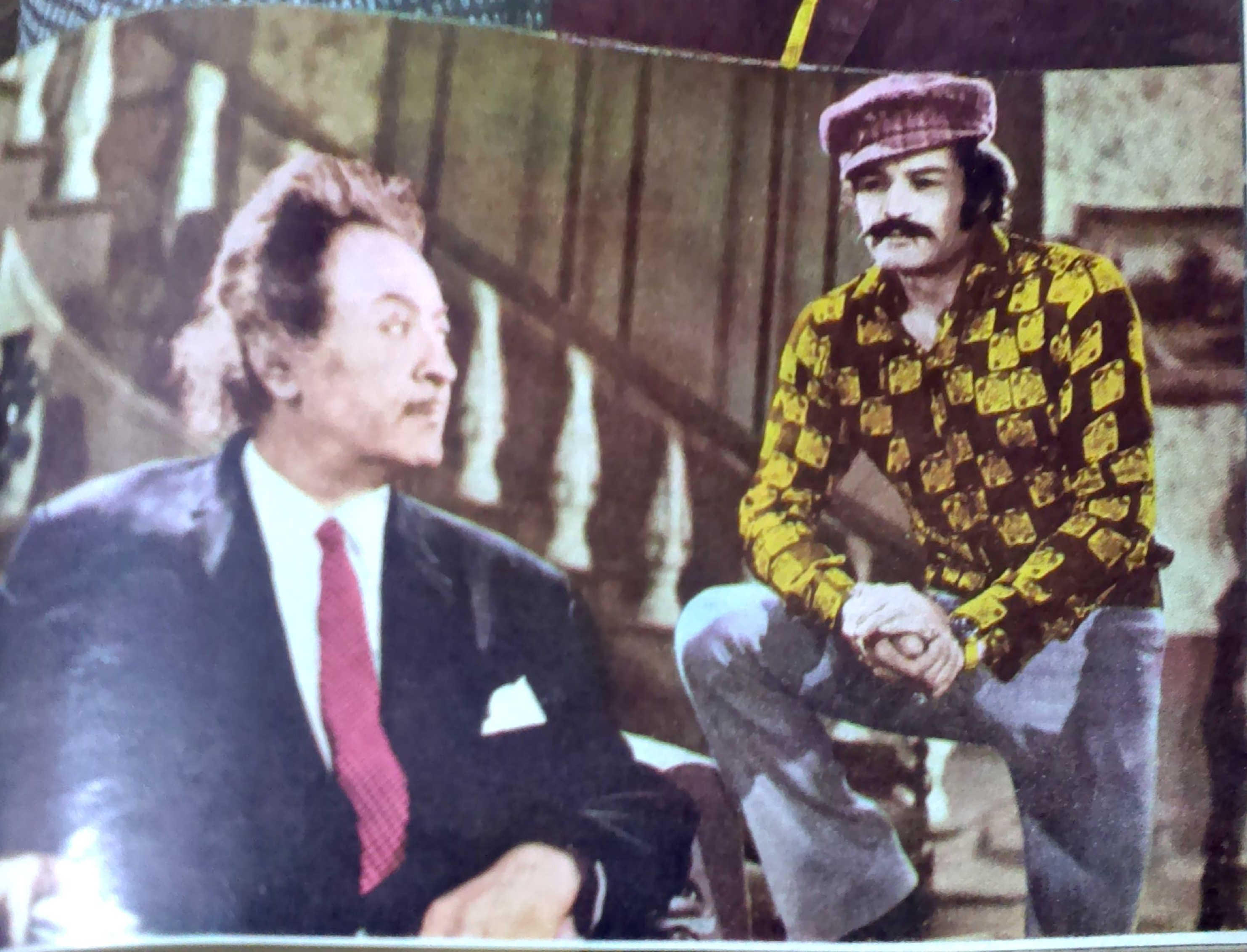
در «تندربال» باند درگیریکی از عمال زیبای «اسپکتر» بنام «دومینو» میشود (این رل توسط لوجیاناپالوتزی‌بازی‌میشد) دومینو وظیفه دارد که باند را بقتل‌برساند ولی پس از فعل و انفعالاتی بدام عشق وی گرفتار میشود .

درکتاب «شما فقط دوبار زندگی می‌کنید» باند به تجربه جدیدی در زندگی خودمیرسد و بازدواج با دختری ژاپنی که کارش صید مروارید است کشانده میشود . البته این ازدواج فقط

بقیه در صفحه ۴۱













● لوکینو ویسکونتی «بلند گو بدست» در کار خلق صحنه‌ای از فیلم تازه‌اش «لودویك»

گفتگوئی اختصاصی در پشت صحنه فیلمبرداری با لوکینو ویسکونتی

لودویگ

یك داستان واقعی و آخرین کارلوکینوویسکونتی

● وقایع فیلم در محل‌های اصلی فیلمبرداری میشود . درهمان قصر باشکوه وقدیمی که تنها یادگار دوران حیات «لودویك»در محل Bauischl میباشد . هنگامیکه به محل فیلمبرداری میرسیم سکانس مربوط به بحث و گفتگوی «لودویك» با دخترخاله زیبایش میباشد .

همه‌چیز شکل واقعیت بخود گرفته است . لباس‌ها و وسائل صحنه توسط «ماریوکیاری» طرح‌ریزی شده است . در کنار ویسکونتی «انریکومدیولی» سناریست فیلم دیده میشود، بدستور ویسکونتی فیلمبرداری آغاز میشود، ولی لحظه‌ای ازشروع فیلمبرداری نمی‌گذرد که از طرف کارگردان

ترجمه: حسن مرتضوی

دستور قطع فیلمبرداری داده می‌شود. بنظر میرسد ویسکونتی چندان راضی نیست ، باردیگر «هلموت برگر» و «رومی اشنایدر» را متوجه اشتباهشان در ارائه شخصیت های واقعی فیلم میسازد و میگوید:

رابطه لودویك و الیزابت هرگز معمولی نبوده است . با هیجان بیشتر و بااحساس دیگرباید این صحنه فیلمبرداری شود. علیرغم آنکه آنها از اقوام یکدیگرندولی میتوان رابطه آنها را مافوق یك رابطه خویشاوندی آن دانست ، تقریبا دو عاشق ، دو دلداده که بنابمقتضای زمان مجبور بسکوت بودند .

فیلمبرداری این صحنه‌پایان میرسد. بنظر میرسد همه خسته‌اند. هرکس گوشه‌ای ازمحل فیلمبرداری را انتخاب کرده و باستراحت می‌پردازد . وقت مناسبی است برای آنکه از ویسکونتی بخواهم تا انگیزه اصلیش را از تهیه این فیلم برایم شرح دهد . وی در حالیکه مشغول نوشیدن یك فنجان چای داغ میباشد درجواب من میگوید.

— ایده‌ساختن فیلم «لودویك» راقبل ازساختن فیلم «نفرین شدگان» درسرداشتم و مدتها بود در جستجوی محل‌های فیلمبرداری بودم . پس از پیدا کردن قصر باشکوه «لودویك» لحظه‌ای درنك راجایز ندانستم و فیلمبرداری را شروع کردم . این فیلم بیان‌کننده واقعیت‌های زندگی انسانهاست . «لودویك» قهرمان فیلم است و بالاخره رابطه وی با دختر خاله‌اش که از لحظات پرشور زندگی‌اش محسوب میشود ، روابطی‌که باعث زندانی شدن وی میشود . و این فیلم فقط چهل ساعت از عمراوست.

● **تاریخ هرگز مرك‌ها را به‌درستی بازنگفته است . آیا او خودکشی کرده‌است ؟**

ــ همینطور است ، براحتی نمیتوان گفت که وی خودکشی کرده یا بمرك طبیعی مرده‌است . ولی این امر در ساختن فیلم‌چندان نقشی ندارد . بلکه گفته‌هائی‌است که من در لابلای فیلم براحتی‌بیان کرده‌ام .

● **چطور شد «هلموت‌برگر» را برای این نقش انتخاب کردید؟**

ــ بخاطر شباهت بیش از حدش بقهرمان داستان ، نیزطبیعی است ، بخاطر فیزیك و قدرتش در ارائه این نوع کاراکترها .

● **خود وی از ایفای این نقش راضی بنظر میرسد ؟**

ــ این موضوعی است‌که خود او باید بگوید . ولی من عین گفته‌های او را که پس از یك سکانس

فیلمبرداری بمن گفته است برای شما بازگو میکنم .

بالاخره یك فیلم ایده‌آل بازی کردم . از همان زمان که بمدرسه میرفتم همه مرا بخاطر شباهتی که به «لودویك» داشتم ، به نـام او می‌خواندند . و این موضوع باعث شد که زندگی او را نیز قبل از هنرپیشه شدن مورد مطالعه قرار دهم . بعد ازآنکه مرا بعنوان یك هنرپیشه شناختند ، تنها آرزویم‌این بودکه نقش «لودویك»را بازی‌کنم.

در این موقع «هلموت‌برگر» به جمع ما می‌پیوندد . از او می‌پرسم **«چطور شد برای ایفای این نقش انتخاب شدی؟»**

ــ مسئله هنرپیشه بودن‌چندان ساده نیز نمیباشد . یـك هنرپیشه برای بقای خود چه کارها کـه نمیکند . راجع‌به‌انتخاب من شاید بخاطر آنکه لودویك را میشناختم، شاید بخاطر آنکه شباهت زیادی‌باو دارم ، و شایدبخاطر آنکه هنرپیشه خوبی هستم ولی آنچه برای مـن مهم است ، این است که بخاطر ارائه این نقش مدت ۶ ماه تمام روی سناریو آن مطالعه کردم و اکنون حس میکنم «لودویك» واقعی هستم .

● ● ●

شب فرا میرسد . فیلمبرداری تمام میشود و ما به هتل محل اقامت برمیگردیم و بالاخره موفق میشوم تا با «رومی‌اشنایدر» به گفتگو بنشینم .

● سینورا اشنایدر ، چرا تابدین حد با مطبوعات مخالفـت دارید ؟

ــ هرگز ، من بهیچ وجه با شما و با همکاران شما خصومتـی ندارم ، اگر دیدید که هنگام کار از گفتگو باشما سرباز می‌زدم‌بخاطر آنست که دوست ندارم درموقع کار

● «اشنایدر» و «برگر» در فاصله استراحت بین دو صحنه





● رومی اشنایدر و هلموت برگر در صحنه‌ای از : «لودویك»

باکسی صحبت کنم بهرحال‌میتوانیم مانند یك دوست باهم صحبت کنیم.

● الیزابت نقشی است کـه شما دراین فیلم بعهده دارید . شاید بشود گفت این نظیر همان نقش «سی سی» ــ اولین کارتان‌درسینما ــ میباشد . آیا از کار با ویسکونتی راضی هستید ؟

ــ ببینید من یـك هنرپیشه هستم و هرگز برایم ملیت وزبان اهمیت ندارد . درآن موقع من در نقش «سی‌سی» ظاهـر شدم زیـرا کارگردان فیلم خواسته بود. بعد ازآن همه چیز را فراموش کردم. واکنون نقش الیزابت را بـازی میکنم که معتقدم از هرجهت بـا کاراکتر «سی‌سی» فرق میکند.

واما راجع به ویسکونتی که من او را نه‌تنها بعنوان استادمسلم سینمای ایتالیا بلکه سینمای دنیـا میشناسم . کار با وی نه تنهالذت‌بخش است بلکه کلاس درسی است برای هنرپیشه فیلمهایش .

باردیگر ویسکونتی به جمع ما می‌پیوندد . باوجود آنکه‌فعالیت زیاد در طی روز داشته است ولی همچـنان بشاش و سرحال بنظر میرسد . بعد از آنکـه صـورت رومی‌اشنایدر را می‌بوسد و روی کاناپه لم میدهد از او سئوال میکنم : آیا ازکار رومی‌اشنایدر در فیلم لودویك راضی است یـا نه .

ــ رومی یك الیزابت واقعـی است و این امر هنگامی بمن ثابت شد کـه داستان «لودویك» و خصوصیات الیزابت را موردمطالعه قراردادم او مانند الیزابت،معصوم، زیبا و سحرکننده است . در مورد

بقیه در صفحه ۳۸

بعد از چهل سال فیلمسازی



● «هنری هاتاوی» (کلاه برسر) در کنار «هال والیس» در زمان تهیه فیلم «جوانمرد»

به چنك آورد . هیچوقت نباید تن به پذیرش «بهترین» دوم داد . همیشه‌همان «بهترین» اول «اولین انتخاب» است که اهمیت دارد . موقع فیلمبرداری ، آدم هر روز فقط می‌تواند در حدود یکدقیقه از فیلمی را که بعد روی پرده می‌آید ، فیلمبرداری کند . بنابر-این اگر قرار باشد که آدم روزی یکبار تن به سازش دهد ، آنوقت مثل اینست که شما در هر دقیقه از فیلمتان یکبار کوتاه آمده باشید و یکبارسازش‌کرده باشید وتحمیل دیگران را پذیرفته باشید .

منظور من از «سازش» این-است که اگر موقع ساختن یك‌فیلم به تو می‌گویند : «اوه ، فلان

من با بسیاری از تهیه - کنندگان کار کرده‌ام . بعضی از اینها همیشه کمکهای خیلی زیادی به من کرده‌اند - کسانی مثل «زانوك» و «والیس» و «بادی - لایتون» که یك مرد مثبت و روشن و حساس بود و یك تهیه کننده خوب . ولی این دیگر هیچ‌اهمیتی ندارد که آدم برای کدام کمپانی فیلم می‌سازد . وقتی شما در را می‌بندید و دستور می‌دهید که نور های قرمز صحنه را روشن کنند ، همه‌کس هستید به غیر از خودتان اگر بعدا فیلمتان خوب از کار در-آید ، همه دوستتان خواهند داشت و در غیر اینصورت همه از شما متنفر خواهند شد . یك کارگردان

(آخرین قسمت)

« هاتاوی » ۷۲ ساله حرفهائی شنیدنی دارد

* من وقتیکه کارگردانی می‌کنم ، محل دوربین را برای گرفتن هر صحنه‌ای به فیلمبردار نشان می‌دهم .

بعد از این دیگر ، فیلمبردار روی حرف من ، حرفی نمی‌زند ، بعضی از کارگردانها به فیلم - بردارانشان اجازه می‌دهند که دوربین را هرجا می‌خواهند بگذارند و آنها هم با قرار دادن دوربین در حالات مختلف ، صحنه ها را از زاویه های غیرعادی و عجیب و غریبی می‌گیرند . من چنین کاری را ابدا نمی‌پسندم . من عاشق سادگی و بی‌تکلفی هستم و دلیلی برای پیچیده کردن هیچ کاری نمی‌بینم .

* وقتیکه یك سناریوی تمام شده را به دست من می‌دهند ، من بطور دقیقی به مطالعه آن می-پردازم و دستکاری‌هائی درآن‌می-کنم .روی‌سناریوی فیلم«جوانمرد» مدت زیادی همراه با «مارگریت رابرتز» کار کردم ، چرا که سناریوی فیلم نیز - نظیر نوولی که سناریو براساس آن تنظیم شده

بود - انباشته بود ازتکرارمکررات و من بسیار چیزها را از سناریو حذف کردم . من همیشه با سناریستهای فیلمهایم خیلی کار می‌کنم. «جانی‌لی‌ماهین» و«مارتی راکین» روی سناریوی «از شمال به سوی آلاسکا» یکمقدار کار کردند ، اما هرگز آنرا تمام نکردند . من سرانجام از شر آنها خلاص شدم و «وندل‌می‌یز» سناریو را تمام کرد . او صحنه جدال بزرك پایان فیلم را نوشت . کار او عالی است. سناریوی‌از «جهنم‌تاتگزاس» را هم «وندل» نوشت .

او آدم خوب و پاکیزه‌ایست. بعضی وقتها من نتوانسته‌ام آکتورهای دلخواهم رادر فیلمهایم داشته باشم و این مرا بسیار رنج داده است . بزرگترین اشتباهی که من در تمام زندگیم کرده‌ام ، این بوده که بعضی وقتها زیربار قبول بعضی آکتور هائی که به درد فیلم هایم نمی‌خورده‌اند ، رفته‌ام و به عبارت دیگر تن به سازشکاری و مصالحه داده‌ام . من بهیچوجه‌معتقد به سازش و مصالحه نیستم . چیزی را که آدم میخواهد ، باید بتواند هنرپیشه تحت قرارداد ماست ، ما از از او استفاده خواهیم کرد ، و

یا فلان دختر ، گرل فرند فلانکس است ، و یا شما احتیاجی به لباس قرمز ندارید ، ما یکدست لباس سبزرنك قشنك توی انبار داریم ، و یا این دکور دیگر کاملا حاضر است ، تنها تفاوتش اینست که این در به جای اینکه اینجای دکور باشد ، آنجای دکور است ، چه اهمیتی دارد ؟» و توصیه های مسخره‌ای از این قبیل .

آدم باید بتواند به قدر کافی مصمم و قاطع باشد و به راحتی «نه» بگوید - مثل بیلی‌وایلدر و ویلی وایلر و جان فورد و جورج استیونس ، کله‌شق‌ترین و یکدنده‌ترین مردیکه تاریخ دنیا به یاد دارد !

وقتیکه استیونس در نظر داشت فیلم «مکانی در آفتاب» را بسازد، به او گفتند : «ما نمی‌توانیم برای این فیلم از وجود الیزابت تایلور استفاده کنیم . چون او تا سال آینده وقت آزاد نخواهد داشت» . و استیونس جواب داد : «خوب ، هیچ عیبی ندارد . ما هم تا سال آینده صبر خواهیم کرد تا الیزابت تایلور وقت آزاد پیدا کند !» . هیچوقت در زندگیش تنها تراز آن

زمانی نیست که دری را به رویش می‌بندند و او شروع می‌کند به توضیح دادن برای آکتور هایش که چکار بکنند .

* من زیاد به دیدن فیلم می-روم ولی البته نه آنقدر که در-گذشته ، قدیمها من و «زانوك» فیلمهای زیادی می‌دیدیم . من شبها می‌نشستم و مثلا شبی دوتا فیلم فرانسوی یا ایتالیائی ، و یا چکسلواکی و روسی می‌دیدم و یا فیلمهای درجه B را - ما مثلا می‌شنیدیم که آکتوری خوب است و بعد فیلم او را می‌گذاشتیم می-دیدیم . ولی امروزه دیگر مثل سابق تمایلی به دیدن فیلم ندارم چرا که این فیلمهای جدید را اصلا نمی‌پسندم .

شایدبه این‌خاطرمن این‌فیلمها را دوست ندارم که فکرمی‌کنم‌آنها دارند صنعت سینما را به نابودی می‌کشند . من نمی‌توانم «پستی-گرائی» و «بی‌ارزش شدن» تمامی این صنعت را ببینم .

این فیلم تازه‌ایکه «مایك-نیکولز» ساخته است ، «دانش - جسم» را می‌گویم : هر لغت‌دیگری

بقیه در صفحه ۴۰

نادین مارکان ترنتینیان

سازنده‌ی «عشق من، عشق من»

● «نادین» خواهر آکتور و کارگردان سینما «کریستیان مارکان» و همسر «ژان‌لوئی‌ترن ـ تینیان» است . هنر در خانواده او سهم و ارزش زیادی دارد . اولین بارکارش را باسمت منشی صحنه شروع‌میکند وبعد دکوراتور صحنه میشود وسرانجام آسیستان کارگردان و آنگاه به مقام کارگردانی دست می‌یابد و اولین فیلم کوتاهش را میسازد .

سینما وخانواده‌اش خوشبختی های کامل او بشمار میروند . او هر روز به سینما میرود و تاکنون بعضی از فیلمها را حتی ده‌بارهم دیده است مثل «دالان وحشت» از «رابرت‌وایـز» وفیلم «دو انگلیسی وقاره» فرانسواتروفو که اخیـراً چندین بارآنرا دیده است .

نادین در مورد این فیلـم تروفو میگوید : «من‌فکر میکنـم این بهترین فیلم تروفو باشد . واقعی‌ترین فیلم‌تروفو لااقل‌ذهنی‌ـ ترین فیلم او بشمار میرود .»

نادین‌ترنتینیان اخیرا سومین فیلم خود را پس از آن کـه عنوان‌های متعددی برایش برگزید باشرکت «مارچلوماسترویانـی» و «کاترین‌دونوو» باضافه «سرژ ـ مارکان» «ژان‌سروما»باتمام‌رسانیده است .

نادین مارکان در تمامی این سه فیلم خود تاکنون از تم‌هـای متفاوت و جداگانه‌ای استفاده‌کرده و هر فیلم او از نظر استیل‌وفرم کار ویژگی‌های خـاص داشتـه . نادین در ساختن این سه‌فیلم باالهام از تجربیات هنری خود ، آنها را پرورانده است و حتی خود زمانی به این نکته اشاره کرده که در ساختن این فیلمها از خـودش و تجربیات هنریش مایه گذاشته‌است.

فیلم اول او «عشق مـن ، عشق من» تجربه تازه‌ای از عشـق بود ، که نادین با درهم شکستن تمام سنت‌ها و اصول سینمائی‌دست وپاگیر کهنه موفق شده‌بود، فیلمی واقعا نو با مدیومی کاملا ذهنـی و تجریدی عرضه‌کند. فیلم دوم او و فیلمی که اینك بپایان رسانیده ، کاملا دو تم جداگانه ومتفـاوت دارند .



● نادین مارکان

نادین گرچه از تجـربیات خود در رهبری هنـرپیشه‌هـا یـا پرداخت صحنه‌ها بهـره میبـرد مع‌الوصف گاهی دچار تـردیـد میشود . گاهی پیش می‌آید کـه در مورد صحنه‌ای با بازیگـرانش به بحث می‌پردازد و اگـر آنهـا ایده‌های جالبی داشتـه باشنـد ، نادین از دو فکر ، فکر خودوایده آنها ، استفاده میکند ، یعنی ازیك صحنه دوجور فیلمبرداری می‌کندو بعد بهترین آنرا برمی‌گزیند .

در صحنه شکل بیمارستان در فیلم آخرش ، نادین احساس‌میکرد که از نظر روانی اشتباهـی روی داده : «من می‌ترسیـدم . امـا فیلمبرداری آغاز شد و همه چیـز جنبه تکنیکی بخود گرفت . کار برمن مسلط شد و هرچه جلوتـر میرفتم بیشتر به کار دلبستـگـی پیدا میکردم و البته من در این فیلم دو هنر پیشه خـارق‌العـاده داشتم .

کاترین دنوو با استعدادی‌که داشت مرا تحت تاثیر خود قرار داد ، البته نه بخاطـر آنکـه او کاترین دونوو است . از مارچلوـ ماسترویانی هم طبق قراردادی که داشتیم ناچار بودیم چند کلوزآپ بگیریم و باین ترتیب او کمك به حرکت دوربین میکرد . از همان آغاز کار ، من مایل بودم یك‌جور رابطه مختلف با کاترین دنوو و ماسترویانی که معمولا بیـن یـك کارگردان و بازیگرانش برقـرار میشود ، داشته باشم .

ما مدت چهار شب وچهار روز دریك‌اطاق بزرك فیلمبرداری داشتیم ، ما حتی در آنجا درکنار یکدیگر خوابیدیـم . در چنیـن شرایطی سیستم ستاره و کارگردان دیگر ربطی با یکدیگر ندارنـد . ساعت چهار صبح کاترین تخم مرغ می‌جوشانید و مارچلوماسترویانی‌هم اسپاگتی درست میکرد . این‌طریق کار ، بسیار افسون‌کننده بـود . در تمامی این مدت من وفیلمبردارم کاملا مواظب رفتار آنها بودیم و شخصیت‌های آنهـا را مطـالعـه میکردیم . با این وجود ، از خنده و شادی هم غافل نبودیم . وقتـی مطمئن باشید که دارید کارخوبـی انجام میدهید خوشحال میشوید ..

کاترین زنی است متواضع ومهربان و به عنوان یك آکتریس در کارش صمیمی‌است ومی‌توانم بشمااطمینان بدهم که وقتی او را در این‌فیلم ببینید ، در چند صحنه اشك بـه چشمانتان خواهد آورد، کما این‌که این کار را موقع فیلمبرداری برای ما کرد. او زنی خوب وآکتریسی شگفت‌انگیز بود . زمانی که دستور قطع فیلمبرداری را می‌دادم ، او فورا حالت نومیدی را که‌در چهره فـورا حالت نـومیدی را که در چهره‌اش بـه هنگام بازی داشت فراموش می‌کرد واز چیز دیگری صحبت به میان می‌آورد . می‌توانم بگویم که کاترین باتمام جسم و روحش دراین فیلم بازی کـرده است.

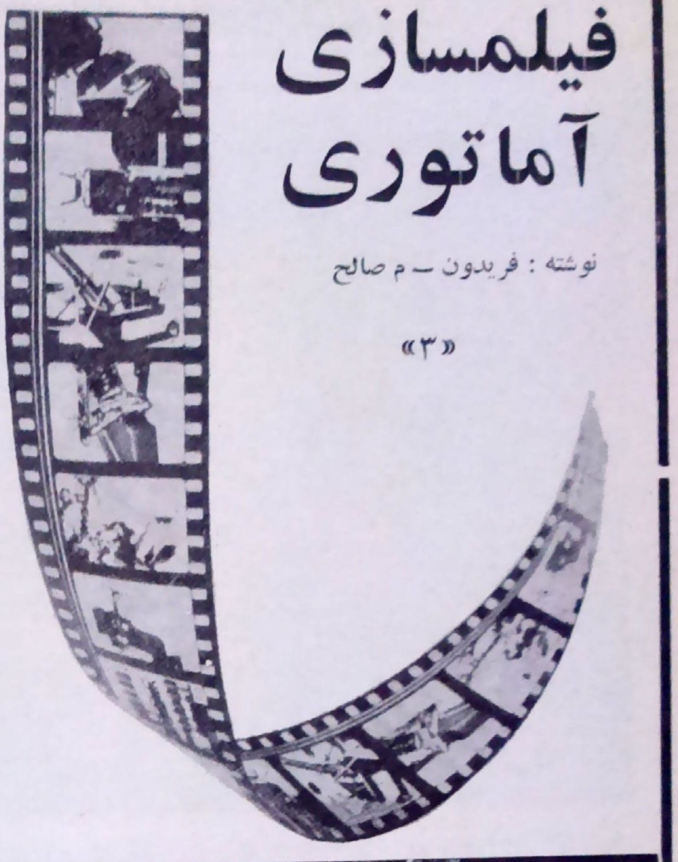
فیلم بعدی من، انتقادی‌ترین فیلم من بشمار خواهد رفت. یك فیلم متعهد و مسئول ، اگر این‌لغت را ترجیح میدهید. فیلم رویه‌ای خشن دارد وماجرای درگیری یك پلیس تباه شده بایك معلم حومهـ نشین را نشـان میدهـد . مـن همیشه دوست دارم به کاراکترهای فیلمهایم یك چهره بدهم. یکی از کسانی که دراین فیلم بازی خواهد کرد شوهره «ژان‌لوئی» است‌واین سومین باری است که ما در ساختن یك فیلم بایکدیگر همکاری میـ کنیم.»

نقل از مجله فیلم‌ریویوکنتینانتـال

فیلمسازی آماتوری

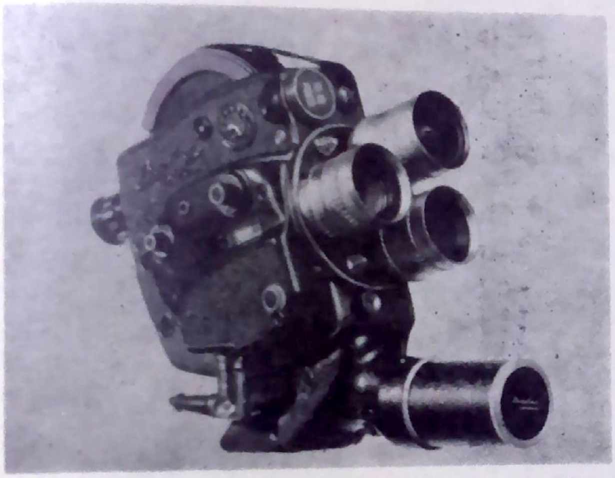
نوشته : فریدون ـ م صالح

«۳»



در اغلب دوربین های فیلمبرداری یك درجه مخصوص وجود دارد که نشان میدهد چندمتر فیلم تا کنون فیلمبرداری شده تا فیلمبردار همیشه از مقدار فیلمی که برای فیلمبرداری در دوربین آماده دارد مطلع باشد . با توضیحات مختصر در باره دوربین‌های قدیمی، اصل کار یك دوربین فیلمبرداری تشریح شد . در دوربین های مدرن هم این اصل بکار برده میشود . منتها با این تفاوت که این دوربین‌ها از لحاظ عدسی و مکانیك برتری‌هائی نسبت به دوربین قدیمی دارند . مثلا در دوربین های قدیمی ، کارخانه کوچك‌تری به کار رفته که بایستی مرتب آنرا کوك نمود و با هر دفعه پرشدن کوك در حدود ۳۰ ثانیه امکان فیلمبرداری دارد ، چه بسا که درست وسط کار فیلمبرداری از صحنه مهمی کوك دوربین تمام میشود ، در حالیکه در دوربین مدرن یك موتور کوچك الکتریکی بکار برده شده که با چند قوه کوچك کار میکند و تا زمانی که قوه ها نیروی الکتریکی دارند به فیلمبردار امکان میدهد فیلمبرداری خودش را بدون وقفه انجام دهد ولواینکه تمام ۱۵ متر فیلمش را یك دفعه (یعنی بمدت ۳ دقیقه و ۲۰ ثانیه درصورتیکه از سرعت ۱۸ عکس درثانیه استفاده کند) نور بدهد و از طرفی این دوربین‌ها سبکترند و بهتردردست جای میگیرند ، چون کارخانه فنری خیلی سنگین‌تر از موتور الکتریکی است .

موضوع دیگر نور سنج است که اغلب در دوربین‌ها کارگذاشته شده و تنظیم دیافراگم عدسی یا اتوماتیك و یا با دست انجام می‌گردد . معمولا تنظیم دیافراگم عدسی با دست بکمك ۲ عقربه یکی ثابت و یکی سیار که درعدسی چشمی دوربین دیده میشود انجام میگیرد ، آنقدر دیافراگم عدسی را پس و پیش میکنند تا این دو عقربه به روی هم قرار بگیرند. در این صورت دیافراگم مناسب برای فیلمبرداری انتخاب شده است . البته حساسیت فیلم بایستی روی نور سنج دوربین تنظیم‌شود. که عدسی با کانون نورمال همیشه با یك زاویه ثابت کار میکند و برای اینکه از زاویه های مختلف بدون تغییر دادن مکان دوربین استفاده شود عدسی های مختلف با کانون و زاویه های متفاوت ساخته شده که اغلب دوربین‌ها دارای چند عدسی مختلف هستند (شکل ۸) ، این عدسی‌ها روی یك صفحه چرخان کار گذاشته شده و با چرخاندن صفحه میشود به آسانی عدسی را عوض کرد. عدسی چشمی اغلب این دوربین‌ها، اگر رفلکس نباشد ، برای هرزاویه عدسی یك کادر چهار گوش دیده میشود . مثلا اگر دوربینی دارای سه عدسی بود در عدسی چشمی هم سه کادر مختلف تو در توی هم قرار دارد که هر یك برای یکی از عدسی‌ها در نظر گرفته شده ـ چهار گوش کوچك برای عدسی «تله» Tele چهار گوش وسطی برای عدسی نورمال و چهارگوش بزرگتر برای عدسی «واید» که فیلمبردار موقع فیلمبرداری بایستی خیلی دقت کند چون اگر با عدسی «تله» فیلمبرداری و از چهار گوش بزرگ یا وسطی استفاده کند نتیجه این خواهد بود که اشخاص فیلمبرداری شده بدون‌سر و پا نشان داده شوند و در بعضی از این دوربین‌ها هریك‌ازعدسی‌ها یك عدسی چشمی مخصوص بخود دارند که با عوض شدن عدسی آنهم عوض میشود و کادری را که عدسی دوربین میگیرد، نشان می‌دهد . البته با اختراع دوربین رفلکس‌دیگر این‌موضوع منتفی‌میشود (برای اولین بار کارخانه ارنولد آلمان ـ آری فلکس ـ دوربین‌های رفلکس را ساخت) . این دوربین‌ها تصویر مجازی را علاوه بر رساندن به صفحه فیلم توسط آینه‌ای به عدسی چشمی نیز می‌



شکل ۸ ـ یك دوربین معمولی مجهز به سه عدسی «واید»، «نرمال» و «تله»



شکل ۹ ـ دوربین مجهز به عدسی «زوم» که کار هر سه عدسی «واید» و «نرمال» و «تله» را انجام می‌دهد .

رساند ، در حقیقت عین تصویری را که روی فیلم ضبط‌میشودفیلم‌بردار میتواند در عدسی چشمی ببیند و آنرا تنظیم کند .

دوربین های مدرن سوپر ۸ و ۱۶ میلیمتری اغلب‌دارای‌عدسی (زوم) Zoom میباشند که‌کار هر سه عدسی واید Wide ـ نورمال و تله را انجام میدهد (شکل ۹)

ضمناً ریزه کاری های دیگری در بعضی از دوربین‌ها بکار برده شده که شرح مختصر چند تای آن خالی از اهمیت‌نیست مثلا در بعضی از دوربین ها درجه (دیافراگم چرخان) از ۱۸۰ درجه به درجات ۹۰ یا ۴۵ درجه قابل تغییر است (شکل ۱۰) و با این عمل مدت زمانی که نور با ۱۸ عکس در ثانیه ، ۱٫۳۶ ثانیه به فیلم میرسد کمتر میشود و این موضوع برای‌فیلمبرداری‌ازصحنه‌های تند و پر حرکت خیلی مهم است . تغییر کانون عدسی زوم‌هم ضمن اینکه با دست انجام میگیرد در بعضی از دوربین‌های سوپر۸ از یك موتور جداگانه که دارای چند سرعت مختلف است استفاده میشود .

عدسی :

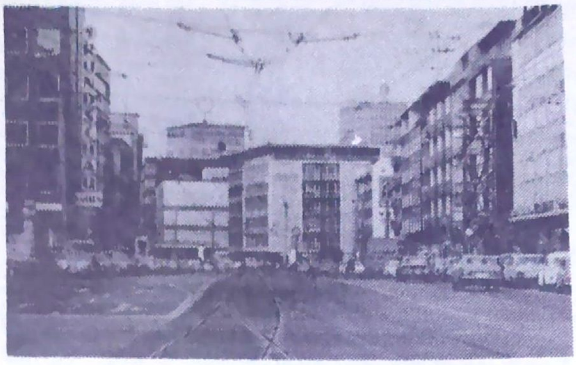
بعضی از دوربین های فیلم‌برداری فقط دارای یك عدسی‌ثابت هستند که غیر قابل تعویض است و کانون آن طوری انتخاب شده که امکانات زیادی برای فیلم‌برداری از موضوعات مختلف را میسر مینماید ، معمولا این کانون ها برای دوربین های ۱۶ میلی‌متری از ۲۰ تا ۲۵ میلی متر و برای دوربین های ۸ میلی متری از ۱۰ تا ۱۳ میلی‌متر است . و با وجودیکه از حد معمول بیشتر و نزدیك به کانون عدسی تله است آنرا کانون نورمال میگویند .

کانون عدسی نورمال یك دستگاه عکاسی یا فیلمبرداری بر حسب میلی‌متر یا سانتی متر مساویست با قطر مربع یا مستطیل نگاتیف آن بعبارت دیگر اگر عدسی دوربین را از آن جدا کرده جلوی خورشید نگهداشته و با بالا و پائین بردن ، نور آنرا طوری روی صفحه کاغذ منعکس نمایند که بصورت یك نقطه نت Net درآید کاغذ را می‌سوزاند با اندازه‌گیری فاصله بین عدسی و نقطه سوزانده شده کانون‌عدسی بدست میآید که در این فاصله تصویر مجازی جسم در بی‌نهایت، روی فیلم بحالت نت منعکس می‌شود .

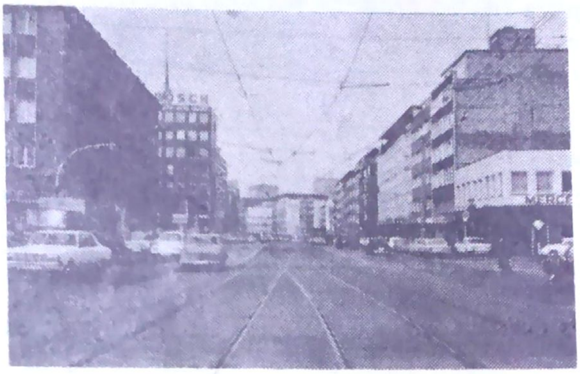
یك عدسی با کانون نورمال تصویر را طوری با پرسپکتیو طبیعی منعکس میکند که تقریبا با حقیقت وفق میدهد و یك عدسی با کانون طویل‌تر از عدسی نورمال (عدسی تله) تصویر مجازی را بزرگتر و همچنین یك عدسی با کانون کوتاه‌تر (عدسی واید) تصویر مجازی را کوچکتر ازحد معمول نسبت به عدسی نورمال‌روی نوار فیلم نقش میکند (شکل ۱۱ تا ۱۳) این سه عکس با یك‌دوربین عکاسی ۳۵ میلیمتری با سه عدسی مختلف وایدـ نورمال و تله گرفته شده بدون اینکه محل دوربین تغییر داده شود .

پرسپکتیو عکسهای تله و واید نسبت به حالت طبیعی‌تصویر اصلی فرق میکند . بدین معنی‌که هرچه کانون عدسی تله طویلتر باشد ، زاویه عکس کوچکتر ودر نتیجه پرسپکتیو کوتاه‌تر و بهم چسبیده‌تر و هرچه کانون عدسی واید کوتاهتر باشدزاویه‌آن بزرگتر و در نتیجه پرسپکتیو طویلتر و بیشتر از حالت طبیعی از هم باز میشود (شکل ۱٤) این عکس با یك عدسی سوپر واید گرفته شده است .

بدین ترتیب هر یك ازکانون های مختلف عدسی دارای زاویه معینی است که برای توضیح بیشتر در جدول این صفحه کانون های مختلف برای یك دوربین فیلمبرداری **سوپر ۸ میلی متری با زوایای آن نشان داده میشود .**



شکل ۱۳ ـ منظره یکی از خیابانهای دورتموند که با دوربین مجهز به عدسی‌تله‌المار ۱۳۵ میلیمتری (تله Tele) گرفته شده است



شکل ۱۲ ـ منظره یکی ازخیابانهای دورتموند که با دوربین مجهز به عدسی زومیکرون ۵۰ میلی‌متری (نرمال) (نرمال) گرفته شده .



شکل ۱۱ ـ منظره یکی‌ازخیابانهای دورتموند که با دوربین مجهز به عدسی زومیکرون ۳۵ میلیمتری (واید) گرفته شده است .

کانون عدسی	نوع عدسی	زاویه
۷ میلی‌متر	واید	۵۰ درجه
۱۰ میلی‌متر	نورمال	۳۵ درجه
۱۵ میلی‌متر	نورمال متمایل به تله	۲۵ درجه
۳۵ میلی‌متر	تله	۱۵ درجه
۵٤ میلی‌متر	تله	۷ درجه

قدرت نور هر عدسی مثل عدد کانون آن روی عدسی حك شده مثل ۱:۲٫۸ و مقدار نوری‌را که عدسی با دیافراگم کاملا باز از خودش رد میکند نشان میدهد. قوی‌ترین عدسی از لحاظ نور برای دوربین های فیلمبرداری به ۱:۱٫٤ و ۱:۲ می‌رسد .

جمشید اکرمی

گزارش فیلم

بهار سینما در تهران

فستیوال فیلم جهانی تهران، اینك در نخستین روزهای برپائی خود ، نوید یك بهار شکوفان سینمائی را می‌دهد . تهران که هرگز یکچنین رویداد هنری‌بزرك وگسترده‌ایرا به خود ندیده ، اینك شانس آنرا یافته است که صاحب یك جشنواره جهانی فیلم در سطحی کاملا درخور اعتناگردد و بخت خوش را زمانی خواهد داشت که توانسته باشد از تمام امکانات و ظرفیتهای تبلیغاتی جشنواره سود گرفته و ارزشهائی همپا و همسان شناخته‌ترین و ارجمندترین فستیوالهای جهانی فیلم برای این جشنواره «تازه‌تولد یافته» حاصل آمده باشد .

طبیعی است که فستیوال تهران ، مساله کسب اعتبار جهانی را ــ که مطمئنا در نخستین سال ، حیاتی‌ترین مساله فستیوال خواهد بود ــ باید در «برگذاری» آبرومندانه و«سازمان‌دهی» صحیح و «حتی‌المقدور بی‌نقص» خود بجوید که این مستقیما وابسته‌است به کفایت‌ولیاقت سازمان برگذاری جشنواره . پس از این ، چیزیکه اعتبار خواهد آورد ، سطح کیفی فیلمهای جشنواره است و در واقع ملاك ارزش هرفستیوال ــ بطور طبیعی ــ کیفیت فیلمهائی خواهند بود که آن فستیوال‌نمایش می‌دهد. اگر به مساله اعتبارجهانی جشنواره اهمیت می‌دهیم ، بدیهی است که باید برای نقدهائی که خبرنگاران و منتقدین خارجی در نشریاتشان خواهند نوشت ، اهمیت‌قائل شویم، چه آنکه به واقع صدای جهانی جشنواره ، همین‌نقدها وگزارشهائی خواهند بود که روزنامه نگاران خارجی در اطراف فستیوال و فیلمهای نمایش داده شده در آن خواهند نوشت و باید بدانیم که اینها نیز ــ آنسان که تا بحال نشان داده‌اند ــ ملاك و معیار ارزش هرفستیوال را ، سطح‌ارزش فیلمهای آن‌فستیوال خواهندگرفت. اما در مورد فیلمهای شرکت‌کننده در مسابقه رسمی فستیوال فعلا قضاوتی نمی‌توان داشت چرا که این فیلمها اکثرا ناشناس هستند و پیش از این نیز در فستیوالهای دیگری نمایش داده نشده‌اند . ولی قسمت اطلاعاتی جشنواره ، بخشهای نیکوئی برای تماشای چند اثر برجسته سینمائی که پیش از این در فستیوالهای دیگر ظهورهای تحسین‌انگیزی داشته‌اند ، فراهم خواهد آورد . از آنجمله می‌توان نام برد از: کانفورمیست . (که در واقع فرصتی خواهد بودبرای آشنا شدن با «برناردوبرتولوچی » یکی از تحسین‌شده‌ترین سینماگران جوان ایتالیائی) «شیاطین» ساخته کن‌راسل» ، «یکشنبه لعنتی» ازجان شلزینگر و «دانش جسم» ساخته «مایك نیکولز» و چند فیلم دیگر که هرگز امیدی به نمایش عمومی آنها در تهران نداشتیم . همچنین برنامه «رتروسپکیتو» فستیوال‌که اختصاص به نمایش فیلمهای پازولینی دارد ، فرصتی است‌طلائی برای دیدن تمامی فیلمهای یکی از برجسته‌ترین‌سینماگران «مولف» ایتالیائی که بخصوص بخت تماشای فیلمهائی همچون «تئورما» و «خوکدانی»و«مده‌آ» و«دکامرون» را نصیب می‌سازد که باز تصور نمایش عمومی آنها در تهران ، بعید و دور از ذهن بود .

بهرحال نگاه ما به فستیوالی که حالا دارد نخستین روزهای حیات‌خودرا می‌گذراند ، خوشبینانه است . صمیمانه آرزو می‌کنیم که تا روز پایان فستیوال نیزتوانسته باشیم خوشبینی و خشنودی خودرا حفظ کنیم .

* چهره زیبای سینه کلوپ ایران

سینه کلوب ایران در همین مدت کوتاهی که از تجدیدفعالیتش می‌گذرد ، خوشبختانه توانسته است چهره‌ای زیبا ودلپذیر ازخود نشان دهد . سینه کلوب درنخستین برنامه خود، «٤٥١درجه فارنهایت» شاهکار فرانسواتروفورا نشان داد که این برای کلوبی که میخواهد صدای یك سینمای برتر را منعکس سازد ، به واقع ، بهترین برنامه افتتاحیه بود . فیلم بعدی سینه کلوب ، «مردان فردا»ی استانلی کریمر بود ، فیلمی نه چندان قابل اعتنا که بخصوص با وجود امکان نمایش عمومی آن ، دلیلی برای نشان‌دادن آن برای اعضای سینه کلوب به‌جا نمی‌ماند .

سومین برنامه سینه‌کلوب اختصاص به نمایش یکی ازبهترین فیلمهای اتوپره‌مینجر «تشریح یك جنایت» یافت ودر چهارمین‌برنامه، توفیق تماشای یك فیلم دیگرتروفو را یافتیم : «عروس سیاهپوش» که در کلی‌ترین نظر ، باید آنرا هیچکاکی‌ترین فیلم تروفو به‌شمار آورد ــ و چه فیلم گرم وجذابی بود .

گرچه این‌فیلمها به‌سینه‌کلوب ایران ، چهره‌ای زیبا و امیدوار‌کننده بخشیده‌اند ، اما نقاط ضعفی هست که اگر به ترمیم ویا از میان برداشتن آنها اقدام‌نشود، احتمالا چهره سینه‌کلوب را به‌شدت زشت و نازیبا خواهند کرد . نخست آنکه نیمی از فیلمهای کوتاهی که تا بحال قبل از نمایش فیلمهای اصلی نشان داده شده‌اند ، خالی از هرگونه ارزش سینمائی بوده‌اند و آشکارا این به چشم خورده که صرفا برای برنامه پرکردن آنهارا نمایش داده‌اند . حال آنکه به اعتقاد ما هیچ ایرادی نخواهد داشت که اگر مسئولین سینه‌کلوب فیلم کوتاه خوبی پیدا نمی‌کنند ، اساسا فیلم کوتاه نشان ندهند . این بهرحال بهتر از نمایش‌یك فیلم کوتاه بد است .

مساله دیگری که میخواهیم به آن اشاره کنیم ، جلسات بحث و گفتگوئی است که بعد از نمایش فیلم ، بین منتقدین و تماشاگران برپا می‌شود . ایده کار ، درخشان و قابل تحسین است . اما چیزیکه هست اجرای بد این ایده نه تنها از درخشش و جاذبه آن‌می‌کاهد ، بلکه در مواردی حتی نمائی‌بیزار‌کننده نیز به آن می‌دهد . اشاره می‌کنیم به جلسه بحث و گفتگوئی که بعد از نمایش فیلم «عروس سیاهپوش» برگذار شد . یکی از منتقدینی که گویا ماموریت کارگردانی بحث به او سپرده شده بود ، رفت جلوی تماشاگران روی دسته یك صندلی نشست و توضیح داد که «آقای هژیر داریوش این فیلم را پنج شش‌بار دیده‌اند و قرار بوده که ایشان در باره این فیلم صحبت کنند . اما ایشان هنوز نیامده‌اند و منهم چون یکبار بیشتر فیلم را ندیده‌ام نمی‌توانم درباره آن چیزی بگویم و ...» و «آقای منتقد ضمن ادامه صحبتشان چندبار دیگر هم روی این مطلب که فیلم را یکبار بیشتر ندیده‌اند تاکید کردند و سپس گریز زدند به‌مطرح کردن حرفهائی در باره هنرسینما و تلقی‌هائیکه ایشان از این هنر دارند والخ... تا آنکه درنیمه‌راه با اعتراض یکی از حضار (که گویا خود یکی از مسئولین سینه کلوب بود) مواجه شدند که «آقا این حرفها چه ربطی به فیلم‌عروس سیاهپوش دارد ؟!» . بعد که‌قرار شد در باره «عروس سیاهپوش» صحبت شود ، آقای منتقد ازجمعیت حاضر در سالن خواسته که‌هرکس نظر بدهد که این فیلم چندستاره‌ای بوده است ! و پس از این ، موج خنده حاضرین بود و فرارکردن این بنده از سالن سینما ! می‌بینید، وقتی که اساسا هیچکس هیچ حرف درست و حسابی درباره فیلم مورد بحث نداشته ، واقعا چه احتیاجی به برگذار کردن جلسه بحث و گفتگو بوده است ؟

... وچه حیف است که‌چهره زیبای سینه کلوب را مسائلی ازاین دست ، زشت و بدنما کند .

نظرها

از نادر پرتوی

مهدی مشکی و شلوارك داغ

● علیرغم نام بی‌مسمای فیلم که از روی کمال بی‌سلیقگی انتخاب شده است، باید گفت که خود فیلم برخلاف انتظار کار جالبی است در سینمای ایران که تحت تاثیر کار های «نصرت کریمی» قرار دارد و سادگی را انتخاب کرده است چه در شکل بیان و چه در داستان گوئی

و موفقیت آن در این سادگی نهفته است و هیچوقت برای حفظ موقعیت لحظات کمیك خود تن به اغراق گوئی های شدیدالحن نمی‌دهد.

کاراکترها تنوع مطبوعی دارند و برخوردشان باهم جالب استَ ولی فیلم متاسفانه از این درگیریها غافل مانده و جزدر چند لحظه زودگذر زیاد بآن توجه نداشته و بیشتر بروی شخصیت اصلی فیلم ــ مهدی مشکی و عشقش تکیه نموده است.

صحنه های مربوط به‌حمام زنانه و نقشی که زن آرایشگر در ایجاد رابطه بین دوخانواده دارد از جمله لحظات شیرین فیلم‌است که تااندازه‌ای جنبه فولکلوریك نیز دارد منتهااین صحنه‌ها بطور خیلی‌عجولانه‌ای برگزار میشود و تداومی ندارد و بریده بریده بنظر می‌آید.

در هر حال موفقیت تجاری فیلم مزبور نشان داد که از برخورد های روزمره وحوادث خانوادگی هم میتوان برای محتوای فیلم استفاده نمودو احتیاجی به ماجرا سازی و حوادث غلو شده و عملیات اکروباتیك در ایجاد رابطه‌بین کاراکترها نیست.

رشید

از : عبدالحسین حسام‌زاده

● برای من واقعاباور کردن این واقعیت دشوار است که یك منتقد خوب سینما که چندین وچند سال در مورد سینما قلم زده و بطرق مختلف از کار های «کازان» ها و «وایلر» ها ایراد گرفته ودر این رشته از سینما برای خودشهرتی بدست آورده ، چگونه ممکن است مرتکب ساختن چنین فیلمی شده باشد.

رشید از روی یك فیلم درجه هشتم خارجی بنام «بیگانگان» (بازی شده توسط سنتابرگرومیشل کنستانتین) سکانس به سکانس کپیه شده است و این از نوری انتظار نمیرفت که فیلم او چه از نظر تکنیك و چه از نظر ایده و فکر بهیچ‌وجه متعلق به سازنده‌اش‌نباشد همین!

راز درخت سنجد

از : عادل ارشادی‌فر



● نگاهی به کارنامه فیلم‌سازی جلال مقدم کارگردان روشنفکر سینمای ایران روشنگر این حقیقت تلخ است که مقدم تا کنون‌نتوانسته خودرابا‌تماشاگران‌ایرانی هماهنگ سازد.

«راز درخت سنجد» او یك برداشت طوطی‌وار از فیلمهای کمدی آمریکائی منتها با اسمهای‌ایرانی بود علتی که میتوان برای علم استقبال مردم از فیلمهای‌مقدم‌آورد اینستکه استیل وکاراوفرنگی است ــ مگر ما فاقد منابع فکری و ادبی هستیم که آقای مقدم‌بغرب متوسل میشود و مدعی میشود که: من در این آشفته بازار سینمای فارسی فیلمی درست کرده‌ام که خواهد فروخت.

و سپس برای سازنده فیلم «محلل» دست بدعا بلند می‌کند که فیلمش شکست نخورد.

واقعیت کیفی این دوفیلم‌واستقبال مردم از آنها نشان داد که آقای مقدم خیلی از مرحله پرت‌هستندو ما تماشاگران ایرانی بیشترفیلم هائی را می‌پسندیم که به ماوزندگی‌ما نزدیکتر باشد.

مهدی مشکی و شلوارك داغ

از م ــ اسفهلانی

● چهره های آشنا ومحبوب تلویزیون در کنار ستاره بزرگ‌و نامدار سینمای ایران ــ ناصر ملك‌مطیعی ــ با مجموعه‌ای از حوادث و ماجرا های شیرین‌عشقی همراه با مقادیری آداب و سنن گذشته‌ی ایران فیلم «مهدی‌مشکی» را مطبوع و تماشائی میسازند.

فیلم روانی خاصی از نظر قصه گوئی دارد ــ آدمها همگی آشنا هستند ، حوادث را کم وبیش در کنار خود داریم و همین‌نکات فیلم را صمیمی میسازد.

فیلم درگیریهای ملایم‌خانوادگی را مطرح میسازد و مسئله‌خاطرخواهی است ، تضادی که در تیپ هاست جالب توجه میباشد.

صرفنظر از ملك مطیعی که در این گونه رلها راحت جا می‌افتد باید از بازی های خوب همایون ، زری پورزند ، اسدالهی‌و نادره و حسین حسینی یاد کرد. وجود کریستین پاترسن نیز دراین میان خالی از لطف نیست و به شیرینی فیلم می‌افزاید

شکست

از : مجید عبادالهی

«شکست» هانری ورنوی فیلمساز با سابقه فرانسه را با همه تفننی بودنش راحت و آسان‌می‌توان تحمل نمود ــ البته بی‌ادعائی فیلم عامل موثری است چرا که در مقابل فیلمی بی‌ادعا و بدون حرف و پیام و فلسفه بناچار تماشاگر هم کم توقع و آسان‌طلب میشود و در این حالت دادوستدی بین فیلم و تماشاگر انجام‌نمیگیرد و هریك در مرز ومحدوده خود قرار میگیرند و سینما حکم قصه‌ای مصور را پیدا می‌کند و تماشاگر با توقع یك کوچك لاجرم‌آنرامی‌پذیرد.

در این وضعیت خاص‌می‌بینیم که بیننده از فیلم بطور کلی چه انتظاری دارد ــ شکست باانتخاب سوژه‌ای با تم مقابله دزد وپاسبان در یك سرقت کلان که باسیستم کاملا الکترونیکی انجام میشود تمام شگردها و بهانه های‌سرگرم سینما را چون‌هفت‌تیرکشی‌بزدوخوردهای سینمائی ــ تعقیب ماشین ــ سکس و خشونت و مضامین کمیك را مورد استعمال قرار میدهد.

رنگارنگ

یك خبر داغ

● راکوئل‌ولش اخیراً بسته‌ای از طریق پست دریافت‌می نماید و با این انتظار که هدیه‌ای از جانب یکی از دوستدارانش مواجه خواهد شد با کنجکاوی‌تمام آنرا میگشاید و با کمال تعجب‌در آن یك کرست باضافه یادداشتی‌باین مضمون پیدا می‌کند که :

— لطفا کرست پیوست راکه دقیقا باندازه شماست یکبارپوشید تا اینکه بوی تن شما را بخود بگیرد و سپس آنرا باین نشانی‌پس بفرستید !

سپاس از نظر هنرمندان

● جایزه سپاس عامل وسنك محکی است که عده‌ئی را بخود می‌آورد ...

من معتقدم که در هر صورت موجودیت این جایزه باعث ترغیب هنرمندان برای کار های بهتر میشود

عزت الله انتظامی

● این نخستین قدم مثبت و با ارزشی است که یك مجله برداشته است و تا حالا کاری باین صورت حساب شده و خیره کننده و با ارزش در سینمای‌ایران سابقه نداشته است .

همایون

● اقدام فیلم و هنر درمورد جایزه سپاس ، یك واقعه بزرك در تاریخ سینمای ایران است ... واین کار از آن جهت حائز اهمیت‌است که یك بخش خصوصی به‌آن‌مبادرت ورزیده است ...

عباس شباویز

● جایزه سپاس با اینکه رسمیت آکادمیك ندارد ولی یك نوع پشتبانی و تکیه‌گاه برای آدم است و برای سنجش درستی‌یانا- درستی کار خیلی موثر است .

بهروز وثوقی

● این جایزه برای سینما و سینماگران ما مشوق خوبی است

اسفندیار منفردزاده

● سپاس در این چند ساله یك حالت عمومی تر و ملی‌ترپیدا کرده است و مردم آنرا شناخته‌اند.

ش . ناظریان

● وجود سپاس برای همه همکاران ما یك نوع تشویق است و سبب میشود که رقابت دوستانه‌و ثمر بخشی در همه سطوح‌فعالیت- های سینمائی بوجود آید

ناصر ملك مطیعی

● و سپاس از نظر یکی از خوانندگان مجله

حال همه سینما ایران راجدی میگیرند و بطور جدی در باره‌آن فکر می‌کنند بدون تردید جایزه سپاس در این دگرگونی و تحول نقش موثری داشته است

سپاس سینمای ما را از پیله انزوا در آورده و جهانی نموده است و حال توجه محافل هنری نسبت بآن معطوف شده و کیفیت فیلمها دستخوش دگرگونی های زیادی گردیده است .

بدون تردید سپاس درسینمای ایران نقطه عطفی بوده‌که اهمیت آن در آینده بیش ازپیش نمایان خواهد شد

نادر پرتوی

نکته ، نکته و خبر ، خبر

● بهترین فیلم هفته «شکاردر شهر» ساخته : «دان‌سیگل» بود

● پر فروشترین فیلم هفته« مهدی مشکی و شلوارك‌داغ» نظام فاطمی بود

● ناکام ترین فیلم‌نوروزی«پیروزی» بود که با حریق سینما اتلانتیك طعمه آتش‌شد.

● موفق‌ترین آهنك هفته قبل ترانه «عزیزم» بود که توسط «رسائی» ازترکی‌بفارسی‌دوبله شده است !

● هفته قبل «شما ورادیو» برنامه صبح جمعه رادیو بانام «جمعه بازار» توسط «فریدون‌فرخ‌زاد» اجرا گردید وبنظر میرسد که رادیومیخواهدتنوعی‌در نحوه اجرای برنامه های ثابت خود بدهد .

● فیلم توقیف شده«عروس‌سیاه پوش»اثر«فرانسواتروفو» توسط سینه کلوب ایران وفیلم«چنین است زندگی» اثر «یونك هانس» توسط کانون فیلم برای علاقمندان و اعضاء به نمایش گذاشته شد .

● «اختاپوس» برنامه دل‌خواه تلویزیون پس از چند هفته تعطیل بودن‌مجدداوبراه‌شد و نخستین برنامه جدید آن جمعه گذشته پخش شد .

سرمقاله

● برگزاری‌نخستین‌جشنواره جهانی فیلم در تهران بدون تردید بزرگترین رویدادی‌است که در زمینه هنر و سینما در کشور ما رخ داده است — و این در درجه نخست برای تماشاگران فهیم و جستجوگر و تشنه ما فرصت گرانبهائی است تا لحظاتی چند درالمعقر هوائی تازه و غیر مسموم بسر ببرند — اما بهرحال عمر این جشنواره محدود به زمان معینی است که لحظه آغازی دارد و نقطه اختتامی و پس از ختم آن باز آنچه که خواهیم داشت فیلمهای مسخ و مثله‌شده رایج در سینماهاست . بنابراین باید فعلا فقط امیدوار باشیم که کیفیت عالی این جشنواره بتواند افق جدیدی در تمام شئون هنری و سینمائی‌بخصوص سیستم نمایش فیلم ما بگشایدو موجبی گردد برای بالا بردن سطح کیفی نمایش در این ملك بطوریکه یك تماشاگر علاقمند ایرانی بتواند مثل همه تماشاگران مثلا اروپائی در مسیر جریانات‌روز سینما قرار گیرد و مهمتر از همه اینکه سانسور را از چادر و حجاب ، حجب وحیای قرار- دادی متعلق به قرن گذشته درآورد تا هر فیلم با ارزشی را بخاطر بعضی از صحنه‌های آن مثله ننماید و سانسور را متوجه این نکته نماید که این ابتذال فکری است که جنبه بدآموزی دارد نه نشان دادن اندام عریان یك زن و یامثلا متوجه باشد که این‌وسترنهای سادیستی ایتالیائی شاید به مراتب مخرب‌تر ازفیلم‌بالفرض زابریسکی پوینت است .

بهرحال امید است همه‌ما در طول این جشنواره واقع- بین‌تر شویم و بخود آئیم و امیدوار که متعاقب‌آن‌تماشاگر محروم ایرانی از پیله انزوا درآید و درکوران‌فکری‌سینمای زنده و فعال امروزی دنیاقرار گیرد .

شوخی ، شوخی

قیافه های تماشایی

● قیافه هنرپیشه دست‌اولی که بعد از امضای قرارداد می‌بیند نقش مقابلش را پیر زنی ۵۵ ساله بازی می‌کند و در صحنه‌های عشق بازی برهنه می‌شود .

● قیافه رقیه (ببخشید سامانتا) که بعد از شکست از پروین ملکوتی در رفراندوم فیلم‌وهنر نمیداند چه کند .

● قیافه تماشاچی بینوائی که با هزار دوز وکلك از بازار سیاه سه‌برابر معمول بلیط تهیه میکند ، تازه وقتی داخل سالن می‌شود می‌بیند مدتی از نمایش فیلم گذشته است .

● قیافه خواننده علاقمند بصفحه رویداد های فیلم وهنر که با خوشحالی تمام مجله را خریداری میکند ، ولی ملاحظه میکند که صفحه رویدادها سفید است .

● و بالاخره قیافه بنده فرستنده قیافه‌ها که با علاقه زیاد مطلب را تهیه و می‌فرستم اما وقتی چاپ می‌شود اسم بنده را حذف کرده‌اند

جاوید رضائی

بهترین اطاق

● مدیر هتل : امیدوارم به شما خوش گذشته باشد ، اطاقی که شما دیشب خوابیده بودید بهترین اطاق هتل ما بود .

بهروز وثوقی : شك ندارم و بهمین علت هم هست که همه‌پشه‌ها این اطاق را انتخاب کرده‌اند .

من آری ، تو نه

● فاضلی که تازگی موتور سیکلت خریده و تفریحش موتور سواری است ، روزی ضمن موتور سیکلت سواری ، شروع برفتن از وسط ریلهای راه آهن تهران‌تبریز شد . که قطار سر رسید ، اماهرچه بوق زد ، فاضلی از رو نرفت و آهسته وسط ریل‌ها موتور میراند . در این وقت لکوموتیوران که عصبانی شده بود سرش را بیرون آورده ، فریاد زد : آقا مگر جز وسط ریل ، جای دیگر نمی‌توانی موتور سیکلت رانی کنی .

فاضلی در حالیکه گاز آهسته‌ای بموتور میداد گفت :من آره ، ولی تو نه .

مردم آزاری کودکانه

● محمد رضا رفیعی باتفاق دو تن از همسالان خود برای خرید فلفل بمغازه‌ای رفتند . پسربچه اول رو کرد بمغازه‌دار که پیر مردی بود و گفت من یك ریال فلفل میخواهم . مرد مغازه دار بازور بالای نردبان رفته و قوطی فلفل را آورد یك قران فلفل پسر بچه اولی داد و قوطی را سرجایش گذارد و پائین آمد و رو کرد بپسر بچه دومی کرده و گفت تو چه میخواهی ، پسر بچه دوم گفت منهم یك قران فلفل میخواهم . پیرمرد که عصبانی شده بود روباو کرد و گفت می‌خواستی اول بگوئی و آنگاه از محمد رضا رفیعی پرسید تو هم یك قران فلفل میخواهی ، محمد رضا رفیعی گفت نه ، پیرمرد از نردبان بالا رفت و فلفل را پائین آورد و بپسر بچه دوم داد وقوطی را سرجایش گذارد و پائین آمد و رو بمحمد رضا رفیعی کرده و گفت حالا بگو ببینم تو چه‌می‌خواهی .

ــ من دو قران فلفل میخواهم .

مقابله بمثل

● روزی انتظامی با جمعی در صحرا گردش میکرد ، گاوی صدا کرد . دوستان بشوخی گفتند انتظامی گاو ترا صدا میکند ،برو ببین چه میگوید . انتظامی نزد گاو رفته و برگشت دوستان از او پرسیدند چه میگفت . انتظامی بلافاصله جواب داد : میگویدعلت اینکه با خرها بگردش آمدی چیست.

فرستنده رضا مردیها (اصفهان)

راستگوی واقعی

● ملك مطیعی : فردین جون . من سال گذشته ۹۹۹ خرگوش شکار کردم .

فردین : تو که میگوئی ۹۹۹ عدد چرا نگفتی هزارتا .

ملك مطیعی : من حاضرنیستم بخاطر یك خرگوش دروغ بگویم.

فرمایشی بود

● تقی مختار در خیابان مشغول قدم زدن بودناگهان چشمش بعابری افتاد که حالتی شبیه دیوانه‌ها داشت و مشغول نگاه کردن مردم بود و با نظر خریداری آنها را برانداز میکرد. در این وقت ناگهان دیوانه مزبور بجلو مختار آمده و دو کشیده محکم بگوش مختار زد . مختار که از شدت ناراحتی صدایش بلند شده بود ،با عصبانیت گفت مگر تو دیوانه‌ای .

مرد دیوانه در حالیکه با خونسردی او را نگاه میکرد گفت بله آقا ، فرمایشی بود .

تاکسی دربست

● روزی سپهرنیا برای مسافرت عازم فرودگاه شد ولی حتی یك تاکسی خالی پیدا نکرد بهمین جهت جلوی یك اتومبیل شخصی را گرفت . آقا تا فرودگاه چن میگیری

ــ دربست پنج تومان .

سپهرنیا بدون آنکه حرفی بزند سوار شد ، ولی در بین راه راننده متوجه شد که در سمت سپهرنیا باز است ، لذارو باوکرد، و گفت :

ــ آقا چرا درو نمی‌بندی.

سپهرنیا با خونسردی جواب داد شما گفتید دربست پنج تومان، منهم درو باز گذاشتم که کرایه کمتری بدهم .

فرستنده : جاوید رضائی

افسوس از جوانی !

عزت‌الله وثوق روزی‌خواست سوار اسبی شود نتوانست گفت افسوس از جوانی بعد اطراف‌خود را نگریست دید کسی نیست . گفت : ولی خودمانیم در جوانی هم چیزی نبودم !

فرستنده: حمیدپوررشیدی(رضائیه)

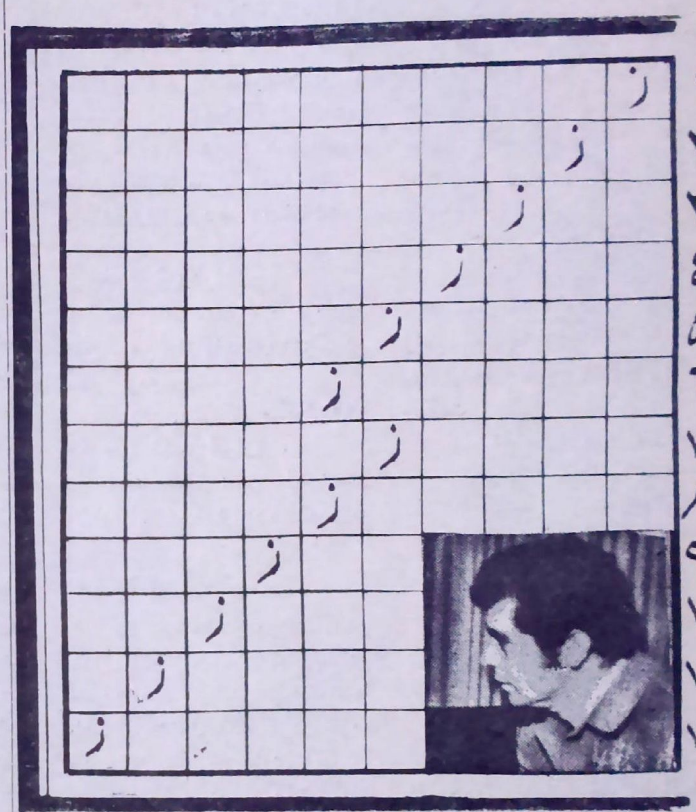
(کی چی گفت؟)

عده‌ای از هنرمندان دور هم‌جمع بودند و قرار شد هرکس یك‌جمله بگه میدونین کی چی گفت ؟

فردین گفت من اولم ، بهروزگفت‌من هنرمندترم ، ملك مطیعی گفت من بامعرفت‌ترم کیمیائی گفت‌من‌باهوش ترم ، سپهرنیا گفت من نمکی‌ترم ، گوگوش گفت من‌بدهکارترم ، محمد کریم ارباب گفت من طلبکارترم ، فروزان‌گفت‌من سکسی‌ترم ، زری خوشکام‌گفت ایوا خاك‌برسرم ظهوری گفت چراقربونت برم ؟ ، و علی حاتمی‌گفت وای چه آمد برسرم ؟!

مسابقات؟؟؟؟؟

شرح جدول این هفته



۱ — عنوان فیلمی است بکارگردانی رضا صفائی با شرکت زوج جدید سینما منوچهروثوق وپوری‌بنائی ۲ محصولی ازپارس‌فیلم به‌کارگردانی محمودکوشان‌باشرکت‌ظهوری وحبیب‌اله‌بلور ۳ـ فیلمبردار فیلم هاشم‌خان وقیصر ٤ـ خسروپرویزی این‌فیلم را باشرکت‌فروزان و منوچهروثوق برای فیلمکوفیلمز ساخته است ٥ — هنرمند پرارج سینمای ایران و بازیگر فیلم‌های تله و داش‌آکل ٦ — تهیه کننده فیلم (دعوت) هشتمین روز هفته که قرار است در فستیوال سینمائی امسال که در تهران تشکیل میشودشرکت کند ۷ — تهیه کننده و فیلمبردار سه‌قاپ ۸ — ورسیون تازه‌ای بود از یك داستان که مهدی رئیس فیروز برای پارس‌فیلم ساخت ۹ — آکتریس فیلم میعادگاه خشم ۱۰ — بازیگر زن‌فیلم‌های قیصر و فرار از تله ۱۱ — این هم عنوان فیلمی بود از فرخ‌غفاری ۱۲ — هنرمند تاتر که در فیلم‌های هالو و رگبار بازی‌داشته است .

طراح : مصطفی — محمدی (اصفهان)

طرح و تهیه توسط : محمدابراهیم پروانه

مسابقه بزرگ «۱۳»

کلیه پاسخ‌های این مسابقه‌با ۱ ریال تمبر باطل نشده وآدرس‌دقیق فرستنده باید همراه باشد .

● بعد از برگزاری سه دوره مسابقه جنجالی و بزرك در طی سال گذشته و سال ۱۳٤۹ ، اینك مجددا در آغاز سال جدید یك مسابقه جنجالی و بزرك دیگر در فیلم و هنر آغاز میگردد .

این مسابقه تازه و جالب که با عنوان «مسابقه بزرك ۱۳» مطرح می‌شود مدت‌شش‌ماه (۲٦ شماره) برگزار خواهد شد ودرهرشماره یك سئوال مطرح میگردد که خود بتنهائی دارای جوایز جداگانه‌ای است .

مسابقه سیزده بدین صورت است‌که هرهفته سئوالی را که دارای سیزده پاسخ است برای شما مطرح میسازیم . شما در صورتیکه حداقل به ده پاسخ از سیزده پاسخ جواب‌مثبت داده باشید ، نامتان در قرعه‌کشی هفتگی مجله ثبت و در پایان هر چهار شماره برندگان آن اعلام میگردند و هرهفته یك ساعت ، دو عدد خودنویس ، ٥جلد کتاب و ٥ بلیط لژ سینما ببرندگان مسابقات‌هفتگی تقدیم میگردد.

در صورتیکه علاقمندان مسابقات مایل باشند میتوانند این مسابقه را تا پایان مدت آن ادامه دهند و در صورتیکه در پایان مدت مسابقه حد اقل ۲٦۰ امتیاز بدست آورند در قرعه‌کشی جوایز بزرك مجله نامشان شرکت داده شود .

بنابراین هر پاسخ صحیح از سیزده پاسخ هفتگی مجله دارای یك امتیاز خواهد بود و حداکثر امتیازی که هریك از شرکت کنندگان میتوانند بدست آورند (۳۳۸ امتیاز) خواهد بود ، منتها برای سهولت کار و دنبال کردن مسابقه سیزده از طرف خوانندگان در هرهفته ۳ امتیاز آوانس‌بخوانندگان مجله داده می‌شود .

در هرحال باآغاز مسابقه جنجالی و بزرك دیگر فیلم و هنر شور و هیجان دوباره در میان خوانندگان مجله درخواهدگرفت که آرزومندیم ، مسابقه تازه ما نیز چون مسابقات بزرك گذشته فیلم و هنر مقبول طبع خوانندگان مجله قرار گیرد .

جایزه اول ، ده هزار ریال‌وجه نقد — جایزه دوم ۷٥۰۰۰ ریال وجه نقد — جایزه سوم ٥۰۰۰ریال وجه نقد — جایزه چهارم ۲٥۰۰ ریال وجه نقد — جایزه‌پنجم ۲۰۰۰ ریال وجه نقد — جایزه ششم ۱٥۰۰ ریال وجه نقد — جایزه هفتم ۱۰۰۰ ریال وجه نقد جایزه هشتم ۳ عدد ساعت برای۳ نفر — جایزه نهم ٥ عدد خودنویس برای ٥ نفر — جایزه‌دهم ۲۰ جلد کتاب برای ۱۰نفر — جایزه یازدهم۲۰ بلیط‌لژ سینمابرای۱۰ نفر — جایزه دوازدهم ٥ اشتراك شش ماهه برای ٥ نفر و جایزه سیزدهم ۱۰ اشتراك ۳ ماهه برای ۱۰ نفر ازخوانندگان‌مجله می‌باشد .

بدین ترتیب هر هفته مسابقه‌بزرك سیزده دارای ۱۳ برنده است و جوایز بزرك مجله نیز سیزده‌فقره است که دارای پنجاه برنده خواهد بود و در مجموع این‌مسابقه‌دارای ۳۸۸ نفر برنده می‌باشد .

اینك آغاز سومین هفته

سیزده فیلم نام ببرید که عنوان آنها از حروف بی‌نقطه باشد مانند روح

اونیورسال

ایران -

پاسیفیک -

تیسفون -

ساینا -

پرسپولیس

مراد -

مونت

کارلو -

موناکو -

دریا -

کارون -

داریوش -

و

آستارا -

« تجریش »



لودویك

بازی وی باید بگویم که هنگام کار اشتباهات بسیار میکند ولی‌کمتر هنرپیشه‌ای را مانند او دیده‌ام‌که تااین حد باهوش باشد . او امکان ندارد بیش از یکبار اشتباه کند و تصور میکنم در فیلم آینده‌ام نیز ازوجود او استفاده کنم

● فیلمبرداری «لودویك»چه وقت تمام خواهدشد ؟

— اکثر صحنه‌های مشکل‌فیلم فیلمبرداری شده است و تصور میکنم تا دوهفته دیگر کلیه‌صحنه‌هـای آن فیلمبرداری شود بشرط آنکه دچار اشکال فنی نشویم .

● آیا تصمیم دارید بلافاصله فیلم دیگری را جلوی دوربیـن ببرید ؟

— خیر ، ولی ایده‌ای دارم که از هم‌اکنون درمواقع بیکاری به آن فکر می‌کنم . آنچه مسلم است فیلم کردن این ایده بیعد از نمایش فیلم «لودویك» موکول خـواهد شد .

● ● ●

این مصاحبه در ژانویه۱۹۷۱ توسط «لئوناراگرانـدی» خبرنگار مجله بولرو فیلم چاپ ایتالیاانجام شده است .

نخستین جشنواره

بکارگردانی کلیك ● شاهد عینی (طویل از انگلستان) بکارگردانی: هوف ● مورچه ، مورچه واقعـی (کوتاه از بلغارستان) بکارگردانی آندوئف ● رابط فرانسوی (طویل از امریکا) بکارگردانی فریدکین

● مالویچ سوپرماتیسم (کوتاه از انگلستان) بکارگردانی بکبر .

در شماره‌های آینده شمارا در جریان یك هفته جشنواره قـرار خواهیم داد.

۴ سوال

برای فیلم موثر میدانید ؟

حسین واثقی: هما‌نطوریکه ارکستر میتواند صدای خواننده را یاری کرده و سبب هرچه بیشتـر جلوه‌گر شدن آن گردد، موزیك متن نیز قادر است برای بخصوص بسیاری از فیلمها موثر باشد، و من عقیده دارم این موزیك متن است که میتواند کمکی قابل توجه برای فیلمسازی باشد که میخواهد بطرق مختلف، تماشاگر، فیلم و بیان سینمائی‌اش راکاملتر احساس‌نماید، وخصوصا باتوجه به‌اینکه فیلمسازان ایرانی غالبا احساس تماشاگررا در نظر گرفته و تاحدامکان در یك زمینه احساسی و یا بعبارتی دیگر عاطفی کار می‌کنند، وجود موزیك متن نمی‌تواند بی‌تاثیر باشد!

— مشکلاتی که در ساختن موزیك متن فیلم باآنها مواجـه هستید ؟

مجتبی میرزاده: والله مشکل که چه عرض کنم ولی یکـی از ایرادات مهمی کمیتوان به‌بسیاری از فیلمسازان وطنی گرفت ودر این مورد باید بیان نمود، این‌است که اولا آزادی عمل‌کامل بسازنده موزیك متن نداده و در حقیقت میخواهند خودشان‌را یك‌پاموزیسین قلمداد کنند که ایده‌هائی غیر متعارف در مورد ساختن موزیك‌متن دارند، درثانی بعضی‌از فیلمسازان، وقت نسبتا کمی برای ساختن‌موزیك متن به سازنده آن میدهند و گاه که احتمالا یکی دو روز این موعد مقرر بعهده تعویق می‌افتد، فیلم‌را بدون موزیك متن روانه بازار می‌نمایند ، در حالیکه در تیتراژ و آفیشهای فیلم نامی برای سازنده موزیك متن آورده شده وبااستفاده از این نام است که موزیك فیلم های خارجی‌رابخوردخلق‌اللهمیدهند وبالنتیجه موجبات بدبینی مردم را نسبت به‌موزیك متن و سازنده آن، فراهم می‌آورند!

عمو «اسکار»

یل» ارائه داده است . در جریان فیلم بین او ویك کارگاه پلیس موسوم به «جان کلوت» (داناللـد سادرلند) ــ که ماجرای یك قتـل مرموز را تعقیب می‌کند ــ یـك رابطه عجیب «عشق ــ نفرت»پدید می‌آید .

✻ **اسکارهای‌درجه دوم‌بهترین** بازیگران زن ومرد سال رابه‌ترتیب **«کلوریس لیچمن»** و **«بن‌جانسون»** هردو بخاطر بازی در فیلم آخرین **نمایش فیلم»** (پیترباگدانوویچ بـه دست آوردند .

✻ **«ویلیام‌فریدکین»** درکسب عنوان بهترین کارگردان سال ، با **استنلی کوبریك و نورمن جوئیسن و پیترباگدانوویچ و جان‌شلزینگر** (بخاطر فیـلم «یکشنبه لعنتی») رقابت داشت .

✻ **جین‌فاندا** در اخذ اسکار بهترین آکتریس‌سال‌با **گلنداجکسون** (یکشنبه لعنتـی) ، **ونسادرگریـو** (مری ، ملکه اسکاتلندیها)، **جولی کریستی** (مك‌کیب و خانم میلر) و **جانت‌سوزمن** (نیکلاوآلکساندرا) در رقابت بود .

✻ برای گرفتن اسکاربهترین آکتور سال نیز پنج تن رقـابت داشتند که سرانجام **«جن هاکمن»** پیروز شد . چهار آکتور دیگـر اینها بودند : **پیتر فینچ** (ــیکشنبه لعنتی) ، **والترماتائو** (کـاچ) ، **جورج سی‌اسکات** (بیـمارستان) و **«توپول** (نوازنده ویولون برروی بام).

✻ اسکار بهترین فیلم‌خارجی (غیر انگلیسی زبان) سال را به فیلم **«باغ‌فینزی کونتینی»** اثر **ویتورــ یودسیکا** گـرفت . این فیلم کـه بازگـوینده تظاهـرات «آنتی ــ سمیتیستیك» و ضد یهودی‌درایتالیا عهد فاشیستهاست ، پارسال جایزه «خرس‌طلا»ی فستیوال برلین راهم گرفت . این فیلم را در تهران ما به‌لطف مساعی «کانون فیلم»دیدیم وبه‌نظرمان اثر جبهه‌گیر وپرشعاری رسید و هما‌نقدرضعیف که فیلمهای چند ساله اخیر دسیکا .

✻ اسکار بهترین فیلم مستند سال به فیلم ۹۰ دقیقه‌ای ــ The Hellstrom Chronicle ساخته «والون‌گـرین» داده شد. فیلمبرداری این فیلم که به‌زندگی حشرات می‌پردازد ، مدت دوسال تمام در کنیا ، مینه‌زوتا ، اتیوپی، استرالیا ، فرانسه ، آلمان، ایتالیا، تانزانیا ، مالایا ، ژاپن‌وکالیفرنیا فیلمبرداری شده‌است .

✻ **«ایـوون بلاك»** اسکار **بهترین طراحی لباس را** بخاطرفیلم **«نیکلاو آلکساندرا»** گرفت. رقیب سرسخت او در گرفتن این جایزه، طراح لباس فیلم «مرك در ونیـز» بود .

✻ برخی دیگر از جـوائز اسکار در رشته‌های مختلف به این ترتیب توزیع شدند :

اسوالدموریس ــ بهتریـن فیلمبردار سال‌بخاطر فیلم «نوازنده ویولون روی‌بام» .

جان ویلیامز ــ برنده اسکار بهترین اقتباس موزیکال وآهنگ‌های اریژینال بخاطر فیلم «نوازنده ویولون روی‌بام» .

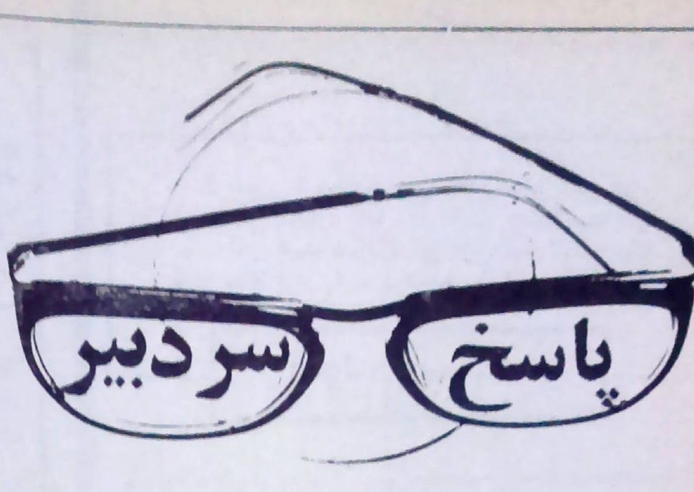
ایساك هایز» ــ برنده اسکار بهترین شعر آهنك بخاطر فیلم «شفت» .

دیوید نیون

مورد علاقـه و دوست صمیمی‌اش ولادیمیر نابوکوف نوشته، اقتباس شده است . دومین دلیلش این کـه فیلم را **«یرژی اسکولیموسکی»** که برای اواحترام‌فراوانی قائل است، کارگردانی میکند. دیوید نـیون میگوید:

«گاهی چیزهای خوب باهم نمودار میشوند، واین بارهم علاوه بریك سناریوی خوب، من «یرژی اسکولیموسکی» را در کنار دارم. از نظر من «یرژی» سرآمد کارگردانان موج نو است که همه‌چیز را خوب می‌فهمد. من تاکنون سابقه نداشته که در فیلمی اینقدر بـه هیجان آمده باشم.»

بهرحال می‌توانیم بشمااطمینان بدهیم آنچه در صحنه‌های اصلی این فیلم بین نیون وجینا گنشت قطعا سینمائی‌تر از اصل خود فیلم بوده است !



اصفهان ــ آقای مصطفی محمدی

۱ــ قوانین سانسور نمایش فیلم در هر کشوری با هم متفاوت است و بهمین علت نیز بعضی از فیلمها بعلت بعضی مسائل خاصی که در آن مطرح است از طرف کمیسیون سانسور از نمایش عمومی آن جلوگیری میگردد ، منتهی در بعضی موارد ، بفیلمی اجازه داده میشود که در یك سینما بطور انحصاری نمایش داده شود و پس از اتمام مدت نمایش برای همیشه کنار گذارده شود که از جمله این فیلمها میتوان شکار در شهر و یا مش را نامبرد ۲ ــ صفحه مسابقات فیلم و هنر زیر نظر آقای بیوك کاظمی اداره میگردد ۳ــ بازیگر نقش مزبور یکی از اهالی اصفهان است که زیاد مشهور نیست و فقط در همان فیلم ظاهر شده است .

دزفول ــ آقای سیدنورالدین پزشکی

۱ــ میناسیان کاندید دریافت بهترین فیلمبردار رنگی امسال بخاطر فیلم فریاد است و این مسئله ارتباطی به فیلم طلوع که در سال قبل از او نمایش داده و جایزه سپاس سال ۱۳۴۹ را دریافت داشته است ندارد ۲ــ با مسابقات نوروز (جدول ــ چشمها) برای هرکدام یك ریال تمبر باطل نشده باید همراه باشد ، مقصود شما را از ۲ ریال متوجه نشدیم ۳ــ پانوramیك طریقه‌ای در فیلمبرداری است که سبب میشود نسبت بفیلم معمولی پرده دارای وسعت بیشتری است .

شیراز ــ آقای اکبرمنصوری

از ارسال تبریك سپاسگزاریم ،

برای ساموئل خاچکیان میتوانید به آدرس خیابان دانشگاه جنوبی ، سازمان سینمائی مشعل نامه ارسال دارید .

کرج ــ آقای سیروس عزتی

مراحل مختلف تهیه یك فیلم عبارتست از تنظیم سناریو ، دکوپاژ ، فیلمبرداری ــ مونتاژ ــ صدا برداری ــ ضبط افکت و موزیك ــ میکساژ ــ چاپ

آقای احمد زرین

ما بدانصورت با نظر شما در مورد برگزاری رفراندوم سپاس موافق نیستیم . بنظر ما بایستی تماشاگران فیلمهای ایرانی بصورتی در کار انتخاب هنرمندان شریك و سهیم باشند . بعلاوه برگزاری رفراندم هیچ ارتباطی بنظریات داوران ندارد و داوران تحت تاثیر هیچ عاملی قرار نخواهد گرفت و مقصود ما از برگزاری رفراندوم نیز انتخاب محبوبترین هنرمندان سال است .

آقای علی‌بابا احمدزاده

۱ ــ ایرج قادری ۳۵ سال دارد و اولین فیلمش چشمه آب حیات بود و تاکنون در بیست فیلم شرکت داشته است ۲ ــ ایرج قادری ــ بهروز وثوقی ــ وحدت مسلمان هستند .

رشت ــ آقای منوچهر تغابنی

نظر شما در مورد اینکه زری خوشکام ملکه زیبائی هنرمندان است بجای خود ، و اما در این مورد سایر خوانندگان مجله و داوران نیز میبایست نظر دهند . نامه شما را بقسمت مربوطه دادم .

تهران ــ آقایان وارطان آوانسیان ــ علی‌اصغر اصفهانی ــ شاهین جانس ــ خسرو زوج

۱ــ فریدون اسماعیلی برادر منوچهر اسماعیلی دوبلور معروف است که در برنامه های رادیوئی شرکت میکند ۲ ــ تابلو های وسط اختصاص بهنرمندان خارجی دارد و روی جلد و پشت جلد بهنرمندان ایرانی و اگر گاهی اوقات تابلوی تکراری چاپ میشود علتش نبودن عکس جالب است ۳ــ از هنرمندانی که نامبردید بطور دقیق نمیدانیم چه فیلمهائی در تهران موجود است .

آقای مجید عبیری

۱ ــ حسین ترابی کارگردان فیلم رضا هفت‌خط است ، اما بنا بعللی از ذکر نام خود ، خودداری و عنوان مستعار مهر داد برای کارگردان فیلم انتخاب شده است ۲ ــ تهیه فتورمان برای ما بدان صورت میسر نیست و خوانندگان مجله در عوض خواستار مطلب زیادتر هستند ۳ ــ کارگردان فیلم جوانی جنون و سرعت (ریچارد سرافیان) بود .

دزفول ــ آقای ابوالقاسم خرمی

اولین شماره بعد از نوروز شماره ۳۷۷ است که روی جلد آن ارغوان میباشد و هفدهم فروردین منتشر گردیده و بعد از شماره نوروز که شماره ۳۷۶ بود ، مجله‌ای منتشر نشده بود .

آقای وارطان بالاسانیان

۱ ــ حق‌الدرج آگهی‌های فیلم و هنر بعد از تخفیف شهزار ریال است که می‌توانید بحساب جاری ۲۸۷۳ بانك صادرات شعبه مخبرالدوله حواله کرده و رسید آن را بانضمام آگهی برای ما ارسال دارید ۲ ــ دوبله یك فیلم ۱۶ میلیمتری بطور متوسط ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ ریال است .

آقای کیومرث پرویزی

اطلاعات ما از کلاس فیلمبرداری مزبور در حد آگهی‌هائی است که در مطبوعات خوانده‌ایم . حتما دوره کلاس عملی و تئوری است .

آقای شیرالله غفاری

متشکریم از این همه محبت و صمیمت شما . تلاش ما پاسخ به خواستهای خوانندگان است و میکوشیم این مسئله را تا حد امکان عملی سازیم ۱ــ مدت دانشکده هنرهای دراماتیك چهار سال است ۲ ــ سازمان چهلستون (خیابان شاه‌آباد ــ پاساژ سینما اروپا ــ طبقه‌سوم) ــ پانوراما (میدان فردوسی ــ ضلع جنوبی) کورش فیلم (خیابان فردوسی جنوبی ساختمان امینی) تینافیلم (خیابان بولوار ــ خیابان هما) آراد فیلم (خیابان شاه ــ ساختمان آلومینیوم طبقه چهارم) است .

تهران ــ آقای حسین داود آبادی

۱ــ نصرت کریمی ۲۰ درصد منافع درشکه‌چی سهیم بود برای بازی و کارگردانی فیلم مجلل هشتصد هزار ریال و جهت بازی در فیلم حکیم‌باشی یك میلیون ریال دریافت کرده است ۲ ــ سلسله مقالات سناریونویسی را پس از اتمام فیلمسازی آماتور آغاز خواهیم کرد ــ فیلم قمرخانم فیلمبرداریش پایان یافته و بزودی نمایش در خواهد آمد .

شهر کرد ــ آقای حسین رفیعی

۱ ــ معمولا تنها برای تهیه فیلمهای تجارتی که بنمایش عموم گذارده میشود احتیاج بدریافت اجازه سناریو است اما نمایش فیلم های ۱۶ میلیمتری احتیاج بکسب اجازه از کمیسیون نمایشات فیلم دارد ۲ــ فیلم‌های ۸ میلیمتری و ۱۶ میلیمتری مدت زمان معینی ندارد وبستگی بداستان فیلم دارد ۳ ــ آدرس اداره نگارشات (تهران ــ میدان بهارستان ــ وزارت فرهنك و هنر) میباشد .

آقای حسین گل‌مکانی

ما بکلیه نامه های رسیده پاسخ میدهیم ، گله نکنید که جواب نامه شما را نمی‌دهیم . در مورد رائی که داده‌اید ، معلوم نبود برای چیست ، اگر برای رفراندوم سپاس است که باید ده رشته را انتخاب و برای ما می‌نوشتید .

آبادان ــ آقای عزیز انصاری

شهرزاد با تحولی که در کار سینمائی خود پدید آورده است از بازیگران نقشهای درجه دوم خوب سینمای ایران است و یکی از امید های دریافت جایزه سپاس بهترین نقش دوم زن امسال ، سعی خواهیم کرد با وی ترتیب گفتگوی تازه‌ای بدهیم .

خرمشهر ــ آقای بیژن خرسند

آدرس فعلی الی‌مك‌گراو را نداریم که جهت شما چاپ کنیم

یزد ــ آقای اصغر پیوندیان

۱ ــ وجستاهمان سوسن سرمدی است که تغییرنام داده است ۲ ــ بیك ایمانوردی در فیلم تکخال

و پابرهنه ها همبازی منوچهر وثوق بود ۳ – بیك ایمانوردی پانزده سال است فعالیت سینمائی دارد و تاکنون در چهل فیلم بازی کرده است .

مشهد – آقای هادی شاه – گلزاده

۱ – دستمزد هنرمندان معمولا برای هر فیلم یکسان است مگر فیلم اولشان باشد . ناصر ملك مطیعی برای قیصر و سکه شانس دویست هزار ریال دریافت کرده بود ۲ – بهمن مفید در قیصر مجازی شرکت کرده بود ولی برای شرکت در رضا هفت خط دویست هزار ریال گرفته است ۳ – برای ساختن موزیك متن یك فیلم آهنگساز فیلم را پس از مونتاژ ملاحظه کرده و سپس براساس داستان تمی را انتخاب کرده و برای آن آهنگ متنی می‌سازد و معمولا یك ارکستر بیست نفری برای ضبط آن را تمرین می‌کنند و آهنگهای ضبط نیز توسط این عده نواخته میشود .

تهران – خانم گیتی فیروزی

۱ – بازیگران فیلم افسانه زندگی آنی ژیرادو – ژان کلود بریالی – ساشادیستل – دانیل ژلن کریستیان مارکاند بودند ، فیلم مزبور یك اثر فرانسوی بود که توسط کمپانی فوکس در جهان توزیع میگردید ۲ – کارگردان فیلم انتقام خونین (کینگ ویدور) عشق من برگرد (رالف لوی) یازده سارق در لاس وگاس (لوئی – مایلستون) گروگان (فردزینه مان) و لورنس عربستان (دیویدلین) بود .

اصفهان – آقای مهدی مهدوی

۱ – فردین قرار بود در فیلمی بنام دروازه بان شرکت کند که مسئله تهیه آن منتفی گردید و در حال حاضر بازی در فیلم جهنم + من را بپایان رسانده است ۲ – شانکر و جاکیشن دو آهنگساز معروف سینمای هند بودند که در حال حاضر یکی از آنها در گذشته و دیگری بتنهائی برای فیلمها آهنگ میسازد ۳ – امین امینی با فیلم فرزند گمراه – بیك ایمانوردی با یك قدم تا مرگ ، ملك مطیعی با واریته بهاری فردین با چشمه آب حیات و بوتیمار با فیلم یك قدم تا مرگ فعالیت خود را آغاز کردند.

تهران – آقای داود صداقت

۱ – فیلم تولد آزادی Born Free در تهران بنام بازگشت بآزادی نمایش داده شد و در آن ویرجینیا ملك کاو بیل تراورس بازیگر نقشهای اصلی بودند ۲ – در فیلم خاطرات آن فرانك میلی پر کینز – ریچارد بیمر – شلی – وینترز بازی داشتند ۳ – در فیلم آخرین قطارگان هیل کرك داگلاس آنتونی کوئین – کارولین جونز شرکت داشتند و فیلم مزبور توسط جان استرجس ساخته شده بود .

تهران – آقای محسن دماندی

۱ – در فیلم آقادزده بیك ایمانوردی – فریبا خاتمی – آراسته اسدزاده پیشوائیان شرکت داشتند و فیلم مزبور محصول گروه سینماهای متحد تهران بود ۲ – بله میعادگاه خشم از روی فیلم آخرین قطارگان هیل ساخته شده بود .

اهواز – آقای سیروس کاظمی

دوست عزیز بنظر ما بهتر آن است که بکار تحصیل خویش ادامه دهید ، آنچه که سبب میگردد واقعا در زندگی راه رستگاری پیدا کنید کسب علم و دانش است نه اینکه بخاطر سودای هنرپیشگی دست از تحصیل و پدر و مادر خود کشیده و راهی تهران شوید . در تهران گروهی کثیر از جوانان وجود دارند که بسودای هنرپیشه شدن راهی تهران شده‌اند و عاطل و باطل نمی‌دانند چه کنند نه دوست عزیز دنباله تحصیل خود رابگیرید حتما موفق می‌شوید . در ضمن گول آگهی‌های کلاسهای هنرپیشگی را نخورید که همداش کلاهبرداری است .

شیراز – خانم گلرخ صفوی

آلن دلون متولد ۱۹۳۵ است و از سال ۱۹۵۷ وارد کار سینما شده وی با شرکت در فیلم وقتی زنها دخالت می‌کنند کارش راشروع کرد ، اما فیلم زنها طاقت ندارند سبب شهرت جهانی او شد .

کسوف – روکو و برادران، سامورائی از فیلمهای برجسته او است .

تهران – دوشیزه توران پرویزی

توران مهرزاد از بازیگران معروف و هنرمند تاتر ایران است که درحال حاضر فعالت اواختصاص برادیو دارد و اخیرا دومین فیلم سینمائی خود را آغاز کرده است. اولین فیلم او تنگه اژدها بود و دومین فیلمش نیز فتانه نامدارد .

دوست یابی

● مایلم با خواهرانی که به هنر تئاتر و سینما علاقه دارند مکاتبه کنم .

تهران – خیابان ژاله – دانشکده هنرهای دراماتیك ، رضا – آ .

● مایل به مکاتبه با موافقان و مخالفان موج نو درسینمای ایران هستم

جهرم – خیابان منوچهری – منزل بهبود – فرهنك بهبود

● با دوستداران هنرپیشگان تئاتر ، تلویزیون و سینماکه اینجا نامشان را میبرم مایل بمکاتبه هستم

فخری خوروش – سوسن تسلیمی – فخری پازوکی . اختر **شیروانی – مرضیه برومند** – فهیمه راستکار – مهین اسکوئی – پروین سلیمانی ژاله صبا – مهری رحمانی – آهو خردمند – فرزانه **تائیدی**

کاشان کافه گلچهرگان رضا کریمی

● مایلم با خوانندگان وفادار مجله که مورد قبول شورای نویسندگان است مکاتبه کنم .

مشهد خیابان پهلوی مقابل دارائی خیاط مدیست جوان طبقه فوقانی برسد بدست رضا اکرمی

● علاقمند به مکاتبه با دختران و پسران امروزی و مد و **زیبائی و هنرمندانی چون بهروز** وثوقی – ایرج رستمی – داود رشیدی – مرجان – لی‌لی – د بالاخره هنرمند پر ارزش گوگوش هستم .

تهران – میدان شهنازخیابان صفا – خیابان صدوق پلاك ۲۲۵ امیررنجبر

● حاضر به مکاتبه باخواهران و برادرانی که در کلاس پنجم طبیعی درس می‌خوانند و همچنین با دوستداران زبان انگلیسی می‌باشم.

تویسرکان – خیابان پهلوی – دبیرستان شاهپور – کلاس پنجم طبیعی – محمد رضا عباسی

● مایلم با دوستداران **بهروز وثوقی – ناصر ملك مطیعی –** آلبانو – رومینا پاور و گوگوش مکاتبه کنم .

بابل – صندوق پستی ۱۰۹ محمدرضا مظفری

● با علاقمندان به گوگوش آغاسی – ملك مطیعی – پوری بنائی حاضر بمکاتبه‌ام .

تهران – صندوق پستی شماره ۷۰۱۱ – ۷ – ابراهیم

● با تمام خواهران تهرانی و شهرستانی طرفدار سینمای ایران حاضر بمکاتبه هستم

اهواز – شماره ۷۲۳۶۴ – علی امینی

● مایلم با علاقمندان ناصر ملك مطیعی – گوگوش – ایرج قادری – مرجان مکاتبه کنم

شهر ری – سه راه ورامین – خیابان نصیری – پلاك ۱۵۷ – عباس رضازاده

● با علاقمندان صدای حمیرا مهستی و سوسن حاضر بمکاتبه هستم

لاهیجان – خیابان حافظ جنوبی – کوی خلیلی – پلاك ۵ – منزل جواد چاپچی – مهناز محسنی

● با خواهران و برادرانی که علاقمند هنرمندانی چون فردین – قادری – پوری بنائی – ارغوان – گوگوش – زری خوشکام – مهناز – **سپیده هستند ، مکاتبه نمایم .**

کاشان – خیابان دارائی – قماش فروشی احمد خاکساری – عزیز اسدی

● با علاقمندان ساموئل – خاچیکیان حاضرم مکاتبه کنم

تهران – شوش شرقی – خیابان شهپر – چهارراه هاشمی شماره ۷۷ – میثاایمانی

● با علاقمندان هنرپیشگانی چون دین مارتین – برت لنکستر – وان هفلین – جرج کندی و تماشاگران فیلم فرودگاه حاضر به مکاتبه هستم .

سمنان – اول بازار – کوی نجفی – شماره ۳۹ – منزل ایمانی قربانعلی ایمانی

● حاضر بمکاتبه با دوشیزگان طرفدار و علاقمند فیلم و هنر هستم .

اصفهان – فلکه محمدرضاشاه کوی شیخ الاسلام – شرکت پیر – امید – ع – حیدری



ترانه خارجی رامش !

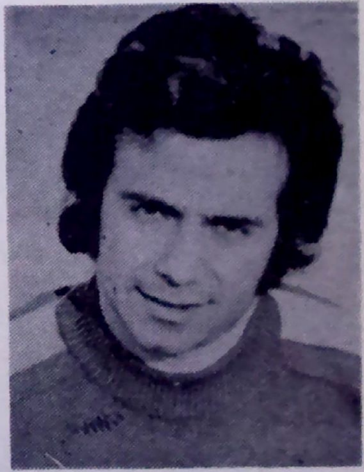


● طبق دعوتی که ازرامش بعمل آمده، قرار استاوایل‌تابستان سال جاری ، وی سفری به آمریکا نماید و چند برنامه‌برای‌دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا اجرا کند . در ضمن بعید نیست که رامش‌برای نخستین بار به اجرای یك آهنـك خارجی بپردازد که یك فـرانسوی مقیم ایران که تحصیلاتی نیز در زمینه موسیقی دارد سرگرم ساختن آن است و رامش تعهد نموده‌که در صورت پسندیدن ، خواندن این ترانه را بگردن بگیرد !

پشتك بجای «چشمك»!!

● «چشمك» برنامه‌ایکه‌چندی است از تلویزیون پخش میگردد ، این اواخر ارائه دهنده اداهـای نسبتا ناهنجاری شده است و بعد از آنکـه چندی رقص دخترها و پسرهای «دم‌بخت !» در بـرنامـه مزبور گنجانده گشت ، بتازگـی خوانندگان باصطلاح نوجوان این برنامه ، ضمن خواندن وگرداندن برنامه، بانواع بازی‌های‌رایج وغیر رایج میپردازند ، بطوریکه گـاه بازی کردن‌شان با هـم ، مسئله خوانندگی آنهارا تحت‌الشعاع قرار میدهد و بقولی کم باقی است که به پشتك بازی در جلوی دوربین تلویزیون بپردازند !

شجاعی ، تصادف و «آدما»



● هفته گذشته هنگامیکه‌حسن شجاعی پس از اتمام برنامه‌اش در یکی از کاباره‌ها ، عازم منـزل بود، بعلت خستگی زیاد ناشی از کارهای هنری مداوم ، نتوانست از باصطلاح چرت زدن خویش پشت فرمان اتومبیل ، جلوگیری بعمل آورده وبشدت بادرختی تنومنـد اصابت نمود که‌خوشبختانه صدمه‌ای به‌خود شجاعی وارد نیامد.

واما بدنیست بدانید که‌شجاعی بتازگی ترانه جدیدی برای ضبط آماده نموده که «آدما» نامدارد و شعر وآهنك آن از ساخته‌های «اکبر آزاد» است وبرای نخستین بار باصدای شجاعی از رادیو پخش خواهد شد.

آدما خونه ویرونه که منزل نمیشه
بانصیحت دل دیوونه که‌عاقل نمیشه
مبادا عاشق بشی که‌عاشقی غم‌میاره
توی این دوره کسی گرفتار دل نمیشه

دلادل‌نیست دیگه مهر و وفا نیست دیگه

توی دلها بخدا نور خدانیست دیگه
اونو دوست داری واون از وفا صحبت میکنه
واسه یکبار که‌شده باتومحبت میکنه
وقتی از تو دوربشه تنهای تنهـا میمونی

دل بیچارهٔ تو باغمش عادت میکنه
دلادل نیست‌دیگه‌مهروفا نیست‌دیگه
توی دلها بخدا نور خدا نیست‌دیگه

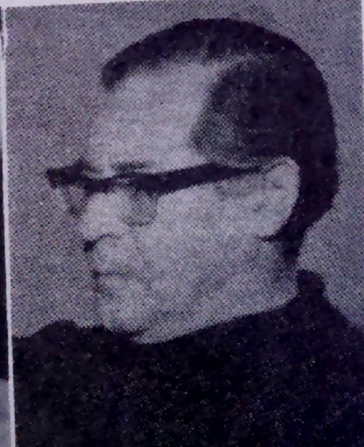
۴ سؤال

از:

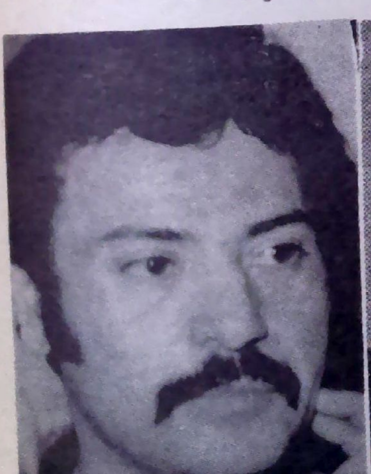
٤ سازنده موزیك متن فیلم ...

— در ساختن موزیك متن فیلم بیشتر از چه الهام می‌گیرید؟

مرتضی حنانه: در وهله‌نخست خود را در فضائی که فیلم آفریده حس کرده و سپس سعی می‌کنم با یك دید کلی و برداشتی همه جانبه از آنچه که‌فیلم میخواهد به‌تماشاگر نشان دهد ویااحتمالا القاء نماید، تمی برای موزیك متن برمی‌گزینم که مکمل فضای فیلم بوده و ضمنا بنوعی تماشاگر را هرچه بیشترتحت نفوذ قرار دهد.

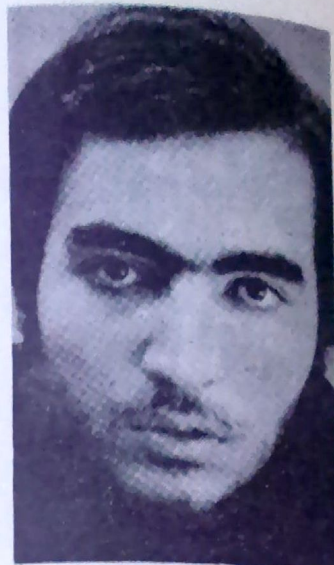


● مرتضی حنانه



● اسفندیار منفردزاده

مخالفت شهیار با «قصه‌عشق»



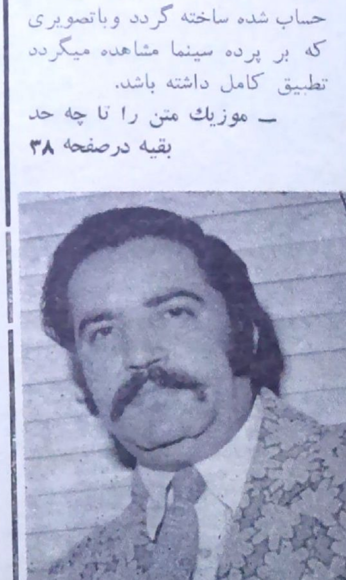
● چند روز پیش ، یکی از خوانندگان سرشناس که ید طولائی نیز در اجرای ترانه‌های خارجی که گل می‌کنند دارد ، پیشنهاد سرودن شعری را برمبنای آهنگ معروف «قصه عشق» ، به‌شهیارقنبری نمود و شهیار که تابحال دوترانه قصه‌گونه او برای «ماهی» و «بره وگرگ» سروصدای زیادی براه انداخته ، باوجودیکه خواننده‌مورد نظر حاضر بود برای سرودن ترانه جدید «قصه عشق» که قرار است با یك اجرای جدید ارائه گردد ، مبلغ هنگفتی به او بدهد ، از قبول این پیشنهاد سرباز زد وگویا علتش هم این بوده که شهیاراینطور که خودش می‌گوید برای دلش شعر می‌گوید و قادر نیست که با یك برداشت کاملا قراردادی از یك ترانه خارجی ، شعر بسراید ، آنهم وقتیکه فقط مدت دوروز به او فرصت سرودن شعر مورد نظر را بدهند !

ـ خصوصیات‌موزیك متن‌فیلم بنظر شما ؟

اسفندیار منفردزاده : موزیك متن فیلم بایستی بدور از هرگونه تقلید کورکورانه،مبین لحظات‌فیلم بوده وسازنده موزیك متن باید تا بآن حد به‌کارش مسلط باشد که لحظات فیلم را درك نموده وبوسیله موسیقی آنرا ارائه دهد والبته تمام زیر وبم بازی هنرپیشگان نیز در موزیك متن در نظر گرفته شود و من کسانی را که با ساختن یك آهنك و عرضه آن دریك فیلم، بصورتی که ابدا بالحظات هماهنگی نداشته و در واقع حکم آنرا دارد که بهنگام تماشای فیلمی بدون موزیك متن، یك رنك نیز بگوش برسد که ربطی به فیلم و لحظات آن ندارد، بهیچوجه نمیتوانم بعنوان سازنده موزیك متن پذیرفته وبلکه بنظر من موزیك متن باید حساب شده ساخته گردد وباتصویری که بر پرده سینما مشاهده میگردد تطبیق کامل داشته باشد.

ـ موزیك متن را تا چه حد

بقیه درصفحه ۳۸



● حسین واثقی



●مجتبی میرزاده



همه حرفهای یك «نام» ...

دلکش :

● یك نام «قمر»، و میرود که فراموش شود نام دیگری در دلها زنده میگردد، «دلکش» و این زن، این پدیده هستی دیگر نامی بدنبال ندارد، آخرین نام موسیقی ایران است ، نامی همزاد موسیقی ایران که چنانچه از یادها رود، در موسیقی ایران آنچنان‌خدشه‌ای وارد خواهد شد که گوئی بارفتن دلکش موسیقی ایران نیز بار سفر می‌بندد‌و میرود بسوئی که علتش‌بر هیچکس معلوم نیست ، فنا ...

دلکش را در یك نشست‌هیچکس نشناخته است واین خود بوده که در ناشناس ماندنش موثر واقع‌شده در حالیکه لبریزاست از خاطره‌ها، لبریز است از دیده‌ها، و بسیاردیده نامها و فراز وشیب‌ها و لبریز است از شنیده‌ها، وبسیار شنیده حرفها وناحرفها، ولی ... ولی او همچنان سکوت کرده است ، کم گفته و بسیار شنیده ، گفته مگر با عاقلی طرف صحبت بوده است ... مجلات و روزنامه‌ها بیش از یك ربع قرن برای دلکش صفحه سیاه کردند، میکنندوبازهم‌خواهند کرد، واو بیش از تعداد موهای سرش «بله» و «نه» گفته است، ولی امروز کمتر پرسشی را با یك «آری» یا «نه» پاسخ میدهد ، چون لبریز است از اندوخته‌ها و تجربه‌ها، تجربه‌های تلخ و گاه بس شیرین ، ودلکش امروز سعی‌اش بر این است که هر مجهولی را بایك تفسیر معلوم سازد و وقتی از او، که از بابلی گرفته تا بقول‌بچه‌های پائین شهرکه «بیات‌تهران» رامی‌ـ گویند «چاله میدونی» ، آواز خواننده و هم او که در لابلای این آوازها سعدی‌وحافظ را بیش‌از هر زمان ، شاعر روز ساخته و بیژن ترقی ونواب صفا و کریم فکور و ورزی را مطرح کرده است ، سئوال میکنی وکمی هم باخجالت:

ـ چند سال از سن شما گذشته ؟

ـ مهم نیست ، پنجاه ، بزنم به‌تخته، نه ؟ مثل اینکه خوب موندم ؟!

●

حسن دینامیت

وکادر سازنده آن

● در ساختن یك فیلم بیش از هر مسئله‌ای کادر سازنده‌ی آن مطرح است واینکه این گروه چگونه میتواند در رسیدن بهدف خود که ایجاد یك اثر تماشائی است موفق گردد. استودیو عصر طلائی سازمان مجهزی در کار فیلمسازی ایران است که در طی سالها فعالیت خود توانسته است نقش خود را در ایجاد آثار موفق و پرفروش نشان دهد وهمواره دراین سازمان مجهز معروفترین ومحبوبترین کارگردانان وبازیگران سینمای ایران فعالیت داشته‌اند.

عصر طلائی در برنامه کار خویش پیوسته از هدفی پیروی میکرده است و آن اهمیت بخشیدن بکار فیلم دراین سرزمین وارائه آثاری بوده است که بتواند از هرجهت مورد قبول واقبال تماشاگران فیلم ایرانی گردد بخصوص آنکه در دوره اخیر تحول خود کوشش نموده که بتهیه آثاری بپردازد که از هرجهت یك قدم بسوی کمال در آن برداشته شده باشد واینك ملاحظه می‌کنیم که فیلمهای اخیر این سازمان فعال فیلمسازی درایران تاچه حد باتوفیق مواجه شده و توانسته است اهمیت خاصی در میان تماشاگران فیلم ایرانی بدست آورد وبدنبال این هدف است که عصرطلائی اینك از تعداد محصولات خود کاسته و در عوض باهمیت وارزش آن افزوده است.

«حسن دینامیت» همانگونه که از نامش پیدا است ، یکی از داغترین و پرحادثه‌ترین ودر عین حال کمدی‌ترین فیلمهای سال‌گذشته عصرطلائی است که در آغاز سال تازه بنمایش درمی‌آید. این فیلم دارای داستانی تازه و کاملا بدیع است و درگیری مردی است که بدنبال یك ماجرا پایش بحوادثی باز میشود ودرهمین ضمن عشق بسراغش می‌آید.

بازیگران فیلم

● برای ایفای نقشهای مختلف حسن دینامیت گروهی از بازیگران سرشناس وخوب سینمای ایران که انتخاب آنها از روی دقت انجام گردیده است برگزیده شده‌اند ، که در راس همه آنها بیك‌ایمانوردی قراردارد . بیك‌ایمانوردی دراین فیلم‌ایفاگرنقش‌تازه‌ای است باتیپ دلخواهی که در سالهای اخیر بدست آورده و دراین فیلم یك‌بار دیگر کار خوب و در خور تحسینی را ارائه میدهد و شاید بتوان گفت «حسن دینامیت» بهترین کاری است که دراین زمینه انجام داده است و باتیپ مخصوص و طرز راه رفتن و حرف زدن خود خنده وشادی را بتماشاچی ارزانی میدارد.

نیلوفر ستاره خوب سینمای ایران که اورا اخیرا در کمتر فیلمی مشاهده می‌کنیم در حسن دینامیت بازیگر نقش مقابل بیك‌ایمانوردی است باهمان بازی خوب و جالبی که معمولا در فیلمهائی که شرکت دارد ارائه میدهد و علاوه براین همبازی شدن وی بابیك‌ایمانوردی وبخصوص آنکه نقش مقابل وی را عهده‌دار است سبب گردیده که توجه بیشتری را بخود جلب نماید.

مژگان ستاره سکسی سینمای ایران تیپ کاملا تازه‌ای را دراین فیلم ارائه داده است . نقش وی بخصوص صحنه‌های عشقبازی او سبب گردیده که او زیبائیهای اندام خود را بخواست کارگردان فیلم جلوه‌گر سازد واین فیلم توفیق تازه‌ای در کاریر سینمائی او محسوب میگردد.

علاوه براینها بازیگران دیگری چون انوش، یوری ، علی زندی ــ حسن رضائی ــ رفیع و روشن‌ضمیر در این فیلم شرکت دارند که هر یك در حد خود بازی خوب و درخور توجهی ارائه داده‌اند .

کارگردان فیلم

● امور کارگردانی حسن دینامیت را مهندس میرصمدزاده انجام داده است. وی که در ساختن فیلمهای کمدی تبحر خاصی نشان داده است حسن دینامیت را نیز چون سایر کارهایش در زمینه‌ای کاملا تازه و دلپذیر بوجود آورده و فیلم از لحظات کاملا خوب وسکانس‌های بسیار دلپذیری برخوردار است و همین عوامل سبب گردیده که حسن دینامیت بصورت یك فیلم پرتحرك و پرآکسیون درآید

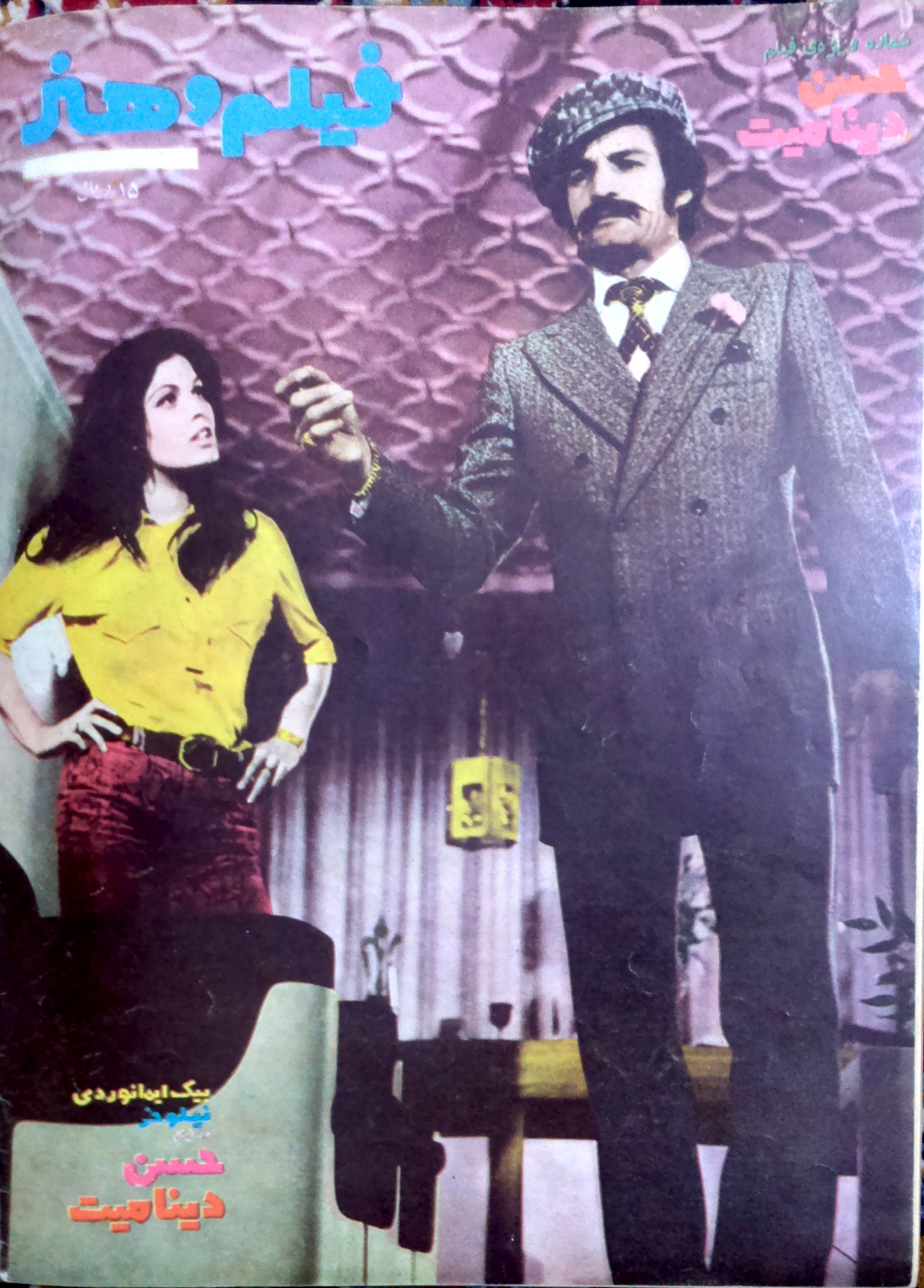
فیلمبردار فیلم

● «داریوش» امور فیلمبرداری فیلم را انجام داده است . وی فیلمبرداری است که کارش را از استودیو عصر طلائی آغاز کرده و بعداز مدتها که در نقش آسیستان فیلمبردار فعالیت میکرده، از سال قبل بصورت یك فیلمبردار درآمد و در طی این مدت ذوق واستعداد خاصی از خود نشان داده وبطور دلخواهی توانسته است آثار متعددی در عصر طلائی فیلمبرداری نماید بطوریکه در حال حاضر اکثر محصولات استودیو عصر طلائی توسط وی فیلمبرداری می‌گردد.

استودیو عصر طلائی برای فیلم حسن دینامیت امید توفیق‌کاملی را دارد ، بدان جهت که فیلمی گرم و گیرا و خوب از کاردرآمده است.

حسن دینامیت از این هفته در بیش از سی سینمای تهران و شهرستانها بنمایش درمی‌آید و میتوان گفت که نمایش آن خواهد توانست بااستقبال عموم روبرو گردیده و در ردیف فیلمهای پرفروش و موفق امسال قرار گیرد.



فیلم و هنر
۱۵ ریال
شماره ویژه‌ی فیلم
حسن
دینامیت
بیک ایمانوردی
نیلوفر
حسن
دینامیت